

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۳۴۵، جمعه ۱ فروردین ۱۳۹۲ (۲۱ مارس ۲۰۱۴)

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، آناهیتا اردوان، جعفر پویه، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

- * پیام نوروزی سُخنگوی سازمان به مناسبت عید نوروز...ص ۲
- * بازگشت رژیم ولایت فقیه به حاکمیت دوگانه - منصور امان...ص ۳
- * فشار ریاضت اقتصادی بر گرده کارگران - جعفر پویه...ص ۶
- * اوکراین قربانی روسیه، آمریکا و اروپا - لیلا جدیدی...ص ۹
- * اوکراین، عرصه تقابل شرق و غرب - شهره صابری...ص ۱۵
- * دیداری که ارکان نظام را لرزاند - مهدی سامع...ص ۱۶
- * پیوستگی حقوق زنان با حقوق بشر - زینت میرهاشمی...ص ۱۸
- * زنانه شدن پدیده مهاجرت (قسمت دوم) - برگردان: آناهیتا اردوان...ص ۲۱
- * ۸ مارس و سیمای جنبش سیاسی- اجتماعی زنان - آناهیتا اردوان...ص ۲۴
- * چالشهای معلمان در اسفند ماه - فرنگیس بایقره...ص ۲۸
- * برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در بهمن و اسفند ۱۳۹۲ - زینت میرهاشمی...ص ۳۲
- * رویدادهای هنری ماه - لیلا جدیدی...ص ۴۷
- * کنفرانس بین المللی فوریت حفاظت از پناهجویان کمپ لیبرتی در مقرملل متحد در ژنو...ص ۵۲
- * فراسوی خبرها...ص ۵۴
- * شهدای فدایی در فروردین ماه...ص ۶۱

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.co

پیام نوروزی سُخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت عید نوروز و آغاز سال ۱۳۹۳

هم وطنان عزیز

عید نوروز، این کهن ترین، پایدارترین و مهیج ترین جشن ملی ایرانیان، جشن جنبش بهار، جشن زایش، بالندگی و شکوفایی طبیعت و آغاز سال ۱۳۹۳ را از جانب خود و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به همه ی شما تبریک و شادباش می گویم و برای شیفتگان صلح، دوستی، آزادی و عدالت موفقیت آرزو می کنم.

نرم نرمک می رسد اینک بهار

خوش به حال روزگار

زیباترین پیام نسیم بهاری و شکفتن شکوفه ها تجدید حیات طبیعت و اعلام پایان زمستان است، آرزو می کنم که در سال جدید شاهد جشن آزادی و رهایی برای مردم ایران باشیم.

اکنون که سال جدید را آغاز می کنیم بسیاری از آزادیخواهان، بسیاری از کارگران، معلمان، زنان، دانشجویان و فعالان سیاسی اجتماعی کشورمان، به جرم دفاع از حقوق برحق شان در زندانهای نظام جهل و جنایت حاکم بر ایران هستند. در آغاز سال به مقاومت تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی که تحت شدیدترین شکنجه ها و رفتارهای ضد انسانی قرار دارند، درود می فرستم.

یاد همه ی ایرانیانی که در سال گذشته در مبارزه علیه نظام جهل و تاریکی جان باختند، به ویژه ۵۲ شهید قهرمان شهر اشرف را گرامی می دارم.

هم وطنانم،

در سال گذشته خامنه ای تخت فشار تخریمها و تنفر عمومی از ولایتش دو بار عقب نشینی نمود. او از کاندیدای مورد نظرش به اجبار صرف نظر کرد و در پروژه اتمی نیز باز هم به اجبار تن به عقب نشینی داد و البته برای مهار خسراهای ناشی از این عقب نشینی و نوشیدن جام زهر فشار و سرکوبی علیه مردم ایران را افزایش داد. گُرنش در برابر قدرتمندان و سرکوبی برای مردم ایران سیاست عملی ولی فقیه در سال گذشته بود.

در سال گذشته بازهم در آمد واقعی کارگران، مزدبگیران و کارکنان بخش دولتی و خصوصی کاهش پیدا کرد. فشار بر زنان، جوانان، معلمان و دانشجویان افزایش پیدا کرد و در پایان سال کارگزاران ولایت خامنه ای با تعیین دستمزد پایه در حد خط مرگ، به اکثریت مردم رحمتکش پیام تباهی ارسال کردند.

اما تردیدی نیست که ظلم و ستم نظام حاکم بر کشور ما بدون پاسخ نخواهد ماند و نیروهای کار همراه با سایر نیروهای اجتماعی علیه بیداد مبارزه خواهند کرد.

آرزو می کنم که سال ۱۳۹۳، سال تحقق خواسته های بر حق مردم ایران و سال آزادی از اهریمنان و مرتجعان حاکم بر ایران زمین باشد.

در آستانه سال جدید با ستایش و احترام، همبستگی خود را با زندانیان سیاسی و خانواده شهدا و زندانیان سیاسی اعلام می کنم و از شما درخواست می کنم که خانواده شهدا و زندانیان سیاسی را تنها نگذارید و با خواست آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی همراه شوید.

به زنان و مردان پایدار، صبور و دلیر کمپ بدتر از زندان لیبرتی درود می فرستم

با مبارزه و مقاومت کارگران، مزدبگیران، زنان، دانشجویان و آزادیخواهان کشورمان، اعلام همبستگی می کنم و پیکار بی امان آنها را ستایش می کنم.

دستتان را می فشارم

پیروز و سرفراز باشید

مهدی سامع، پنجشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۹۲ - ۲۰ مارس ۲۰۱۴

بازگشت رژیم ولایت فقیه به حاکمیت دوگانه

منصور امان

رییس قوه قضاییه دایره وظایف خود را به سیاست خارجی نیز گسترش داده است. آیت الله صادق لاریجانی در انتقاد از دیدارهای خانم اشتون با کوشندگان مدنی و خانم گوهر عشقی، مادر جانباخته راه آزادی، ستار بهشتی، تهدید کرده است "اگر چنین روندی ادامه یابد"، قوه قضاییه علیه هیاتها و مقامهای خارجی بازدید کننده از ایران "وارد عمل می شود". آقای لاریجانی پیشاپیش مسوولیت و "تبعات" چنین اقدامی را متوجه "وزارت امور خارجه" کرده است.

دولت در سایه

اگرچه با وجود استبداد دینی به مثابه مضمون ساختار سیاسی و قرار گرفتن خودکامه ای زیر نام "رهبر" و ولی فقیه بر راس آن، موضوع تفکیک قوا در جمهوری اسلامی منتفی است، با این حال گفته های آقای لاریجانی حتی استانداردهای نمایشی "نظام" در این زمینه را نیز زیر پا می گذارد. این اما به مفهوم خطا در استدلال یا تصادفی بودن گفته وی نیست. او با اعلام سیاست خارجی به مثابه یک قلمرو دیگر فعالیت و نظارت قوه قضاییه، بر روندی مهر تاکید گذاشته که به گونه تدریجی از هنگام واگذاری اجباری دولت به جناح میانه حکومت و عقب نشینی هسته ای آغاز گردیده است. آشکار ترین نمود بیرونی فرایند مزبور را در افزایش فشار بر زندانیان، شدت یافتن هیستری پیگرد کوشندگان سیاسی، مدنی و صنفی و همچنین بالا رفتن شمار اعدام و اشتیاق بیشتر برای به نمایش عمومی گذاشتن آن می توان مشاهده کرد. به موازات این، باند ولایت فقیه به گونه همه جانبه زیر تابلوی "مبارزه با تهاجم فرهنگی" علیه جامعه و باند رقیب آرایش گرفته و تلاش می کند تحرک آن دسته از لایه های فکری و فرهنگی را که عقب نشینی خارجی می تواند فضا در اختیار شان بگذارد، کنترل و مدیریت کند.

استراتژی ای که این سیاست سرکوبگرانه را هدایت می کند، خط مشی فراگیر و شناخته شده تولید اقتدار است که رژیم ولایت فقیه در طول حیات خویش بدان به مثابه جایگزین مشروعیت اجتماعی تکیه زده است. با این همه یک ویژگی آشکار آن را از هشت سال گذشته متمایز می کند. به این گونه که در حالیکه در دوره صدارت نظامی - امنیتی، دولت و دستگاه قهر در یکدیگر ادغام شده بودند و یکی نسخه اصل دیگری به شمار می آمد، اکنون با از دست دادن دستگاه اداری، دستگاه قهر خارج از دیوانسالاری دولت قرار گرفته و ناچار است به صورت موازای با آن حرکت کند.

بازگشت به ناهمگونی ساختاری

مفهوم دیگر تحول مزبور شکل گیری دوباره حاکمیت دوگانه در ساختار قدرت جمهوری اسلامی است؛ موقعیتی که آخرین بار پس از آنکه باند "اصلاح طلب"، دولت و مجلس را در اختیار گرفت، به وجود آمد. جناح راست "نظام" که در این هنگام خود هنوز به تلاشی دُچار نشده بود، سلطه سیاسی خویش را به گونه موفقی از بیرون دستگاه رسمی و به اتکا نیروهای نظامی و امنیتی اعمال می کرد. "اصلاح طلبان" نیز هرگز قادر به برقراری توازن قدرت با رقیب خود نشدند، بخشی به این دلیل که منافع درهم تنیده و مشترکی با آن داشتند که حاضر به ریسک از دست دادن آن در یک درگیری بزرگ تر با شرکت نیروهای اجتماعی "غیرخودی" نبودند و بخشی نیز از آن رو که فاقد برنامه عمل و جسارت برای استفاده از امکانات و ظرفیتهای قانونی به سود خود بودند.

با نگاه به این پیشینه به هیچ رو تصادفی نیست که در صف آرای کنونی بین قدرت حقیقی و قدرت حقوقی نه فقط همان موسسات قهری و نیروهای مسلحی که علیه "دوم خرداد" به میدان آورده شدند، بلکه تهاجم نیز بر همان بستر پیشین و با رنگ و لعاب ترویج "فرهنگ مذهبی" جریان می یابد. این دستگاه، ترکیب شده از سپاه پاسداران و شبکه شبه نظامی آن به نام " بسیج"، نیروی انتظامی، ارگانهای امنیتی، قوه قضاییه، دادگاهها و زندانها، ابزار اجرایی قدرت واقعی هستند که اراده، خواست و سیاست باند ولی فقیه را جاری ساخته به قدرت فرعی تحمیل می کنند.

بنابراین برای باند حاکم حجم سرکوب علیه "پایین" و به ویژه بخشهای پیشرو جامعه، تناسب مستقیمی با میزان تاثیرگذاری و اعمال قدرت در "بالا" یافته است. به این گونه که به همان اندازه که آقای خامنه ای و همدستانش، به مدد ماشین قهر، قلمروهای بیشتری را تصرف یا کنترل کنند، به همان میزان نیز از توان مداخله گری بیشتری برخوردار می شوند. این موقعیت از یک طرف به دلیل حذف رقبای "غیرخودی" و از طرف دیگر به خاطر محدود شدن شعاع عمل جناح میانه و ابزار آن (دولت) به دست می آید.

چنین می نماید که با شکست سیاست یکدست سازی آقای خامنه ای و باند ولایت، جمهوری اسلامی بار دیگر حیات عادی خود را از سر گرفته باشد؛ حیاتی که با یک ناهمگونی ساختاری بین جوهره و کارکرد رژیم مطلقه و تشریفات آرایش دهنده اش که از رژیمهای پارلمانی تقلید شده، گره خورده و ستیز دایمی دسته بندیها و باندهای صاحب منافع بر سر قدرت تعریف ناپذیر و مورد مناقشه را تضمین کرده است.

پنیر سویسی که خمینی ساخت

برخلاف آنچه که بازیگران این صحنه پُر آشوب مدعی هستند، ریشه درگیری تناقض بین نهادهای انتصابی با نهادهای انتخابی نیست. ناهمگونی مزبور حداکثر نمودی از تناقض اصلی و شکل پدیدار شدن آن است و نه خود آن. این یک شکاف برنامه ریزی شده است که از تلاش برای پنهان ساختن ریربنای استبدادی و ارتجاعی یک رژیم ایدولوژیک با روبنای عوامفریبانه "جمهوری" سرچشمه می گیرد. ترفندی که آیت الله خمینی زیر فشار مطالبات قیام ضد سلطنتی و برای مهار و گمراه کردن جنبش عظیمی که پُشتوانه خواسته های مزبور بود به کار بُرد، رژیم سیاسی ناشی از آن را به یک پنیر سویسی با حُفره های ذاتی تبدیل کرد که تجزیه درونی را همچون فرآیندی بی پایان در ماهیت داشت.

اگرچه آقای خامنه ای ناچار شد به دلیل خیزشهای ۸۸، تلاش خود برای رفع این تناقض و برپا کردن "حکومت اسلامی" و به خلافت نشستن را نیمه کاره رها کند، اما این هنوز به معنای آن نیست که زیردستانش اهداف او را با استناد صریح به عوامفریبی آقای خمینی دنبال و توجیه نکنند. ماه گذشته آیت الله مصباح یزدی دوباره ناگزیریهای آقای خمینی را یادآور شد و توضیح داد وی همواره خواهان "حکومت اسلامی" بوده، اما به دلیل این ملاحظه که "جهان می خواست بداند چه حکومتی در ایران قرار است بر سر کار بیاید"، "از ادبیات سیاسی روز استفاده کرده و منطقی را اتخاذ کرد که مورد توافق و فهم دیگران باشد."

در این میان آشکار گردیده که نیرنگ کاری آقای روح الله خمینی از قلمرو "ادبیات سیاسی" فراتر رفت و ساختار سیاسی را هم آغشت. نگون بختانه فقط آنکه این گشاده دستی چندان پیامدهای زیانباری برای مخلوق برآمده از آن داشت که هرگز نتوانست به تعادل برسد و روی همان بند لغزانی که "امام" بازی خود را آغاز کرد، به "چپ" و "راست" تاب می خورد.

ناهمگونی مزبور سرچشمه اختلافها و تضاد منافع در دستگاه قدرت است و هر جا که میدانی برای حمل آن به وجود بیاید، بی درنگ به سطح نشت می کند. همانگونه که تصور پذیر است، مُستعد ترین زمین برای تبدیل به آوردگاه تناقض ساختاری "نظام"، پُستهای اجرایی است؛ جایی که خواستها و نقشه ها فرصت و ابزاری واقعی برای مادی شدن می بایند. ایجاد صف بندی بر این مبنا و در میدان تصمیم گیری و اجرا، مُستقل از درجه نزدیکی یا دوری افراد و باندها از کانون مرکزی قدرت، ولایت فقیه، شکل می گیرد. یکسان بودن واکنش مجریان در این شرایط را می توان از مقایسه رویکرد آقایان احمدی نژاد در دوره دُوم ریاست جمهوری خود و خاتمی مشاهده کرده، این در حالی است که آقای خاتمی و باندش، رقیب "رهبر" و آقای احمدی نژاد، گماشته وی بود.

"تدبیر" برای شراکت عادلانه

براین اساس نزدیک ترین راه حل برای چیرگی بر قدرت دوگانه، جلوگیری از تداخل مسوولیتها و پُر کردن بازگشت ناپذیر شکافها، اصلاح ساختاری "نظام" خواهد بود. این مَهَم در عمل فقط می تواند به زیان یکی از دو قُطب ناهمگون تناقض به

واقعیت بپیوندد. به این گونه که یا از تشریفات "جمهوری" کم گردد و یا اینکه از شاخ و برگ "ولایت مُطلقه" زده شود. دستکم تاریخ کشمکشهای جمهوری اسلامی نشان نمی دهد که راه حل میانه ای نیز وجود داشته باشد. برعکس، در آن تلاشهای ذهنی و شکست خورده ای را می توان یافت که آشتی دادن منافع قُدرت حقیقی و حُقوقی بر پایه "مصلحت بزرگ تر" را مبنا داشته است.

این راهی است که دولت "اعتدال" آقای روحانی نیز تاکنون در آن گام زده است. جناح میانه حکومت تلاش می کند به وسیله حل و فصل بُحران هسته ای "نظام"، قوانین بازی در دستگاه قُدرت را در شکل بُرد - بُرد مُتوازن ساخته و جایگاه خویش را مُستحکم سازد. آنها از این مُقدمه حرکت می کنند که باند حاکم تحت چنین شرایطی و زیر فشار موج داخلی و خارجی برآمده از آن، حاضر به وانهادن زمینهای بیشتری از قلمرو قُدرت خویش خواهد بود، بدانگونه که شراکت عادلانه میسر شود.

سناریوی مزبور تمام تُخم مُرغهای خود برای هدف یاد شده را در سبد باند رقیب و نشان دادن تفاهم از سوی وی گذاشته است. این امر جهت گیری درونمایه ای جناح میانه را به نمایش می گذارد که بر حل ناهمگونی از "بالا" و بین "خودی" ها مُتمرکز است. به همین دلیل نیز در سیاست آن نه نشانی از حساب کشی از باند ولایت و آوردن فشار جدی روی آن به چشم می خورد و نه تلاش برای قانونمند کردن مُناسبات جدید و اصلاح نهادی روابط موجود در مُعادله قُدرت جای دارد. "تدبیر" مزبور در حالی به کار بسته می شود که رقیبان دولت هر روز کمی بیشتر دایره حرکت آن را محدود می کنند و در حال تبدیل آن به کارگزار مسایل خارجی خود هستند.

برآمد

آنچه که جهت رویدادها در مُناسبات دستگاه قُدرت جمهوری اسلامی را تعیین می کند، خواست یا آرزوهای جُداگانه نیروهای که آن را تشکیل داده اند نیست، بلکه نیروی مادی است که صرف آن کرده و فاکتهایی است که خلق می کنند. با این پیش شرط، دولت آقای روحانی برای رسیدن به بُن بست حتی نیازی به پیمودن راه کوتاهی که "دُوم خرداد" پشت سر گذاشت ندارد. شتاب آقای خامنه ای و همدستان نظامی و امنیتی اش برای تامین سُلطه سیاسی خویش تحت شرایط تحول یافته، تحمُل این رنج را از دوش جناح میانه حکومت برداشته است. گفته های آقای صادق لاریجانی بیان این حقیقت است که توپ در زمین دولت قرار دارد و ساعت، ۵ دقیقه به ۱۲ را نشان می دهد.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای

روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

فشار ریاضت اقتصادی بر گرده کارگران

جعفر پویه

بحران فزاینده اقتصادی در همه روزنه های زندگی روزمره مردم نفوذ کرده است. به علت تورم و گرانی بی حساب، قدرت خرید کارگران و مزدبگیران هر روز کمتر می شود و دلالتان و کارچاقکنهای حکومتی از یک طرف و صاحبان رانت و ویژه خواران از طرف دیگر پولهای شان از پارو بالا می رود. حال اینکه چه کسی پاسخگوی این وضعیت فاجعه بار است، روشن نیست.

اما علی خامنه ای، رهبر و ولی فقیه رژیم پا را از حد خود فراتر گذاشته و بدون توجه به اوضاع نابسامان مردم، فرمان "حماسه اقتصادی" می دهد. او با صدور دستور "اقتصاد مقاومتی" ثابت می کند که فقر و فلاکت اکثریت مردم برایش مهم نیست، بلکه آنچه بیش از همه مقصود اوست، حفظ ولایتش و پیروزی بر حریفان قدرت و به حاشیه راندن آنان است. خامنه ای و دار دسته او که در خرداد ماه ادعا کرده بودند با روی کار آمدن حسن روحانی "حماسه سیاسی" مورد نظرشان به ثمر نرسیده، دیگران را به خلق حماسه اقتصادی تشویق می کنند تا به ادعای او در پیام نوروزی سال گذشته اش یعنی "سال حماسه سیاسی و اقتصادی" جامه عمل بپوشد. اما این پرسش که ادعاها و اعمال به چه قیمتی تمام می شود، برای خامنه ای و بیت اش، دولت اطلاعاتیهای حسن روحانی و پیرامونیهایش محلی از اعراب ندارد.

بندناف اقتصاد مقاومتی

آنچه این وسط پنهان شده و کمتر به دید می آید، اهداف خطرناک صدور دستور اقتصاد مقاومتی برای اجرایی کردن حماسه اقتصادی خامنه ای است. او همه درخواستها و ملزومات ریاضت اقتصادی برنامه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول مبنی بر قطع سوبسید کالاهای اساسی را اقتصاد مقاومتی می نامد و آنرا در لفافه آخوندی پیچیده تلاش دارد تا به خورد مردم دهد. شاید هم این بخشی از "نرمش قهرمانانه" رهبر جمهوری اسلامی در برابر قدرتهای جهانی باشد که اینگونه تئوریزه می شود. بی دلیل نیست که حسن روحانی طی سخنرانی در مجلس خبرگان گفت: "اقتصاد مقاومتی پایه های اقتصاد ایران را بسیار محکم خواهد کرد، اما در سالهای آینده".

هرچند گفته حسن روحانی در مجلس خبرگان در پاسخ به آخوند مهدوی کنی گفته شد که خواسته بود "دولت در زمینه اقتصاد مقاومتی به شعار بسنده نکند، بلکه برای اجرای آن حقیقتا راهکارها و راه حلهای عملی جستجو کند".

واکنش روحانی را می شود اینگونه نیز دید که اگر آخوندهای مجلس خبرگان فکر می کنند با اجرایی شدن این دستورالعمل کشور گلستان می شود، این آرزو چندان واقعی نیست و حرکت مزبور نه تنها به شکوفایی منجر نخواهد شد، بلکه اعتراضات وسیعی را نیز دامن خواهد زد، زیرا با رکود تورمی ای که گریبان اقتصاد کشور را گرفته و گرانی و بیکاری، چگونه می شود کمربندها را سفت تر بست و نه تنها کمتر خرج کرد، بلکه درآمدهای بلند پروازانه از محل مالیات بدست آورد؟ به گفته پایوران اقتصادی رژیم، در صورتی که دولت نتواند مناسبات خود با جامعه بین الملل را ترمیم کند، هیچ چشم اندازی برای بهبود وضعیت اقتصادی وجود ندارد. بیژن نامدار زنگنه، وزیر نفت حسن روحانی می گوید: "بدون پول نفت (یعنی بدون رفع تحریمها) امیدی به اجرای طرحهای عمرانی و پشت سر نهادن رکود و بیکاری در کشور نیست".

محمود سریع القلم، مشاور حسن روحانی نیز می گوید: "هر تحولی در وضعیت کنونی و آینده اقتصاد ایران به رفع تحریمها و در نتیجه به حل معضل مناسبات جمهوری اسلامی و آمریکا بستگی دارد".

به این ترتیب عدم اجرای طرحهای عمرانی از طرف دولت به منزله بیکاری و رکود در بخشهای وسیعی از کشور خواهد بود. امید به بهبود روابط و کم کردن تحریمها برای نجات رژیم و ترمیم اقتصاد کشور، علت نرمش قهرمانانه رهبر را بیش از پیش عیان می کند و آن را حتی به مرحله ی نشان دادن جای دوست و دشمن نیز خواهد رسانید. با این حساب رهبر مفلوک رژیم از عریبه جویی و خط و نشان کشیدن، به یک دلچک دست آموز نزول خواهد کرد. حال می توان معنای حرفهایی که مصرف داخلی دارد و گاه با سر و صدای زیاد در بوقهای حکومتی دمیده می شود را فهمید.

بحران مالی بر پایه غارت بانکها

به غیر از این بنیاد پولی کشور به شدت آسیب دیده است و بانکهایی که توسط عده ای از نزدیکان پایوران رژیم غارت شده اند، مدتهاست که ورشکسته اند. این بانکها ناتوان از باز پس گرفتن مطالبات خود، به مبادله چیزی مشغولند که در اصل از آن تهی هستند. فرهاد نیلی، رییس پژوهشکده پولی و مالی بانک مرکزی با ارایه گزارشی، رقم مطالبات معوقه بانکهای کشور را بین ۷۰ تا ۱۰۰ هزار میلیارد تومان اعلام می کند. او می گوید از این مبلغ ۵۰ درصد آن مشکوک الوصول یا غیر قابل پرداخت است. نیلی برای توضیح غیر قابل پرداخت بودن می گوید: "۷۰ درصد مطالبات معوق بانکها در اختیار ۱۰ درصد واحدهای تولیدی زیان ده کشور قرار گرفته اند."

به زبان دیگر، کسانی صاحب قدرت در کشور، شرکتهای صوری و ورشکسته را به بانکها معرفی و وامهای نجومی دریافت کرده اند و اکنون نه واحد تولیدی ای وجود دارد و نه طرف معامله ای که بشود از او چیزی مطالبه کرد. بعضیها هم که آنقدر گردن کلفت و صاحب دم و دستگاه بگیر و ببند هستند که هیچ مقام بانکی ای جرات نزدیک شدن به آنها را ندارد. حال تاوان این غارت بی حساب و کتاب را چه کسی باید پرداخت کند؟

فرهاد نیلی از نیرنگهای دیگری نیز پرده بر می دارد. او می گوید: "برخی از مدیران صنایع با اعلام ورشکستگی و برانگیختن نگرانی مسوولان از واکنش کارگرانی که در آستانه بیکاری قرار دارند، هر سال موفق به دریافت وام و تسهیلات از بانکها می شوند."

یعنی اینها دندان دولت و حکومت را به خوبی شمرده اند و می دانند باید از چه زاویه ای فشار وارد کنند. آنها گرسنگی و فلاکت کارگران را دستمایه کلاهبرداری و دزدی قرار داده و از این محل جیبهای خود را انباشته اند. این افراد پولهایی که به عنوان وام و کمک دولتی برای جریان انداختن واحدهای تولیدی دریافت می کنند را یک راست روانه بازار دلالی و خرید و فروش می سازند. دلیل آن را فرهاد نیلی اینگونه توضیح می دهد: "در شرایطی که نرخ بهره بانکی ۲۰ درصد و نرخ تورم ۴۰ درصد است، طبیعی است که مدیران موسسات اقتصادی و کارخانه ها نه تنها تمایلی به پرداخت معوقات خود ندارند، بلکه به طور غیرمستقیم به خودداری از پرداخت دیون خود به بانکها نیز تشویق می شوند، زیرا صاحبان بنگاههای اقتصادی نفع خود را در این می بینند که به جای پرداخت دیون خود به بانکها، بدهیهای خود را برای ثروت اندوزی خارج از بانک ها سرمایه گذاری کنند."

این بدان معناست که پولی که باید تولید را به جریان اندازد، وارد بازار پولی کشور می شود و بر خلاف هدف خود که کمک به تولید، کار و کم کردن بیکاری است، موجب رشد نقدینگی، بحران و تورم می شود. یعنی در عمل کارفرماهای وابسته به پایوران رژیم تبدیل به معضلی برای اقتصاد و معاش مردم می گردند. چه کسی می تواند جلو چنین افرادی را بگیرد، دولت که خود دست نشانده آنان است؛ نهادهای قضایی که جیره خوارشان است یا راس نظام که به چشم امیدش به حمایت آنان است؟

شعبده افزایش دستمزد حداقل

به همین علت است که در سال جای بار دیگر دولت با برگزاری صوری نشستهای سه جانبه بار دیگر افزایش دستمزد کارگران را برخلاف تمام معیارها ۲۵ درصد افزایش می دهد. این درحالی است که مرکز آمار، تورم در پایان ماه بهمن را ۳۶/۷ درصد و بانک مرکزی ۴۰ درصد اعلام کرده است. به زبان دیگر می توان گفت با توجه به تورم ۴۰ درصدی بانک مرکزی که در عمل بیش از اینهاست، دستمزد کارگران ۲۵ درصد افزایش نیافته بلکه ۱۵ درصد کم شده است. زیرا اگر بنا بود که همگام با تورم، مزد کارگران در همان حد سابق باقی بماند، باید با افزایش ۴۰ درصد تثبیت می شد. اما اینگونه نشد و هیاتی که در نشست شورای عالی کار حضور داشت، یعنی علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، محمدرضا نعمت زاده، وزیر صنعت، معدن و تجارت، شاپور محمدی، معاون وزیر اقتصاد و نمایندگان از بانک مرکزی، کارگران و کارفرمایان، کارگران را باز هم اندکی بیشتر در زیر خط فقر به اعماق فرستاد.

نمایندگان کارگران در این نشست همه از نهادهای وابسته به رژیم تعیین شده بودند و هیچ ارتباطی با کارگران نداشتند، زیرا در ایران کارگران از داشتن حداقل نهادهای خود محروم بوده و اجازه داشتن هیچ تشکلی ندارند. این نشست حقوق کارگران در سال ۹۳ چیزی حدود ۶۰۸ هزار تومان تعیین کرد. این درحالی است که کمیته مزد شورای اسلامی کار استان تهران در روز سه شنبه ۶ اسفند هزینه یک ماه خانوار ۴ نفره کارگری در ایران را بیش از یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان اعلام کرد. "خبرگزاری کار" گزارش می دهد که این برآورد تنها شامل هزینه کالاها و خدمات اساسی مورد نیاز یک خانوار است. یعنی هزینه هایی همچون دخانیات، اثاثیه منزل، امور فرهنگی، تفریح، هتل و رستوران محاسبه نشده و خانوار کارگری باید با کاستن از هزینه خوراک خود آنها را تامین کند. همچنین در این برآورد هزینه اقلام کالاهای اساسی بر اساس قیمت مراجع رسمی و میادین بزرگ محاسبه گردیده که در عمل بسیار بیشتر از اینهاست.

مراجع حکومتی خط فقر را در کشور یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان می دانند که با برآورد مراکز غیر رسمی که آن را دو میلیون تومان می دانند، تفاوت فاحش دارد. اما با همه اینها، مزد ماهانه یک کارگر طبق محاسبه دولت حسن روحانی که آن را ۶۰۸ هزار تومان اعلام کرده، چه تناسبی حتی با نرخ آرایشی خط فقر دارد؟ این همه بی شرمی و وقاحت را چگونه می شود بیان کرد؟

کمیته تعیین دستمزد با کلی هیاهو و نشست و برخاست بالاخر تخم دو زرده گذاشته و دستمزد سالانه کارگران را ۱۵ درصد کم کرده است و آنوقت در بوق می دمدم که ۲۵ درصد آن را افزایش داده است. چگونه با تورم ۴۰ درصدی می شود از افزایش ۲۵ درصدی حرف زد، در حالی که برای برابری دستمزد باید حداقل آن را ۴۰ درصد افزایش می دادند.

با این حساب دستمزد کارگران در سال ۹۳ نیز با خط فقر یک فاصله نجومی دارد. حتی دیگر از خط فلاکت هم نمی توان حرف زد. این همه ظلم، این همه ستم، این همه بی شرمی و وقاحت را چگونه می شود تحمل کرد؟ درحالی که میلیاردها تومان پول بانکها توسط دزدان و چپاولگران نزدیک به پایوران رژیم غارت شده است، در حالی که همه بنگاههای درآمدزا در دستان سپاه و افرادی از بیت رهبری قرار دارد، در حالی که ثروت ملی مردم توسط دزدان و چپاولگران حکومتی با یغما می رود، کارگر ایرانی با داشتن کار سنگین و تحقیر کننده از حداقل زندگی که همان غذای بخور و نمیر است نیز بی بهره است. چگونه باید چنین تناسبی را توصیف کرد، وقتی که هیچ کلمه ای گویای وضعیت زندگی مشقت بار خانواده های کارگری نیست.

در انتها

دولت حسن روحانی می تواند دلخوش باشد که برای اجرای فرمان اقتصاد مقاومتی رهبر، فعلاً ۱۵ درصد دستمزد کارگران را کاهش داده است. این معنای عملی ریاضت اقتصادی یا اقتصاد مقاومتی است. دولت فکر می کند به عنوان یکی از بزرگترین کارفرماها و مجری دستور رهبر، با کم کردن دستمزد کارگران اندکی از رشد نقدینگی کاسته و در پرداختهای جاری خود صرفه جویی می کند. اینگونه زحمتکش ترین و شریف ترین طبقه اجتماعی را به فلاکت کشاندن نشان دهنده نهایت بی شرمی دستور دهندگان و مجریان آن است.

تنها به یک زبان و کلام می شود پاسخ گفت: باید کاخ ستمگران، دزدان و چپاولگران را بر سرشان خراب کرد. برای برون رفتن از وضعیت فلاکت بار کنونی راهی به جز منکوب کردن حکومت ظالمان و ستمگران وجود ندارد. باید دست به دست هم داد و داد خود را از بیدادگران ستاند.

تنها اینگونه می شود به حق و حقوق خود رسد و با یک کار شرافتمندانه، دستمزد کافی هم برای زندگی ای انسانی و در خور داشت.

اوکراین قربانی روسیه، آمریکا و اروپا

لیلا جدیدی

بهترین توصیف از وضعیت کنونی اوکراین را یک شهروند عادی این کشور هنگامی که خبرنگاری نظر او را در باره رویدادهای بحرانی اوکراین پرسید می دهد. او می گوید، "روسها منافع خودشان را دارند و آمریکاییها هم منافع خودشان. هیچکس به فکر مردم نیست" و سپس بر زمین تف می اندازد.



ناآرامیها در اوکراین در ماه نوامبر پس از آنکه "ویکتور یانوکویچ"، رئیس جمهور وقت این کشور معامله ای با اتحادیه اروپا را به نفع کمک گرفتن از روسیه رد کرد آغاز شد.

آتش یک کودتای یکشنبه که آمریکا و متحدان اروپایی آن با بی تدبیری، طمع ورزی، بی مسئولیتی و فقدان درک واقعی در اوکراین دامن زدند، به فرار ویکتور یانوکویچ که در یک انتخابات سراسری به ریاست جمهوری برگزیده شده بود، انجامید. پس از وی، احزاب سیاسی

راست، ناسیونالیستهای تند رو و فاشیستها قدرت را به دست گرفتند و اشراف طبقه ممتاز منصبهای کلیدی را تصاحب کردند.

روسیه در واکنش بدین رویداد از فرصت استفاده کرده و نیروهای نظامی خود را با همدستی رهبران سیاسی و محلی به



شبه جزیره کریمه گسیل داشت و برگزاری یک فراندوم جهت جدا سازی آن از اوکراین و پیوستن به روسیه را تشویق کرده و مجاز خواند.

در همین راستا پارلمان جمهوری خودمختار کریمه اعلام کرد که یکشنبه ۱۶ مارس (۲۵ اسفند)، فراندومی برگزار می کند که در آن درباره پیوستن کریمه به روسیه یا باقی ماندن در اوکراین تصمیم گیری خواهد شد. روز دوشنبه ۱۷ مارس،

منابع روس از شرکت ۸۳ درصد دارندگان حق رای در انتخابات خبر داده و موافقت نزدیک به ۹۷ درصد آنها با پیوستن کریمه به روسیه را اعلام کردند.

شبه جزیره کریمه یک جمهوری خودمختار در جنوب اوکراین است. حکومت اتحاد جماهیر شوروی به رهبری "نیکیتا خروشچف" که خود اوکراینی بود، در سال ۱۹۵۴ این شبه جزیره را به اوکراین هدیه داد.

پس از استقلال اوکراین در سال ۱۹۹۱، بوریس یلتسین، رئیس جمهور وقت روسیه موافقت کرد که کریمه به عنوان بخشی از خاک اوکراین باقی بماند و ناوگان دریای سیاه نیروی دریایی روسیه نیز به صورت اجاره از بندر "سباستوپول" در کریمه استفاده کند.



منافع کمپانیهای بزرگ نفتی، دریای سیاه را از اهمیت خاصی برخوردار کرده و به چنگ آوردن کریمه از سوی روسیه پرسشهای تازه ای را در این باره مطرح می کند. شرکتهای بزرگ خریدار گاز که شامل "بریتیش پترولیم"، "اکزان-موبیل"، "شوران" و "پتروبراس" می شوند، بیش از ۲ میلیارد دلار در آنجا سرمایه گذاری کرده اند. بنابراین افتادن کریمه به دست روسیه تغییر و تحولات بزرگی در موقعیت جغرافیایی-سیاسی دریای سیاه به وجود خواهد آورد.

وقتی غرب به پیشبرد منافع خود در اوکراین و

حمایت از نو - فاشیستها دست می زد، شاید فکر نمی کرد که روسیه چنین واکنشی نشان خواهد داد و یا ریسکی که می کند را ناچیز انگاشته بود.

برای ناسیونالیستهای دولت جدید اوکراین اشغال کریمه نعمتی بود که موضوع مقاومت در برابر تجاوز خارجی را برجسته کند. در عین حال روی کارآمدن یک دولت ارتجاعی به "ولادیمیر پوتین" این بهانه را داد که به مردم اوکراین را از تهدید خطر فاشیستها به وحشت بیندازد.

از این رو می توان گفت که بحران و تضادهای جاری کنونی در اوکراین، حاصل سیاستهای استثمارگرانه، ستمگری و جنگ طلبی تمامی طرفهای خارجی است.

از یک سو، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه که به "قصاب چینی" مشهور است و در آزار همجنس گرایان و سرکوب مخالفان سیاسی آوازه جهانی دارد، ادعا می کند که نگران حقوق دمکراتیک مردم اوکراین است. اما قصد نهایی او تسلط و قدرت یابی روسیه بر این کشور است. پوتین با برانگیختن تمایلات ناسیونالیستی و شووینیستی، خطر سوق دادن اوکراین به یک جنگ داخلی را مهیا کرده؛ جنگی که تمام قدرتهای بزرگ را درگیر ساخته و جهان را در برابر خطری بزرگ قرار خواهد داد.

از سوی دیگر، واشنگتن به وادار کردن متحدان خود به آوردن فشار بر روسیه ادامه می دهد. گفتگوهای "اوباما" نه تنها با "آنجل مرکل" و "دیوید کامرون" و "فرانسوا اولاند" و "ماتئو رنزی" برقرار است، بلکه با روسای جمهور کشورهای عضو سابق اتحاد جماهیر شوروی نیز کنفرانسهای تلفنی داشته است.

سخنگوی کاخ سفید به "ضرورت عقب نشینی نیروهای روسیه و دخالت ناظران بین المللی و حقوق بشری در کریمه" پافشاری می کند. "جان کری" تهدید می کند که عدم همکاری پوتین به "بسته شدن راه دیپلماسی" خواهد انجامید. آمادگی "بستن راه دیپلماسی" را آمریکا با تلاش برای ایزوله کردن روسیه آغاز کرده و در عین حال به فرستادن نیروهای



نظامی به این منطقه نیز دست زده است. بدین وسیله فرصتی برای آمریکا به وجود آمده تا به توان نظامی خود در منطقه افزوده و حضوری دایمی و گسترده تر داشته باشد. ناتو قرار است برای زیر نظر گرفتن مرزهای اوکراین، هواپیماهای تجسسی اش را در لهستان و رومانی مستقر کند. آمریکا با اعزام شش جنگنده اف ۱۵ دیگر به حمایت از ماموریت گشت زنی ناتو در جمهوریهای بالتیک کوشیده است تا به متحدانش در اروپا اطمینان خاطر دهد. همچنین دوازده جنگنده اف ۱۶ برای آموزشهای نظامی به لهستان فرستاده است.

این درحالیست که مرزبانی اوکراین تعداد سربازان روسی در مرز را ۳۰ هزار نفر گزارش کرده است که بیش از دو برابر تعدادی است که دولت قبلا تخمین زده بود.

کشورهای اروپای شرقی نیز در هراس از اینکه روسیه هدف کشور گشایی دارد، جلساتی برای مطرح کردن خواستههای خود در ناتو ترتیب می دهند. لهستان نیاز افزایش ۴۵ میلیارد دلاری بودجه نظامی خود را مطرح می کند و وزیر دفاع لیتوانی می گوید اکنون لزوم افزایش هزینه نظامی را بهتر می تواند برای مردم کشورش توجیه کند. نخست وزیر سوئد نیز به تغییر سیاست نظامی کشورش اشاره می کند و اینکه بهتر می تواند "ورود کامل به ناتو را به مردم بقبولاند".

با این حال، خصومت بین واشنگتن و مسکو و اتهام دو رویی زدن به یکدیگر پیرامون احترام به حاکمیت ملی و قوانین بین المللی، برای هر دو طرف ریسک سیاسی دارد.

ریسک سیاسی برای پوتین همان خواست استقلال و جدایی طلبی دیرینه جمهوریهای خود مختار مانند چچنی و داغستان است.

غرب نیز که اصرار دارد مردم اوکراین حق دارند آینده خودشان را بدون دخالت روسیه انتخاب کنند، باید بپذیرد که مردم کریمه هم حق انتخاب داشته باشند.

واکنش دو طرف به فراندوم در کریمه

بنا به گزارش کاخ سفید، اوباما بعد از برگزاری فراندوم در یک مکالمه تلفنی به پوتین گفت که فراندوم مزبور ناقض قانون اساسی اوکراین و نتیجه دخالت نظامی روسیه است. وی تاکید کرد که "آمریکا و جامعه جهانی هرگز آن را به رسمیت نخواهند شناخت".

اتحادیه اروپا نیز اعلام کرد که نتیجه همه پرسی در شبه جزیره کریمه را به رسمیت نمی شناسد. "هرمان فان رمپوی"، رییس اتحادیه اروپا و "خوزه مانوئل بارورسو"، رییس کمیسیون اتحادیه اروپا در یک بیانیه مشترک تاکید کردند، فراندوم در کریمه مغایر با قانون اساسی اوکراین و قوانین بین المللی بر گراز شده است و از روسیه خواستند نیروهای خود را از کریمه بیرون ببرند.

ولادیمیر پوتین در واکنش به موضع آمریکا و اروپا، همه پرسى کریمه را "قانونی، دموکراتیک و برابر با قوانین بین المللی" خواند. او سپس به رفتار آمریکا در موارد مشابه استناد کرد و گفت که این کشور با بمباران بلغراد در سال ۱۹۹۹ زمینه جدایی کوزوو از صربستان را فراهم آورد و در لیبی نیز بدون مجوز بین المللی دخالت نظامی کرد.

پوتین مدعی شد روس تباران کریمه زیر فشار دولت جدید اوکراین بودند و حقوق آنها پایمال می شد. او افزود که در پی تجزیه اوکراین نیست اما شبه جزیره کریمه دارای اهمیت استراتژیک زیادی برای منطقه است و از این رو نیازمند ثبات می باشد و روسیه تنها کشوری است که قادر به چنین کاری است.



پیشتر یک قانونگذار روس گفته بود، اگر کریمه در فراندوم ۱۶ مارس به جدایی از اوکراین و پیوستن به روسیه رای دهد، کرملین ۱ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار برای بازسازی تاسیسات زیربنایی صنعتی کریمه هزینه می کند.

آیا فراندوم در کریمه خلاف قوانین بین المللی است؟

بهمن آقایی دیبا، نویسنده و کارشناس حقوق بین الملل می گوید: "از لحاظ حقوق بین الملل عمومی با توجه به اینکه شبه جزیره کریمه بخشی از کشور اوکراین است، این بخش هیچ حقی برای درخواست الحاق به کشوری دیگر و یا درخواست برگزاری همه پرسى برای تعیین وضعیت حقوقی این منطقه ندارد."



وی می گوید، تحت برخی شرایط، سازمانهای بزرگ بین المللی مثل سازمان ملل دارای مکانیزمهایی برای ارجاع تصمیم گیری درباره وضعیت حقوقی یک منطقه به همه پرسى هستند. اما این روش مستلزم عبور از همه مراحل است که در این سازمانها پیش بینی شده است.

اما در این باره، خانم "میلنا ستری" Milena Steri، پروفیسور در دانشگاه ایالتی کلیولند این نظریه را نمایندگی می کند که یک جدایی موفقیت آمیز بیشتر از آنکه به اعمال پرنسیپهای حقوق بین الملل وابسته باشد، به موافقت قدرتهای بزرگ منطقه ای یا جهانی مشروط است.

حق تعیین سرنوشت ملتها در اولین اصل منشور سازمان ملل، به مثابه عالی ترین پرنسیپ ملل متحد تضمین شده است. با این همه، از نظر حقوقی به موازات حقوق بین المللی در باره ملتها، به طبع باید قانون اساسی اوکراین و کریمه نیز در محاسبات منظور شود. از این نظر مساله ساده است، چون قانونی اساسی فعلی و معتبر کریمه که در سال ۱۹۸۸ مصوب شده، اجازه تصمیم گیری در باره جدایی را نمی دهد و صرف نظر از این، خود نیز اعتبارش را از قانون اساسی اوکراین (مصوب ۱۹۹۶) می گیرد. در اصل هفتاد و سوم این قانون، برگزاری فراندوم در باره جدایی یک بخش از قلمرو کشور تنها هنگامی مجاز شناخته شده که مجموع مردم اوکراین در این باره نظر دهند. با این حال جدایی طلبان کریمه این اصل روشن را با استناد به "عالی تر" بودن حقوق بین المللی در باره حق تعیین سرنوشت دور می زنند.

با هر بحثی در باره جزییات، جوهر مساله اینجا به حق خودمختاری برمی گردد. تعریف سازمان ملل ناظر بر این است که هر جدا شدن بخشی از یک کشور فقط زمانی مشروع است که به یک وضعیت اضطراری خاتمه دهد. یک بخش از جمعیت می تواند زمانی که به گونه وحشیانه تحت ستم قرار می گیرد، وحدت نژادی اش خدشه دار می شود و یک راه حل مسالمت آمیز بین دولتی غیرممکن به نظر می رسد، از کشور خود جدا شود.



از وجود چنین شرایطی در اوکراین نمی تواند سخنی در میان باشد. نه دولت یانوکوویچ و نه دولت موقت جانشین آن، حقوق، سنتها و فرهنگ ساکنان روس کریمه را لگدمال نکرده اند. اعمال خشونت مستقیم علیه آنها که نه در دوره قبل از سرنگونی یانوکوویچ و نه بعد از آن ابدًا وجود نداشته است. صرف نظر از به رسمیت نشناخته شدن زبان روسی در کنار زبان اوکراینی به عنوان زبان اداری، به کریمه یک خودمختاری قضایی و اجرایی کامل داده شده که رعایت هم شده. این خودمختاری بدانگونه کامل بوده که زمینه قانونی تکه پاره شده خشونت بار ملت اوکراین را از بین ببرد.

ادعاهای آمریکا

واشنگتن ادعا می کند که روسیه در پی "توسعه طلبی" در منطقه است. این در حالیست که از زمان انحلال اتحاد جماهیر شوروی، بخش قابل توجهی از قلمرو آن و تمامی بلوک شرق وارد مدار امپریالیستی آمریکا و اروپا شده اند.

ایالات متحده در دو دهه گذشته تلاش کرده است تا موقعیت اوکراین به عنوان یک منطقه استراتژیک بین روسیه و غرب را به نفع خود تغییر دهد. برای نمونه، حمایت از "انقلاب نارنجی" در سال ۲۰۰۴ تلاش در نهایت نافرجامی بود که برای نصب یک دولت کاملاً طرفدار غرب صورت گرفت. واشنگتن و متحدان آن به همین منوال در دیگر بخشهای اتحاد جماهیر شوروی سابق عمل کرده اند. آنها



تلاش کرده اند این کشورها را در ساختار ناتو و اتحادیه اروپا ادغام کنند. به ویژه تلاش شده است که گرجستان و دیگر جمهوریهای سابق شوروی در آسیای مرکزی به راه استونی، لتونی و لیتوانی کشیده شوند. واشنگتن که برای سالها پول بدین منطقه سرازیر کرده، این بار سر کیسه را به تمامی شل کرده است. بنا به گفته "ویکتوریا نولند"، معاون وزیر امور خارجه در امور اروپا و اروپا-آسیا، آمریکا مبلغ ۵ میلیارد برای "اطمینان خاطر از اینکه اوکراین امن و موفق و دمکراتیک باشد" هزینه کرده است.

وزیر خارجه آمریکا، جان کری ادعا می کند که رفتار پوتین، رفتار قرن بیست و یکمی نیست. در این باره باید گفت، البته این درست است که تهاجم به آمریکا به گرانادا و به بهانه تهدید جان دانشجویان در قرن بیستم اتفاق افتاد، جنگ ویتنام هم در همین قرن بود، حمله به پاناما در سال ۱۹۸۹ و درگیریهای خلیج فارس ۱۹۹۰-۱۹۹۱ که در آن کشتار سربازان و شهروندان عراقی حتی پس از موافقت دولت عراق برای خروج از کویت صورت گرفت نیز در همین قرن صورت گرفت، اما



صحبت از این است که اعضای "جی ۸" هم که شامل آمریکا و اتحادیه اروپا می شود، در لیست مرتکبین به اعمال خلاف پرنسیپهای قرن بیست و یکمی حضور دارند. پرونده آمریکا در افغانستان، عراق، پاکستان، یمن، لیبی و ... و فرانسه و بریتانیا دو عضو دیگر جی ۸ در مالی و دیگر کشورهای آفریقایی را در این رابطه می توان ورق زد.

امپریالیستهای آمریکا و اروپا از رژیم فاسدی زیر کنترل طبقه ممتاز که بخش زیادی از ثروت هنگفت خود را در بانکهای آمریکا و اروپا انباشته، حمایت می کنند. پوتین و دولت سرمایه داری ضعیف او نیز با استفاده از مکانیزمهای ارتجاعی همچون اقدام نظامی و تکیه بر شووینیسیم روسی بدون داشتن یک استراتژی مناسب و با رفتاری که خارج از مرزهای روسیه از آن حمایتی نمی شود، مقابله به مثل می کند.

اما در آمریکا، لیبرالها از اقدامات او با دفاع می کنند. آنها رفتار تجاوزگرانه این کشور را فراموش کرده و فریاد احترام گذاشتن به قوانین بین المللی و حاکمیت ملی یک کشور سر داده اند.

از جانب دیگر، برخی از نیروهای چپ در آمریکا و اروپا با یکجانبه نگری و به این بهانه که دشمن اصلی امپریالیسم است، به دفاع از روسیه برخاسته اند. یک نمونه از آن تحریفی است از "رابرت پری".

وی که در سال ۱۹۸۰ در اسوشیتد پرس ماجرای "ایران - کنترا" را افشا کرد و چند کتاب در باره سیاستهای آمریکا نوشته، در دفاع از روسیه خدمات پوتین به صلح جهانی را برشمرده و می گوید که پوتین از حمله آمریکا به سوریه به بهانه استفاده اسد از سلاح شیمیایی جلوگیری کرد و همچنین این روسیه بود که ایران را به پای مذاکره آورد و مانع جنگ با آن شد. پرسش این است که چگونه جدا کردن کریمه از اوکراین با سرنیزه روسیه برای وی سووال برانگیز نیست، اما هنگامی که میلیونها نفر از مردم سوریه حکومت دیکتاتوری اسد را نمی خواهند، پوتین نه تنها به یاری آنان نمی آید، بلکه برای حفظ دیکتاتوری اسد، با همدستی جمهوری اسلامی این کشور را به خاک و خون می کشد. آیا وی حاضر است از برگزاری یک فراندوم آزاد در سوریه حمایت کند؟ و مهم تر اینکه، آیا آواره شدن دو میلیون سوری و کشتار بیش از ۱۰۰ هزار نفر به دست اسد و مقاومت و جانبازی مردم سوریه نشان خواست مردم این کشور به برکناری اسد نیست؟

عدم اعتراض به رفتار تجاوزگرانه هر دو طرف در واقع نه تنها به حل مشکل کمک نمی کند، بلکه آن را پیچیده تر نیز می کند. هر گونه پذیرش و پرده پوشی از بی عدالتی و بهانه تراشیدن در دفاع از یک طرف در واقع دست طرف دیگر را برای تهاجم بیشتر باز می کند. از سوی دیگر، به گفته تحلیلگران، در صورت ضمیمه شدن کریمه به روسیه و تحریم مقامهای این کشور از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا، تضمینی برای ادامه همکاری میان کرملین و کاخ سفید بر سر مسایل بین المللی وجود نخواهد داشت.

این یک واقعیت است که دولت تازه رسیده اوکراین آلوده به ناسیونالیسم راست و مورد حمایت آمریکا است، اما آیا محاصره نظامی روسیه و جدا کردن بخشی از اوکراین به نفع خود، آلترناتیو آن است؟

"زولتن گروسمن" در مقاله ای که روزنامه "پورت ساید"، یک نشریه برای دیدگاههای چپ جهانی می گوید: "دشمن دشمن تو همیشه دوست تو نیست. در رویارویی اوکراین و روسیه و ناسیونالیستها ما مجبور نیستیم یک طرف را انتخاب کنیم. ما می توانیم صلح و حق دمکراتیک شهروندان و همه اقلیتها در هر دو طرف را حمایت کنیم، بدون آن که به قطبی شدن شرایط و توانبخشی فاشیسم کمک کنیم."

و سرانجام مردم اوکراین بدین می اندیشند که همچنان که رویدادها در صحنه بین المللی و دیپلماتیک در جریان هستند و قدرتهای بزرگ، آمریکا، اتحادیه اروپا و روسیه در حال رویارویی با یکدیگر برای به دست آوردن منافع خود هستند، منافع مردم اوکراین فراموش شده است.

تنها امیدی که می توان به توقف این وضعیت داشت، اگر چه چشم اندازی نزدیکی را برای آن نمی توان متصور شد، ایجاد جبهه متحد زحمتکشان اوکراین مستقل از غرب و شرق برای همبستگی ملی و مقاومت در برابر متجاوزان در هر دو سو است.

اوکراین، عرصه تقابل شرق و غرب

شهره صابری

مقابله ی آمریکا و غرب با شرق برای کنترل تحولات شرق و برون شدن از بحران سرمایه داری، آمریکا و غرب را وادار به دست درازی به اوکراین برای در دست گرفتن روند تحولات کرده است.

بعد از فروپاشی بلوک شوروی و عظمت رو به زوال آن، آمریکا در فکر مصادره تئمه ی قدرت باقیمانده ی روسیه به منظور تسلط کامل بر اوضاع و شرایط بحران زده کنونی است. موقعیت اوکراین برای روسیه بسیار حساس است. اوکراین از لحاظ تجهیزات نظامی، معادن، کارخانجات، صنعت و کشاورزی و از همه مهمتر برای انتقال گاز روسیه به دیگر کشورهای اروپایی دارای موقعیت بسیار حساسی است.



اوکراین برای روسیه شاه‌رگ اساسی است. تحریم و تضعیف موقعیت روسیه، از راه تسلط بر اوکراین بسیار آسان می شود و همینطور تسلط بر ایران و بدست گرفتن شرایط و اوضاع خاورمیانه، زیرا خطوط اساسی لوله های گاز روسیه در اوکراین یک عامل کنترل و تضعیف روسیه است.

معادن و کشاورزی و همینطور تسلیحات نظامی و ارتش اوکراین برای روسیه بسیار با اهمیت است. همچنین استفاده از اوکراین به دلیل موقعیت جغرافیایی یعنی نزدیکی آن به پایتخت روسیه از دیگر عواملی است که می تواند در رام کردن روسیه نقش اساسی داشته باشد.

رژیم ایران و روسیه در قبال آشفتگی اوضاع سوریه و همینطور مساله اتمی کمی کوتاه آمده اند. اما با هدف مهار رژیم ایران و روسیه برای سلب امتیازها از سرمایه داری شرق، قبضه ی بازار و جلوگیری از مداخله ی روسیه و ایران در اوضاع خاورمیانه و کشورهای عربی، این بار آمریکا و غرب اوکراین، قلب تپنده ی روسیه را نشانه گرفته اند.

همزمان با آرام تر شدن روسیه در قبال مساله ی سوریه و عقب نشستن کج دار و مریض آن در این مورد، عربستان هم کمک به نیروهای خود را کاهش داد. به این معنی که غرب و شرق خواهان کم تر شدن تنش و آرام تر شدن این جنگ فرسایشی در سوریه شدند. اما اشغال اوکراین توسط نیروهای مربوط به غرب و آمریکا برای تسلط کامل بر شرایط و اوضاع خاور میانه و روسیه نقطه ی عطفی در تثبیت قدرت آمریکا در مناسبات جهانی است. چنانچه روسیه و ایران را کاملاً به عقب هل می راند و بر اوضاع عراق و افغانستان و دیگر کشورهای متحول شده اشراف بیشتر پیدا خواهد کرد. گرچه روسیه و حکومت ایران هر دو جام زهر را نوشیدند، اما هنوز نمی توان منکر این دو قدرت شد و همچنان تاثیر خود را در خاورمیانه و کشورهای عربی خواهند داشت.

اشغال اوکراین سیاست آمریکا و غرب برای قبضه ی تمام قدرت است تا روسیه و رژیم ایران بیشتر عقب نشینی کنند و این فرصتی خواهد بود تا غرب به طور کلی و آمریکا به طور خاص به سراغ اسد و رژیم ایران هم بروند. لبخندهای ملال آور رییس جمهور ایران مقابل مقامات آمریکایی و غربی روایتی از سرنوشت دراماتیک مردم ستم دیده ی ایران است. همدستی با امپریالیسم شرقی و غربی و این بار دلالتی برای آمریکا سیاستی در راستای تضعیف سرمایه داری شرق است. مانند پازلی که امپریالیسم آمریکایی به خوبی از عهده ی چینش آن برآمده است و نقشه ی بلعیدن اختاپوس وار جهان بسیار دقیق و موشکافانه ریخته است. باید دید که اقدامات بعدی آمریکا و روسیه، این قدرت پیر، چه خواهد بود و آیا اوکراین به پایگاهی برای مانورهای وحشت آور امپریالیستی تبدیل خواهد شد یا خیر؟

دیداری که ارکان نظام را لرزاند

مهدی سامع

ملاقات کاترین اشتون با نرگس محمدی، فعال حقوق بشر و گوهر عشقی، مادر زنده یاد ستار بهشتی، برای خامنه ای به شکل حیرت آوری بسیار گران آمده است. پوچ بودن لافهای آیت الله خامنه ای در مورد اقتدار نظام با واکنش بالاترین کارگزاران نظام به این ملاقات، به خوبی برملا شد.

موضع گیری صادق اردشیر آملی لاریجانی، رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی نشان دهنده نادانی و مهممل گویی رئیس قوه قضاییه است. وقتی او طلبکارانه به صورت سوال مطرح می کند که «در کجای دنیا اجازه می دهند یک خارجی با هر کسی دیدار کند؟ مگر کشور در و پیکر ندارد؟ در کجای دنیا اجازه می دهند یک خارجی بیاید و هر جا دلش خواست برود و با هر کسی دیدار کند؟ مگر کشور در و پیکر ندارد؟» نادانی خود را به نمایش می گذارد. لابد در طرح این سوال یک خود فریبی هم وجود دارد. زیرا همه سفرا و کارکنان سفارتهای ولایت خامنه ای در کشورهای اروپایی و هر مقام رژیم ایران که برای ماموریت و یا برای یک امر خصوصی به کشورهای اروپایی سفر کند، می تواند با هر شهروند اروپایی و غیراروپایی ساکن این کشورها دیدار داشته باشد. دیپلمات تروریستها و واسطه های ولایت خامنه ای در سراسر اروپا به اشکال گوناگون با فعالان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، دولتی و غیر دولتی، ملاقات می کنند. فعالیت و ملاقاتهای کارگزاران حکومت ایران در کشورهای دیگر، به ویژه در خاورمیانه و شمال آفریقا بسیار سهل و در عین حال گسترده است. بنابراین حرف صادق لاریجانی اگر برای فریب عقب افتاده ترین مزدوران رژیم نباشد، ناشی از نادانی و حماقت مطلق رییس قوه قضاییه خامنه ای است.

مُضحک تر از ادعاهای صادق لاریجانی، برخورد امنیتیها در این مورد است. برای نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی این ملاقات آن چنان گزنده بود که عکس آن را دستکاری کردند تا تصویر ستار بهشتی از آن حذف شود. در عکس منتشر شده در سایتهای وابسته به نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی، تصویر گوهر عشقی مادر زنده یاد ستار بهشتی را از دیدار فعالان اجتماعی با کاترین اشتون حذف کردند تا به خیال خام خود خاطره مظلومیت این مادر قهرمان و پایداری فرزند مبارز اش زنده نشود.

ترس از یک ملاقات در تار و پود ولایت خامنه ای رسوخ کرده است. روز یکشنبه ۲۵ اسفند، مجلس رژیم «کمیته حقیقت یاب» برای بررسی این ملاقات انجام داد.

محمد صالح جوکار نماینده مجلس ارتجاع و یکی از اعضای کمیته حقیقت یاب که از سوی علی لاریجانی برای «بررسی دیدار کاترین اشتون با فعالان» اجتماعی تشکیل شده، در گفت و گو با روزنامه شهروند با لحن توهین آمیز که ناشی از حقارت و فرومایگی این کارگزار خامنه ای است، می گوید: «با ورود اشتون به ایران آمدند یک پیرزن را چادر سرش کردند تا از او دلجویی کنند». به نظر می رسد که «پیر» بودن این مادر رنجدیده هم برای مزدوران خامنه ای یک تهدید است. برای رژیمی که با زور و سرکوبی حجاب را اجباری کرده، چادر سر کردن گوهر عشقی هم مساله می شود. البته جوکار در روز روشن مثل ولی امرش دروغ می گوید. چرا که هیچ کس چادر سر خانم عشقی نکرده و پوشش وی از همان ابتدا که تصویرش در رسانه های منتشر شد، تغییری نکرده است.

ترس از یک دیدار بر بستر تشدید تضادهای درونی در هرِم قدرت معنای دقیق تری پیدا می کند. آثار دو عقب نشینی ناگزیر خامنه ای روز به روز بشتر آشکار می شود. این میزان از شدت و حدت تضادها در شرایطی هست که مذاکرات اتمی نیز جریان دارد.



احمد آریایی نژاد نماینده مجلس رژیم می گوید: «بازدید دیپلماتها از سران فتنه، ملاقات با آنها دزدکی نیست برنامه ریزی شده است، عناصر خدعه و خودفروش داخلی با آنها همکاری می کنند... خوشبینی است که به طرف مقابل اعتماد کنیم، ساده لوحی است همه پلهای پست سر خود را خراب نکنید.

به دولت هشدار می دهیم مواظب این دسیسه های دشمنان داخلی و خارجی باشد.» (راديو فرهنگ، دوشنبه ۲۶ اسفند) از این نمونه ها به وفور در رسانه های حکومتی وجود دارد. اظهار نظرهایی که نه در لفافه و رعایت حال خودیهای شریک در قدرت، که با صراحت بیان می شود و من در پایان چند نمونه آن را یادآوری می کنم.

احمد جنتی در نماز جمعه روز ۲ اسفند می گوید: «ای آمریکا ببینید ما چه روی میز داریم، روی میز ما رو ببینید ما که از روی میز شما که نمی ترسیم، یکی از شعارهای امسال این بود که ما مشتاق گزینه های روی میزیم، یعنی لبخند تحقیر آمیز به آمریکا، یعنی کی رو تو می ترسونی، کی رو می خواهی بترسونی؟ ما رو می خواهی بترسونی که ۸ سال جنگیدیم... اگر ما مردم [بخوانید مزدوران خامنه ای] این جور ضد آمریکایی هستیم شما باید ضد آمریکایی

باشید...یک عده ای در این مملکت دارن شبکه زیرزمینی درست می کنند برای رابطه با آمریکا. من نمی دانم چی خوردن از این کوزه ای که آمریکا نوشیده که اینها هم دنبالش برون.» (راديو معارف)

حسن روحانی روز شنبه ۱۰ اسفند در نشست مدیران ارشد وزارت دفاع گفت: «باید نسبت به دیگر کشورها طوری رفتار کرد که حس نکنند ما قصد ضربه زدن داریم، بلکه حس کنند که ما خواهان همزیستی مسالمت آمیز هستیم... تهدید این نیست که شما یک موشک پرتاب کنید. یا رزمایش برگزار کنید که طرف بترسه، که البته رزمایش در جای خودش یک ضرورت است. شما اصلاً نمی خواهی، اصلاً قصد جنگ نداری. یا بدتر، ممکن است اصلاً آمادگی جنگ هم نداشته باشی. بیخودی هی طرف را تحریک می کنی جوری که طرف فکر می کند شما می خواهی بهش ضربه بزنی. خود این می شود تهدید.» (بی بی سی)

جعفر شجونی، عضو ارشد حزب مؤتلفه اسلامی، در گفتگو با آریا گفت: «اعتدال حرف مزخرفی است!». (روزنامه ابتکار یکشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۹۲)

روزنامه رسالت در سرمقاله شماره دوشنبه ۱۲ اسفند خود به حسن روحانی هشدار شدید داد و خواهان آمادگی اصول گرایان برای مقابله با اصلاح طلبان و سرکوب جریان «فتنه جدید» پشت «ماسک اعتدال» شد.

علی اکبر هاشمی رفسنجانی طی سخنانی در دومین نشست دست اندرکاران حوزه علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی در روز یکشنبه ۱۸ اسفند گفت: «رژیم شاه حسینیه ارشاد را تصرف نکرد ولی نظام اسلامی دانشگاه آزاد را تصرف کرد.» (ایلنا) مهدی کوچک زاده نماینده مجلس ارتجاع: «باید به هاشمی بگویم نامشروع تو هستی و تمام کس و کارت.» (راديو فردا چهارشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۹۲)

جعفری نماینده مجلس رژیم: «فهرمانانه بودن نرمش دستگاه دیپلوماسی ثابت نشده، به خدا پناه می بریم.» (راديو فرهنگ یکشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۲)

همین چند اظهار نظر از میان صدها مورد مشابه نشاندهنده موقعیت شکننده ولایت خامنه ای و تشدید تضادهای درونی آن است. این تضادها در سالی که آغاز شده در تمامی عرصه ها تشدید می شود.

زنان.....

پیوستگی حقوق زنان با حقوق بشر

زینت میرهاشمی

متن سخنرانی در کنفرانس بین المللی «زنان پیشتاز مبارزه با بنیاد گرائی اسلامی» در پاریس اول ماه مارس ۲۰۱۴

درود به همه شما

روز جهانی زن را به تمام تلاشگران و پیکارگران آزادی و برابری جنسیتی تبریک می گویم و به تمامی زنان که سرفرازانه به دیکتاتوری و تبعیض نه می گویند، درود می فرستم .

با توجه به وقت کم و صحبت های جامع و کامل خانم مریم رجوی در رابطه با زنان در ایران، من به طور خلاصه به یک نکته اشاره می کنم :

پیوستگی حقوق زنان با حقوق بشر

پیکار زنان برای برابری جنسیتی راه طولانی را پیموده است. با توجه به رشد اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی این مبارزه با دستاوردهای یکسانی روبرو نیست. موقعیت حقوقی و اجتماعی زنان از کشورهای اسکاندیناوی تا کشورهایمانند سومالی از غرب تا شرق تفاوت دارد این نشان می دهد که چه نابرابری بزرگی در مورد موقعیت زنان وجود دارد.

به نظر من در هر نقطه ای از جهان ذره ای نابرابری و بی عدالتی وجود داشته باشد مطمئن باشید که زنان در صف اول



کسانی هستند که به آنها این نابرابری تحمیل می شود .
 حقوق زنان در قرن فعلی پدیده ای سیاسی است و نمی توان آن را فقط یک امر فرهنگی دانست. اگر به حقوق زنان از این زاویه نگاه شود راهکارهای موثرتر می توان برای رفع خشونت و نابرابری جنسیتی پیدا کرد .
 حقوق زنان و حقوق بشر دو مقوله به هم پیوسته هستند. به این معنا که مدافعان حقوق بشر نمی توانند چشم خود را بر نابرابری جنسیتی و خشونت علیه زنان ببندند. همچنین مدافعان حقوق برابری جنسیتی نمی توانند چشم خود را بر حقوق بشر ببندند .

این دو پدیده آنچنان به هم پیوسته هستند که یکی جدا از دیگری نخواهد توانست عملی شود. این یک دروغ بزرگ است که می توان به حقوق بشر بدون برابری جنسیتی دست یافت. به کشورهای مختلف نگاه کنید ببینید که به میزانی که حقوق بشر رعایت و قانونمند شده حقوق زنان هم قانونمند شده. اگر چه در عمل همه قوانین رعایت نشود اما قانون از نهادینه شدن نابرابری می تواند به میزانی جلوگیری کند .

هر دو این حقوق جهانشمول هستند. در شرایطی که جهان مانده یک دهکده شده با وجود انقلاب اطلاعات و ارتباطات و وجود شبکه های اجتماعی و ابزارهای ارتباطی جهانی، عدم تعادل و نابرابری شرایط و موقعیتهای اجتماعی و حقوقی زنان نه یک پدیده معمول بلکه به یکی از چالشهای اجتماعی در سطح جهان تبدیل شده است.

من به طور مشخص از وضعیت زنان در ایران صحبت می کنم. زنان در ایران زیر سرکوب دیکتاتوری مذهبی هستند. آرزوی حکومت ایران گسترش قدرت ارتجاعی خود به منطقه و همه جهان است. اتحاد جماهیر کشورهای اسلامی و بسط دادن قوانین ارتجاعی شرع در کشورهای دیگر و قربانی کردن زنان از جمله هدفهای جمهوری اسلامی حاکم بر ایران است .



از سوی دیگر مردم ایران زیر سرکوب شدید هستند و حقوق آنان پایمال می شود. به همین دلیل پیکار زنان برای برابری جنسیتی به پیکار علیه دیکتاتوری و علیه نقض حقوق بشر پیوند زده می شود. البته تاکید می کنم که این به

این معنا نیست که مبارزه برای برابری جنسیتی تعطیل و فقط تبدیل به مبارزه علیه نقض حقوق بشر شود بلکه زنان باید تشکلهای خود را داشته باشند.

اما این باید برای ما روشن باشد تا زمانی که دیکتاتوری مذهبی حاکم است تا زمانی که قانون شریعت حاکم است هر باند و جناحی بر سر کار آید مساله زنان حل نخواهد شد. حقوق زنان و حقوق بشر تنها در تحولاتی می تواند بهبود یابد و چشم اندازهای مثبت داشته باشد که از دل روابطی دموکراتیک و توسعه یافته به وجود آید .

همان طور که از حکومتداری احمدی نژاد چیزی نصیب زنان نشد مطمئن باشید که از زیر عبا و عمامه حسن روحانی هم چیزی نصیب زنان نخواهد شد. حسن روحانی در تمامی سرکوبهای طی بیش از سه دهه بر زنان ایران شریک بوده و در بالاترین مقام نقش داشته

است.

جدالهای باندهای درون این رژیم ناشی از تشدید ستیز بین مردم و حکومت است. زنان ایران مانند همه زنان در سراسر دنیا دوست دارند آزاد باشند آزاد لباس بپوشند، آزاد شغل انتخاب کنند و از حقوقی برابر با مردان



برخوردار باشند .

اگر چه برابری جنسیتی و آزادی تنها در گرو عدالت اجتماعی می تواند به طور کامل تحقق پیدا کند اما آزادی، دموکراسی و جدایی دین از دولت تحقق این امر مهم را هموار می کند .

ما چگونه می توانیم در مقابل به بردگی کشیدن زنان توسط مردان در نقاط مختلف جهان سکوت کنیم. ما چگونه می توانیم در مقابل بنیادگرایی مذهبی که تا همین اروپا در کنار ما لانه می کند سکوت کنیم. سکوت ما قدرت آنان را افزایش داده و میدان رشد بیشتر برای مرتجعان فراهم می کند.

درد زنان درد مشترک ماست و ما صدای زنان کارگر، زنان در بند در زندانهای رژیم ایران و زندان لیبرتی و همه زنانی هستیم که سرکوب می شوند. که سرکوب می شوند .

تنها اتحاد ما در برابر این درد مشترک است که می تواند شرایط را سود رفع تبعیض که جزئی از حقوق بشر است ، تغییر دهد.

زنانه شدن پدیده مهاجرت (قسمت دوم)

Zuhal Yeşilyurt Gündüz

منبع: مانتلی رویو

برگردان: آناهیتا اردوان

رویارویی با پدیده مهاجرت

زنان مهاجر در شرایط متضادی بسر می‌برند. از یکسو، مقامات کشورشان، آنها را به دلیل ارسال سرمایه و شرکت در رشد و پیشرفت کشور مورد ستایش قرار می‌دهند، از سوی خانواده و خویشاوندان شان به دلیل فداکاری و از خودگذشتگی نیز تقدیس می‌شوند و از سوی دیگر، از جانب فرزندان شان حتی سالها بعد از بازگشت و سپری شدن مدت مهاجرت، مورد انتقاد قرار می‌گیرند که آیا راه حل دیگری جز مهاجرت و دوری از آنان نداشته‌اند؟ برخی، زنان مهاجر را به ارجحیت قایل شدن مسایل اقتصادی نسبت به مسایل عاطفی متهم می‌کنند. اتهام مزبور نسبت به میزان کمک نقدی که زنان کارگر مهاجر برای خویشاوندان شان ارسال می‌کنند، شدید یا ضعیف می‌شود.

موضوع دیگری که معمولاً نادیده گرفته می‌شود، مساله "موقعیت طبقاتی" زنان مهاجر است. بسیاری از آنها از مدارک تحصیلی و صلاحیت علمی - دانشگاهی بالایی برخوردارند که زندگی و سرزمین خویش را در جستجوی تامین معاش در کشورهای ثروتمند با وجود اشتغال در حرفه‌هایی پایین‌تر از تحصیلات شان ترک می‌کنند. موقعیت اجتماعی زنان مهاجر به ویژه کارگران خانگی - از آنجا که کار خانگی ارزان‌تر از ارزش واقعی اش ارزیابی می‌شود - تنزل می‌یابد.

تعداد بیشماری کودک تحت تاثیر مهاجرت، بدون سرپرستی مادران شان پرورش می‌یابند. نتایج جدایی طولانی مدت مادر و فرزند، به خصوص در سنین پایین کودکان، به دلیل کالایی سازی پدیده مادری، مخرب است. باوجود فداکاری زنان مهاجر برای تامین زندگی بهتر برای فرزندان شان، اعتماد بین آنان فرسایش پیدا می‌کند. تحقیقات آشکار می‌سازد که فرزندان زنان مهاجر بیشتر از کودکانی که با مادران شان رابطه مستقیم دارند، دچار افسردگی، سردرگمی و خشم می‌گردند. این در حالیست که فرزندان کارفرمایان زنان مهاجر در کشورهای ثروتمند، از محافظت، محبت و عاطفه مورد نیاز هم از طرف مادران شان و هم پرستاران شان، برخوردارند. به طور کلی، آنچه کودکان زنان کارگر مهاجر در آنسوی جهان از آن بی بهره‌اند، در سوی دیگر جهان به وفور قابل دسترس است.

رویکرد فمینیستی

از نقطه نظر زنان متعلق به طبقه متوسط در کشورهای پیشرفته، رهایی از انجام کار خانگی بدون مزد آرزوی جذابی است. اگرچه پیشرفت تکنولوژی موجبات تسهیل کار خانگی را فراهم ساخته است، ولی مدت زمانی که زنان به تنهایی یا با مشارکت با مردان به کار خانگی مبادرت می‌ورزند را کاهش نداده است.

بنابراین، زنان هنوز از کار بی‌مزد خانگی رها نشده‌اند. این موضوع، رهایی از انجام کار خانگی یا حداقل بخشی از آن، برای زنان، به ویژه آنهایی که در حوزه‌های مدیریتی شرکتها به کار مشغولند، بسیار قابل توجه و مهم به حساب می‌آید. نیروی کار کارگران خانگی مهاجر در برآوردن چنین آرزویی به شدت موثر است.

زنان متعلق به طبقه مرفه و زنان دارای مقامهای بلندپایه در کشورهای ثروتمند که توانایی استخدام زنان مهاجر به عنوان کارگر خانگی را دارند، از این امتیاز طبقاتی برای رهایی خود از استثمار نیروی کارشان در شکل انجام کار خانگی بی‌مزد استفاده می‌کنند. ژرفش تضاد طبقاتی، تعمیق شکاف بین شمال و جنوب و رشد فقر در سراسر جهان، مهاجرت به کشورهای ثروتمند و اشتغال به عنوان کارگر خانگی را فراروی زنان کشورهای فقیر به عنوان راه حلی جهت بهبود وضعیت معیشتی و ارتقا شرایط اقتصادی خانواده‌هایشان قرار داده است. از همین رو، زنان طبقه مرفه که با استخدام کارگران خانگی از انجام کار بی‌مزد خانگی رهایی می‌یابند، به این نوع تقسیم کار جنسیتی، نژادی و ریاکارانه (در جامعه؛ تقسیم

کار جنسیتی بین زن و مرد/ در حریم خصوصی خانه؛ تقسیم کار جنسیتی دوگانه بین زنان)، رضایت می دهند. چنین تقسیم نیروی کار جنسیتی بین زنان، رابطه ای مستقیم با تقسیم نیروی کار بر اساس نژاد، طبقه و ملیت در جهان دارد. بردگی خانگی برای زنان طبقه مرفه تنها با افکندن آن به دوش زنان مهاجر فقیر از بین رفته است. کار خانگی به تعداد



بیشماری از زنان کارگر در برابر دستمزد بسیار ناچیزی محول شده است. رهایی زنان ثروتمند از کار خانگی، در جهان طبقاتی تنها با تشدید استثمار بخش عظیمی از زنان کشورهای فقیر ممکن است. تقسیم جنسیتی نیروی تولید و بازتولید اقتصادی، به علت سیستم سرمایه داری جهانی و تبعیض جنسیتی، به طور همزمان در کشورهای فقیر فرستنده مهاجر و در کشورهای ثروتمند میزبان شکل گرفته و پایه ریزی شده است.

از آنجا که تولید و بازتولید نیروی نگهداری و کار خانگی توسط زنان انجام می پذیرد (با اینکه برخی از زنان طبقه مرفه از چرخه کار خانگی رها شده و جزو نیروی کار دارای دستمزد شده اند)، نمی توان ادعا کرد که تقسیم کار بر اساس جنسیت در حوزه کار خانگی و نگهداری تغییر شکل داده است. باوجود افزایش مشارکت زنان در نیروی کار مزدی، کاهش در میزان سهم زنان در نیروی کار خانگی و دیگر کارهای مراقبتی غیر مزدی به وجود نیامده است. کار خانگی هنوز چهره ای زنانه دارد.

جنبه دیگر موضوع این است که زنانی که دارای پستهای مدیریتی و مقامهای اجرایی ارشد در نیروی کار کشورهای مرفی و پیشرفته هستند، به سیستم سرمایه داری تعهد داده اند که ساعتهای طولانی در شرایط سخت و رقابت خشن، وظایف بغرنجی را بر عهده بگیرند. این موضوع، آنان را باوجود برخورداری از کارگر خانگی، از انجام برخی وظایف خانگی مستثنی نمی سازد. این امر چهره سیستم خشن سرمایه داری را نمایان می سازد، حتی هنگامی که نیروی کار جهت انجام کار خانگی توسط یک دستگاه صنعتی عریض و طویل وابسته به طبقه حاکم، از آن سوی جهان وارد می شود.

در این میان، زنان وابسته به طبقه سرمایه دار که نیازی به مشارکت در بازار کار ندارند، ولیکن آنقدر ثروتمندند که قادرند از نیروی کارگران خانگی بهره ببرند را نمی بایست فراموش کرد.

نیروی کار مراقبتی در جهان نو - لیبرال

با تداوم سیاستهای نو - لیبرالیستی و ژرفش شکاف بین شمال و جنوب، فرار نیروی نگهداری (کارگران خانگی) افزایش یافته است. از این لحاظ، "موضوع فرار نیروی کار نگهداری و مراقبتی" نه تنها یک موضوع شخصی نیست، بلکه کاملاً سیاسی و جهانی است. افزون بر این، تصمیم گیری پیرامون تهیه و توزیع نیروی کار مراقبتی آنقدر مهم است که بمنزله پایه ای مهم در نجات و تداوم حیات انسان به حساب می آید. این در حالیست که مناسبات کاری در حوزه مراقبت و نگهداری انسانها، طبق معیار طبقه حاکم بر پایه اختلاف طبقاتی، جنسیتی و نژادی شکل گرفته است. این روابط توسط پیروان نظام کالا گرایی نو - لیبرالیسم اقتصادی و در روند استعمار تاریخی و نو - استعماری جهانی سازی سرمایه معاصر شکل داده شده است.

از این رو، نتایج وخامت بار سیاستهای نو - لیبرالیستی می بایست در گفتگوها پیرامون پدیده مهاجرت و کارگران خانگی مورد توجه قرار بگیرد.

در دو دهه اخیر، سیستم رفاهی همگانی کشورهای اروپایی به شدت محدود شده و شرایط خانواده ها را بسیار بفرنج و وخیم ساخته است. دولتهای حامی سیاستهای نو - لیبرالیستی به چندین شیوه، معضل مزبور را به وجود آورده اند:

- محدود سازی حقوق و دامنه امکانات اجتماعی
- افزایش بهای امکانات و سرویسهایی که پیش از دو دهه اخیر، دولتی و رایگان بودند
- کاهش مسوولیت و نظارت دولتی و خصوصی سازی امکانات رفاهی
- واگذاری مراکز مراقبتی و بهداشتی به بخش خصوصی
- افزایش قیمت خدمات مراکز نگهداری و مراقبتی که به بخش خصوص واگذار شده اند و گذاشتن پرداخت هزینه بر دوش شهروندان و به ویژه خانواده ها

خصوصی سازی امکاناتی که در گذشته از سوی دولت در اختیار شهروندان و خانواده ها گذاشته می شد، به تغییر شیوه عرضه امکانات مراقبتی، بهداشتی و نگهداری با توجه به نیاز بازار انجامیده است. در چنین حالتی، بازار، نیروی کار و امکانات مراقبتی را به هر کسی، به ویژه خریدارانی که قیمت بیشتری برای آن می پردازند، می فروشد. بازار نظام نو-لیبرالیستی، پروسه خصوصی سازی را تنها از طریق کارگران قانونی به پیش نمی برد. این واقعیتیست که اقتصاد کشورهای سرمایه داری پیشرفته از کار غیرقانونی مهاجران در حوزه های شغلی گوناگون مانند رستورانها، کار خانگی و آسایشگاههای خصوصی، به وفور بهره برده است. سیستم غیرقانونی است، ولی بسیار مفید واقع می گردد. بدین جهت، اگر به خاطر وجود زنان مهاجر و به خصوص مهاجران غیرقانونی نبود، کار خانگی به طور کلی دچار اضمحلال و سقوط می شد. بنابراین، برای سیستم سرمایه داری استثمار نیروی کار غیرقانونی قابل قبول و مفید می باشد و به طور پنهانی آن را به جریان می اندازد.

واقعیت شرایط وخیم کارگران مهاجر، زنانه شدن پدیده مهاجرت و جهانی سازی بازار کار را آشکار می سازد. ارتباط بین استثمار نیروی کار و تغییر آن از سطح ملی به بین المللی، پرسشها پیرامون کار خانگی را از یک موضوع طبقاتی به یک موضوع اخلاقی و جهانی گسترش می دهد. در حقیقت، تولید و بازتولید نیروی کار خانگی از روی دوش زنان ثروتمند و تحصیلکرده غربی برداشته و بر دوش زنان مناطق و کشورهای فقیر مشخصی از جهان گذارده شده است. اختلاف بین زنان به موازات تقویت سیستم طبقاتی در جهان، عمیق و ژرف تر می گردد. مدلی که بانک جهانی و صندوق بین الملل پول برای رشد به دولتها تجویز می کنند، می بایست مورد نقد قرار گیرد، زیرا موجبات بیکاری افراد تحصیلکرده کشورهای فقیر را فراهم می سازد تا به کشورهای پیشرفته مهاجرت و به عنوان کارگر خانگی به کار مشغول گردند. چرخه مراقبت و نگهداری درگیر دستورات بانک جهانی و صندوق بین الملل پول، فرار نیروی کار مراقبتی و انتقال از آن سوی جهان به کشورهای پیشرفته جهت صرفه جویی نو - لیبرالیسم اقتصادی می شود. اگر در گذشته، "مواد خام" از کشورهای فقیر آفریقایی و آسیایی به زور و کشتار ربوده و به کشورهای ثروتمند فرستاده می شد، در سیستم سرمایه داری انحصاری و استعماری کنونی، نیروی کار اجتماعی و مراقبتی با اعمال سیاستهای نو - لیبرالیستی ربوده می شود.

۸ مارس و سیمای جنبش سیاسی - اجتماعی زنان

* تلاش زنان برای برابری، عدالت یا سوسیالیسم
* "اقتصاد مقاومتی" نخست زنان را قربانی می کند

آناهیتا اردوان

تلاش زنان برای برابری و عدالت یا سوسیالیسم

امسال نیز در حالی از هشت مارس استقبال شد که بسیاری از زنان هنوز از ابتدایی ترین حقوق شان محرومند. شرایط معیشتی بسیاری از زنان زحمتکش در جهان تحت تاثیر سیاستهای نو - لیبرالیستی و ریاضت کشی اقتصادی، مرزهای وخامت را پشت سر گذاشته است. بسیاری از مطالبات (دستمزد عادلانه و مساوی در مقابل کار برابر، حق طلاق و کورتاژ، حذف تبعیض علیه مادران تنها، برچیدن خشونت خانگی و تجاوز علیه زنان و آزار و اذیتهای جنسی در محل کار، به رسمیت شناختن کار خانگی) با وجود گذشت سالها پیکار علیه تبعیض جنسیتی و طبقاتی هنوز تحقق نیافته است. فرجام موفقیت آمیز این مبارزه با شناسایی ریشه های ستم تاریخی بر زنان و برخوردی علمی و عملی با آن ارتباط نزدیک دارد. تمامی اشکال ستم شامل، ملی، نژادی و جنسیتی، حاصل تقسیم طبقاتی جوامع و شیوه و روابط تولیدی غیر انسانی حاکم است. از نقطه نظر مارکسیستی، ستم بر زنان با تشکیل دولت به مثابه ابزار اعمال قدرت طبقه حاکم، پیدایش پدیده مالکیت خصوصی بر ابزار تولید، تشکیل نهاد خانواده به شکل امروزی، در طول تاریخ بشر شکل گرفته و نهادینه شده است. انگلس در اثر معروف اش "منشا خانواده - مالکیت خصوصی و دولت" در توضیح ریشه های ستم بر زنان می نویسد: «نخستن تضادی که در تاریخ پدیدار می شود، با تکامل آنتاگونیسم مرد و زن به گونه فردی همزمان است و اولین ستم طبقاتی با استمرار جنس مونث از سوی جنس مذکر همراه شده است. تک همسری یک پیشرفت بزرگ تاریخی بود، اما همزمان در کنار پدید آوردن برده داری و مالکیت خصوصی، دروازه های عصری را گشود که تا امروز عمر یافته و در آن هر پیشرفتی یک پس رفت نسبی است و رفاه و رشد یک گروه به بهای رنج و عقب نگه داشته شدن گروهی دیگر به دست می آید. تک همسری نطفه جامعه متمدنی است که در آن می توانیم بلوغ ناهمگونیها و تضادها در سرشت اش را مطالعه کنیم».

از همین رو، لغو هر گونه ستم بر زنان، رفع تبعیض جنسیتی و ایجاد روابط انسانی و عادلانه بین زنان و مردان در گرو تغییر بنیادین شرایط اقتصادی - اجتماعی، پیروزی پرولتاریا و فروپاشی نظام سرمایه داری می باشد. آن زمان می توان گامهای سترگی در مسیر کاهش میراث فرهنگی و معنوی نظام پدرشاهی که انسانها را براساس جنسیت از هم جدا می سازد، برداشت. چیره گشتن حزب طبقه کارگر بر سیستم سرمایه داری، مالکیت بورژوازی را الغا و شرایط اجتماعی - اقتصادی جهت دستیابی به یک جامعه بی طبقه را فراهم سازد.

وقایع تاریخی نشان می دهد که مبارزه طبقاتی با مبارزه برای احقاق حقوق زنان در پیوندی ناگسستنی قرار دارد. در جنبش الغا بردگی بود که زنان برای اولین بار آموختند متشکل شوند و حق گفتگو در جوامع عمومی را کسب کردند تا آنجا که جنبشهای آزادی بردگان و رهایی زنان به مدت یک ربع قرن یکدیگر را تغذیه و تقویت نمودند. نقش برجسته زنان در کمون پاریس بر هیچ کسی پوشیده نیست، آنچنان که گزارشگر روزنامه تایمز در سال ۱۸۷۱ نوشت: "اگر ملت فرانسه تنها از زنان تشکیل می شد، عجب ملت وحشتناکی از آب در می آمد."

وقایع تاریخی از این دست به مشارکت زنان در مبارزه طبقاتی در شکل فعالیت در احزاب سیاسی کمونیستی حقانیت می بخشد. البته این موضوع بدین معنا نیست که مشکلات زنان، تبعیض و تضاد جنسیتی، به طور اتوماتیک و ناگهانی در یک جامعه سوسیالیستی ناپدید می گردد. بلکه، بنیان جامعه ای بی طبقه، جایگزینی مالکیت اشتراکی به جای مالکیت خصوصی و لغو نگرش کالایی به انسان، بدون مبارزه پیگیر و پایدار ممکن نخواهد بود. در همین راستا یکی از نخستین اقدامات لنین در سال ۱۹۱۷ درخواست از کمیته مرکزی، برای حمایت از کار سیاسی میان زنان بود. او در همان زمان تاکید کرد که صحبت از سوسیالیسم و حتی دموکراسی کامل و پایداری، بدون نقش مستقل زنان نه تنها در کار سیاسی،

بلکه در خدمات روزانه که برای هر فردی الزامی است، گزافه‌گویی می‌باشد. (انقلاب ۱۹۱۷ - مجموعه آثار - جلد ۲۰ - صفحه ۱۴۲) اینگونه بود که زنان بلشویک دست به کار شدند. روزنامه "روبتسینا" با چهل تا پنجاه هزار تیراژ در هفته شروع به کار کرد. کلوبهای زنان با هدف جذب زنان به فعالیت حزبی تشکیل شدند. بنابراین وقتی بلشویکها در اکتبر ۱۹۱۷ به قدرت رسیدند، مساله درگیر کردن توده زنان غیر حزبی ابعاد گسترده‌تر و نوینی به خود گرفت. مساله بعد از انقلاب اکتبر این بود که اکنون چگونه باید میلیونها زن را برای مشارکت در امر تشکیل ساختمان سوسیالیسم بسیج نمود. باوجود شکستها، انقلاب اکتبر بزرگترین فصل رهایی زنان را رقم زد.

اگرچه رهایی زنان در پیوندی ارگانیک با رهایی کارگران از قید و بندهای استعماری و استثمار و مبارزه برای استقرار جامعه‌ای سوسیالیستی قرار دارد، ولیکن ما نمی‌توانیم مبارزه برای برابری جنسیتی و احقاق حقوق و مطالبات به ویژه دموکراتیک زنان را به آینده و تحقق انقلاب اجتماعی واگذار کنیم. برعکس، انقلاب اجتماعی و سوسیالیسم بدون مشارکت کنشگران برابری خواه و عدالت طلب، در نبرد روزانه علیه سیاستها و قوانین دولتهای سرمایه داری و جدال جهت تصویب قوانینی که تضاد جنسیتی را کاهش می‌دهد، امکان پذیر نخواهد بود. بسیاری از قوانین به نفع زنان مانند حق رای، حق سرپرستی فرزندان، حق طلاق و... در روند پیکار تاریخی زنان و مدافعان حقوق آنان تصویب و اجرایی گردیده‌اند.

اگر بپذیریم که "پراتیک" منشا و معیار سنجش و غایت شناخت انسان است، ناگزیر درمی‌یابیم که زنان نیز مانند کارگران در مبارزه روزمره و صنفی و عمل اجتماعی، شناخت و آگاهی طبقاتی شان را ارتقا و نیروهایی که با آنها منافع مشترک دارند را پیدا می‌کنند. مبارزه روزمره کارگران زن، کارگران خانگی، مادران تنها و... برای دفاع از حقوق دموکراتیک و صنفی، آنها را از ماهیت اصلی دولتها آگاه می‌سازد. زنان در می‌یابند به قوانینی معترضند که برای حفظ منافع طبقه حاکم به تصویب رسیده و دشمن اصلی خویش را شناسایی می‌کنند. دقیقاً به همین دلیل است که دولتهای سرمایه داری همواره تلاش کرده‌اند تا از هر گونه اعتراض و اعتصاب زنان به ویژه زنان کارگر جلوگیری کنند. سقف پیکار زنان با شرکت در مبارزات روزمره علیه قوانین حاکم و سنتهای دست و پاگیر در راستای احقاق حقوق حقه شان، تا حد مشارکت در مبارزه طبقاتی، همگام با طبقه کارگر و دیگر اقشار زحمتکش برای سوسیالیسم بالا می‌رود. زنان در می‌یابند که مبارزه علیه تبعیض جنسیتی پدیده‌ای متمایز از مبارزه علیه تبعیض طبقاتی نیست، بردگی جنسیتی پیامد بردگی اقتصادی است و انقلاب سوسیالیستی پیش شرط درهم شکستن قیود ناشی از ستم جنسیتی و طبقاتی است.

به طور کلی، ارتقای آگاهی و شناخت طبقاتی زنان، آگاهی طبقه کارگر را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد تا به توان و قدرت خویش برای انجام وظیفه تاریخی اش که سیادت پرولتاریا و در نهایت سعادت بشری را تضمین می‌نماید، پی‌ببرد. هر اندازه تضاد بین زن و مرد در جوامع بورژوازی از طریق رفرم و یا انقلابات دموکراتیک کمرنگ تر شود، شرایط مادی جهت پیوستگی و اتحاد کارگران برای فروپاشی سیستم سرمایه داری آماده تر می‌گردد. درک طبقه کارگر در موضع گیری علیه تمامی اشکال ستم، خشونت و آزار و حکومتهای استبدادی، صرف نظر از اینکه علیه کدام طبقه اعمال می‌شود، بسیار مهم است، زیرا نظام سرمایه داری برای بقای خود افزون بر استثمار نیروی کار کارگران، به اشکالی ویژه‌ای از ظلم و ستم اتکا دارد که تمامی طبقات مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهد و نه فقط کارگران را. بر اساس همین فرمول، لنین اعلام کرد که یک حزب انقلابی می‌بایست "تربیت تمام ستمدیدگان جامعه" باشد و آگاهی طبقه کارگر نمی‌تواند به آگاهی سیاسی حقیقی منجر شود مگر این که کارگران آموزش ببینند نسبت به تمامی موارد ستمگری و خشونت و آزار - صرف نظر از این که دامن کدام طبقه را می‌گیرد - واکنش نشان دهند. این مصداق عبارت ارزشمند کارل مارکس است که گفت: "اگر آزادی زنان بدون کمونیسم ناممکن است، کمونیسم هم بدون رهایی زنان غیر ممکن است."

مرور انقلابهایی که چه در دوران گذشته و چه در دوران ما به وقوع پیوسته، نشان می‌دهد که انقلاب جامعه را تکان می‌دهد، انگیزه و خواستههای اقشار فرودست جامعه که رهایی زنان نیز بخشی از آن است را رها می‌سازد. بدینوسیله، مطالبات زنان مورد توجه جنبش قرار می‌گیرد. اما رویکرد نیروهای شرکت کننده در جنبش نسبت به مقوله رهایی زنان، با توجه به منافع طبقاتی شان متفاوت است. شناسایی نیروها و رویکردهای مزبور تنها با مشارکت جدی و تداوم مبارزه زنان توسط ایشان ممکن خواهد گردید. به بیان دیگر، شرکت زنان در اشکال گوناگون مبارزه علیه ستمگری و تبعیض، ضروری و در

شکل گیری آگاهی سیاسی آنان دارای اهمیت فراوانی است. اینگونه است که مبارزه علیه رفع هر گونه تبعیض، از چارچوب خواسته‌های صنفی فراتر می‌رود. زن زحمتکش، خانه دار و مزدبگیر، خود را عضوی از طبقه کارگر به حساب می‌آورد، رهایی کامل خویش را در رهایی طبقه کارگر درمی‌یابد و همگام با مزدبگیران و زحمتکشان نه تنها وارد عرصه مبارزه طبقاتی می‌شود، بلکه مبارزه طبقاتی را تا حد یک مبارزه سیاسی جهت کسب قدرت سیاسی طبقه کارگر ادامه می‌دهد. مناسبات تولیدی هنگامی که نیروهای مولد از خفت و ذلت مالکیت خصوصی و دولت رها شدند، تغییر خواهد کرد و راه برای تغییرات ریشه‌ای از جمله تغییر روابط بین زن و مرد گشوده خواهد شد. سیستم سرمایه داری که برای زنان جایگاهی متمایز از مردان در شرایط تولیدی قایل می‌شود، قادر نیست روانشناسی تمامی افراد جامعه را به گونه‌ای تغییر دهد که زن را نه به مثابه "کالا" بلکه "انسان" به رسمیت بشناسند.

گنشگران و مدافعان حقوق زنان به موازات مشارکت جدی در مبارزات روزمره کارگری و اعتراض به هر گونه بی حرمتی و تبعیض علیه انسانهای محروم و زحمتکش، راهی بجز مبارزه برای تحقق سوسیالیسم و بنای ساختمان جامعه‌ای سوسیالیستی ندارند. تنها در روند چنین مبارزه‌ای می‌توان بنای جامعه‌ای فارغ از بهره‌کشی انسان از انسان که نقش اصلی، حقیقی و انسانی زن در همه عرصه‌ها و صحنه‌های اجتماعی، سیاسی و خصوصی حیات بشر را به رسمیت می‌شناسد، دست یافت.

"اقتصاد مقاومتی" نخست زنان را قربانی می‌کند

"انقلاب" پیش شرط و نخستین گام جهت رهایی زنان میهن مان از تبعیض جنسیتی خشن است. هشت مارس برای نخستین بار در سال ۱۳۰۱ توسط زنان ایرانی برگزار گردید. از آن تاریخ تا به امروز برگزاری هشت مارس همراه با اعتراضات و تحصنهای خیابانی، لرزه بر اندام استبداد حاکم انداخته است. مستبدان حاکم بر میهنمان از دیرباز کوشیده‌اند تا با سرکوب یا ترغیب، مشعل مبارزه علیه تبعیض جنسیتی و طبقاتی را خاموش و یا از مسیر اصلی خود خارج کنند، ولی مبارزه زنان تا به امروز به اشکال گوناگون تداوم یافته است.

باوجود غوغا و هیاهوی فراوان پیرامون شعار "دولت تدبیر و امید" به ریاست روحانی، هیچگونه اصلاحات قانونی در راستای کاهش تبعیض جنسیتی انجام نپذیرفته است. بسیاری از فعالان و مدافعان حقوق زنان، دستگیر و یا هنوز در زندان به سر می‌برند. زنان به عنوان بیش از نیمی از جمعیت ایران به دلیل اعمال سیاستهای استبدادی، از ابتدایی ترین حقوق انسانی، حق طلاق، حق سرپرستی فرزند، حق پوشش آزاد و... محرومند. رویکرد اقتصاد مقاومتی دولت روحانی، همچون دیگر دولتهای ولایت فقیه، بر پایه خصوصی سازی هر چه بیشتر و آزاد سازی تجاری بنا شده که شرایط معیشتی زنان را بیش از پیش به مخاطره انداخته است. از همین رو، جمعیت قابل توجهی از کشور، زنان خانه دار، زنان سرپرست خانوار، بدون سرپرست و زنان متعلق به طبقه کارگر، قربانیان اصلی راهبرد سیاسی-اقتصادی دولت روحانی می‌باشند. بار تاریخی زن بودن و اعمال سیاستهای تبعیض آمیز جنسیتی که لنگرگاه ایدئولوژیک استبداد حاکم به شمار می‌رود از یکسو و سیاستهای نو-لیبرالیستی از دیگر سو، عرصه را بر زنان زحمتکش تنگ تر کرده است. در همین رابطه، به گزارش خبرگزاری حکومتی کار (ایلنا)، نهم آذر ماه ۱۳۹۲، زهرا صادقی، مسوول تشکلی به نام "اتحادیه زنان کارگر مازندران" اعلام داشت که زنان نخستین قربانیان بحران اقتصادی در ایران هستند. وی ابراز می‌دارد: "مشاغل کم درآمد و پرزحمت با ساعات طولانی و غیرقانونی کار با دستمزد پایین تر نسبت به مردان به زنان اختصاص دارد و زنان کارگر در صف نخست اخراجیها قرار دارند. نرخ اخراج کارگران زن از ۳۳ درصد در سال ۱۳۸۴، به ۴۳ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۶۰.۱۲ درصد و برای مردان ۶۷ درصد است."

به گزارش خبرگزاری هرانا، ۵ آذر ۱۳۹۲، "هشتاد و هشت درصد از زنان کردستان و سنندج قربانی خشونت خانگی هستند. میزان خشونت علیه زنان در تهران بالا و شهر اهواز در مصداقهای معضل مزبور خشن ترین شهر معرفی شده است."

به گزارش مسوول شوراهای اسلامی رژیم در کردستان در تاریخ ۲۷ خرداد سال ۱۳۹۲، بیشتر زنانی که در استان کردستان به عنوان کارگر کار می کنند، زنان سرپرست خانوار یا بدون سرپرستی هستند که تنها محل درآمد آنها همین دستمزد است. شاکر ابراهیمی اضافه می کند: "وضعیت کارگران زن به مراتب از کارگران مرد بدتر است و به دلیل اوضاع نامناسب اقتصادی، کارگران زن در کردستان چه در کارگاههای زنانه و چه در محیطهای مردانه، مجبور به قبول هر کاری هستند. در واحدهای تولیدی این استان شرایط کار برای کارگران زن به حدی طاقت فرساست که حتی ملزم به چشم پوشی از حقوق مادرانه خود در ایام بارداری، زایمان و شیردهی می شوند. در واحدهای تولیدی مختلف این استان، کارگران زن و مرد روزانه ۱۰ تا ۱۴ ساعت کار می کنند، اما در بهترین حالت دریافتی آنها بر مبنای هشت ساعت کار روزانه پرداخت می شود. این کارگران در بهترین حالت با ارفاق و منت کارفرما درآمدی بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان دارند. کارگران مزبور بر اساس تسویه حسابی که پیشاپیش به طور سفید امضا در اختیار کارفرما گذاشته اند، حق طرح هیچگونه مطالبه و ادعایی ندارند."

ایلنا در ۱۳ شهریور ماه سال ۱۳۹۲ گفته های مسوول تشکل دولتی "کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار" در استان قزوین را درج کرده است که می گوید بیشتر کارگران سفید امضا، زن هستند. محمد احمدی می افزاید: "کارگران زن یکی از اصلی ترین گروههایی هستند که حقوق صنفی شان در محیط کارگاه های کوچک (کمتر از ۱۰ کارگر) در معرض تهدید قرار دارد، به طوری که برخی کارفرمایان از این کارگران روزانه ۱۲ ساعت کار می کشند، اما حاضر به پرداخت مطالبات آنان نیستند."

همین منبع در ۱۱ تیر از قول دبیر "اتحادیه زنان کارگر استان فارس"، فاطمه درویش، به مشکلات مختلف زنان کارگر از جمله نامناسب بودن وضعیت بهداشتی محیط کار، مشکلات بیمه و مرخصی زایمان اشاره کرده و نسبت دستمزد زنان کارگر نسبت به مردان را یک سوم و در بهترین حالت دو سوم برآورد کرد.

گزارشات و اخبار بالا، نتایج فلاکت بار و برآیند آنچه را که رژیم ولایت فقیه "حماسه اقتصادی" می نامد، برای زنان زحمتکش آشکار می سازد. این در حالیست که زنان حکومتی بر اساس منافع طبقاتی شان، همچون دلکتهای درباری از راهبرد سیاسی- اقتصادی دولت دفاع می کنند. در همین رابطه، مهسا شریفی، مشاور امور زنان، خانواده و جوانان رژیم، در ۲۵ بهمن به "خبرگزاری ایلنا" می گوید: "آنچه مسلم است، دستیابی به اهداف تعیین شده در سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی و دستورات ریاست محترم جمهور، نیازمند همت و همدلی تک تک آحاد جامعه است. این همدلی و عزم ملی می تواند کلیدی باشد برای تسهیل پیشرفت متوازن و افزایش انسجام اجتماعی. در این میان زنان می توانند نقشی تاثیرگذار و متفاوت از سایر گروه های اجتماعی ایفا کنند."

در سخنان وی به روشنی می توان دریافت که برنامه اقتصادی دولت روحانی، متمایز از دیگر دولتهای قسم خورده ولایت فقیه نیست. اما، به راستی آیا برنامه های اقتصادی- سیاسی مطبوع ولایت فقیه که در ژرفای نگرش جنسیتی غوطه می خورد، می تواند تغییر یا کمترین اصلاحی در وضعیت زنان به وجود آورد؟ خیر، آحاد ملت ایران خلاف آنچه مهسا شریفی تبلیغ و ترویج می کند، می بایست علیه استراتژی اقتصادی سیاسی دولت ولایت فقیه، آنچه که نیمی از نیروی مولده جامعه را به پستوی خانه می کشاند، با تمام تاب و توان خویش به پاخیزند.

در شرایطی که مذاکرات هسته ای با دولتهای غربی در جریان است، می توان با افشاگری و اعتراض، مساله نقض حقوق زنان که همانا نقض حقوق بشر است را روی میز مذاکرات قرار داد.

مبارزه سیاسی ایجاب می کند که مدافعان حقوق بشر و فعالان سیاسی، تعادل قوا را در مذاکرات هسته ای به نفع مردم و زنان ایران تغییر دهند. رژیم ولایت فقیه تنها راه برون رفت از فشار تحریمها را در مامشات با دولتهای غربی جستجو می کند. رژیم در مذاکرات مزبور، منافع طبقاتی حکومتی خودکامه که در تضاد با منافع زنان و زحمتکشان، میهنمان است را در نظر می گیرد. از همین روی، هر گونه کوشش و تلاش از سوی مدافعان حقوق زنان و بشر که موجبات عقب نشینی

رژیم را فراهم سازد، فضای جامعه را جهت نبرد علیه دیکتاتوری که مبارزه علیه تبعیض جنسیتی که بخش جدایی ناپذیر آن است، باز می کند.

تحقق دموکراسی، برابری و عدالت اجتماعی از تضاد بین نیروها و قدرتهای فرادست حاصل نمی شود، ولی در راستای فروپاشی دستگاه جور و ستم وحشیانه استبداد حاکم می توان از تضاد بالاییها بهره جست. مبارزه سیاسی و فشار از سوی نیروهای سرنگونی طلب برای تبدیل خواستههای رژیم در مذاکرات مزبور به ضد خویش و به عقب راندن آن، به موازات تقویت جنبش اجتماعی مردم ایران، می تواند به ژرفش تضاد درون حکومتی دامن زند. در نهایت، "انقلاب" پیش شرط و نخستین گام جهت رهایی زنان میهنمان از تبعیض جنسیتی خشن است. بدیهی ست که پیکار زن ایرانی به همراه طبقه زحمتکش ایران، در تاریخ، فراز و نشیبهای بیشماری داشته است. ولیکن، تردیدی نیست که هیچ نیرویی قادر نیست فراروی رهایی کامل زنان، در درازمدت سدی ایجاد کند. روند عمومی تاریخ به سود کُنشگران راستین برابری و عدالت است و آنها هستند که سازندگان تمام عیار تاریخند.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

کارگران و مزدبگیران.....

چالشهای معلمان در اسفند ماه

فرنگیس بایقره

تشکیل پرونده جدید برای رسول بداقی

حقوق معلم، دوشنبه ۱۲ اسفند - رسول بداقی، عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان، از اندرزگاه ۴ زندان رجایی شهر به سلول انفرادی انتقال و علیه او پرونده جدیدی تشکیل شده است. این در حالی است که رسول بداقی چهار سال و نیم در زندانهای اوین و رجایی بسر برده و حتی یک روز مرخصی نداشته است. وی حتی برای مراسم تدفین مادرش هم اجازه خروج نیافت و وقتی برای درمان سردردهای مزمن به بیمارستان سینا انتقال پیدا کرد، دستان او را به تخت بیمارستان زنجیر کردند. هنوز برای معلمان کشور مشخص نشده که او تاوان کدامین جرم را می دهد؟ فرهنگیان کشور و به ویژه تشکلهای صنفی عضو شورای هماهنگی کانونهای صنفی سراسر کشور بارها و بارها نگرانی خود را از وضعیت معلمان زندانی به ویژه رسول بداقی اعلام کرده اند.

نامه ی معلمان پیمانی ۸۹ به رسانه ها

معلم، ۱۳ اسفند - ما گروهی از جوانان این مرز و بوم هستیم که در سال ۸۹ در آزمونی با ۷۵۰ هزار نفر شرکت کننده پذیرفته و استخدام پیمانی شدیم و همه دارای مدرک لیسانس و فوق لیسانس هستیم. در بهمن ماه سال ۹۱ بخشنامه ای مبنی بر تبدیل وضعیت ما به رسمی آزمایشی به همه استانها ارسال شد که قرار بود با تاییدیه گزینش، مهر امسال اجرایی شود. اما در مهر امسال فقط در استان یزد همه پیمانیهای ۸۹ تبدیل وضعیت شدند و در بقیه ی استانها بخشنامه اجرا نشده است. مگر قانون در همه ی کشور یکسان نیست؟

از مصداقهای بارز بی عدالتی که ما را به ستوه آورده، استخدام رسمی معلمان شرکتی با ۹ ماه سابقه است، ولی به ما با ۴ سال سابقه هیچ توجهی نمی کنند. خواهشمندیم به این بی عدالتی در حق معلمان پیمانی استخدام ۱۳۸۹ که در بزرگترین آزمون استخدامی تاریخ آموزش و پرورش پذیرفته شده اند و آنها را به ستوه آورده، رسیدگی نمایید.

شلاق زدن یک معلم در سنندج

گردپا، ۱۵ اسفند - شعبه‌ی اجرای احکام دادگستری استان کردستان در شهر سنندج، عضو هیات مدیره‌ی انجمن صنفی معلمان کردستان را شلاق زد.

حکم ۲۰ ضربه شلاق پیمان نودینیان، در شعبه اجرای احکام دادگستری سنندج اجرا شد. این فعال فرهنگی کرد از سوی دستگاه قضایی حکومت اسلامی ایران به "توهین به مامور دولت در حین انجام وظیفه" متهم گردید و شعبه ۱۰۵ دادگاه انقلاب سنندج برای وی زندان تعلیقی و شلاق صادر کرد. این معلم کرد از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ به همراه مختار اسدی، فعال فرهنگی کرد به استان زنجان تبعید شده بود و تیرماه سال ۱۳۹۱ نیز به همراه ۱۰ معلم دیگر و از اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان به شعبه ۵ دادگاه شهر سنندج احضار شده بود. پیشتر نیز این ۹ فعال فرهنگی در تابستان ۱۳۹۰ توسط مراکز امنیتی تحت بازجویی قرار گرفته بودند. همچنین وزارت اطلاعات مانع از حضور پیمان نودینیان در جلسه‌ی امتحانات کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی شده بود.

جمعی از فرهنگیان سنندج از معلم شلاق خورده دیدار کردند

گردپا، ۱۹ اسفند - جمعی از معلمان و فعالان حقوق زنان در سنندج از پیمان نودینیان، معلم کرد دیدار کردند. حکم ۲۰ ضربه شلاق پیمان نودینیان، عضو هیات مدیره‌ی انجمن صنفی معلمان کردستان، هفته‌ی گذشته در شعبه‌ی اجرای احکام دادگستری سنندج به اجرا درآمد. روز دوشنبه نوزدهم اسفندماه، این معلم کرد میزبان جمعی از فعالان حقوق زنان در مدرسه محل کار خود در سنندج شد. این معلمان و فعالان حوزه زنان اجرای حکم شلاق او را محکوم نموده و از استقامت و شهامت وی تقدیر کردند. همکاران پیمان نودینیان وی را نمونه یک معلم کرد نامیدند.

پیام نوروزی رسول بدافی برای فرزندان

همدانا، ۲۴ اسفند

دختران دلبندم سلام، نوروزتان فرخنده باد.

نوروز ۹۳ پنجمین نوروزی است که بر سر سفره عید در کنارتان نیستم. پنجمین سالیست که نمی دانم هر لحظه بر شما چه می گذرد.

همواره با خود می اندیشم نکند هر لحظه اندوهی تازه برایتان رقم بخورد و من بی خبر باشم. افسوس می خورم که چرا من نیستم تا جانم را بلاگردانتان کنم.

پنج سال است که نمی دانم غمهایتان را با چه کسی درمیان می گذارید. نمی دانم سنگ صبورتان کیست؟ نمی دانم برف اندوه روزگار عمرتان را چگونه از بام دل کوچکتان پارو می کنید؟ پنج سال است نمی دانم سفره دلتان را برای چه کسی باز می کنید؟ پنج سال است که شما تجربه‌ی داشتن پدر را فقط از پشت شیشه‌های زندان احساس می کنید.

پنج سال است که من به اتهام اعتراض به ستمهای رفته بر آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان وطنم در زندان هستم و نمی دانم بر سر آموزش و پرورش فرزندان خودم چه می آید!

اما خوشبختانه کم نیستند انسانهای با انصافی که ارزش مبارزات ما را به شما و سایر دانش آموزان ایران زمین یادآوری کنند.

بی گمان دیری نخواهد پایید که شما به راز نبودن من در کنار خودتان که همانا شجاعت، آگاهی، غیرت و قدرت انتقاد در برابر بی عدالتی ها در جامعه است پی خواهید برد.

امیدوارم توانسته باشم با این جملات اندکی از بار نبودنم در کنارتان را جبران کنم.
دوستان دارم.

پدر شما رسول بدافی،

زندادان رجایی شهر؛ کرج

بند ۴ - سالن ۱۲ - سلول ۶

فوت دانش آموز دبیرستانی در اردو

خبرگزاری فارس، ۲۴ اسفند - مسعود ثقفی، رییس روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران ضمن تایید خبر فوت یک دانش آموز دبیرستانی در اردوی دانش آموزی اظهار داشت: "در جریان اردوی آموزشی تعدادی از دانش آموزان پسر دبیرستانی در منطقه محمد شهر کرج، یک دانش آموز دچار سانحه شد و متأسفانه اقدامات درمانی موثر واقع نشد." وی بدون آنکه به نوع حادثه اشاره کند ادامه داد: "با توجه به رضایت والدین دانش آموز و اعلام داوطلبی آن مرحوم جهت اهدای عضو، روز جمعه دیروز در بیمارستان مسیح دانشوری، اهدای عضو این دانش آموز نوع دوست انجام شد." ثقفی وعده داد: "اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران ضمن عرض تسلیت به پدر و مادر زنده یاد "باربد خراسانی" و تجلیل از اقدام انسانی و خدایسندانه آنها مبنی بر اهدای عضو فرزند عزیزشان اعلام می کند که به دقت جزئیات برگزاری اردو و نحوه بروز حادثه و اقدامات درمانی پس از حادثه را بررسی و گزارش کامل آن را به مراجع ذی صلاح ارایه خواهد کرد."

دلایل استیضاح وزیر آموزش و پرورش

مهر، خانه ملت، ۲۴ اسفند، عباس مقتدایی، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در توضیح علت تلاش برای استیضاح وزیر آموزش و پرورش، علی اصغر فانی گفت: "بخشی از عزل و نصبهای انجام شده در این وزارتخانه منجر به افزایش نگرانی نمایندگان مبنی بر سیاسی شدن فضای آموزشی مدارس شده است. همچنین آنها نسبت به ابعاد نظارتی آموزش و پرورش گلایه مند هستند که همه این موارد منجر به ارایه طرح استیضاح وزیر آموزش و پرورش شده است." وی افزود: "من بارها به صورت شفاهی نگرانی نمایندگان را به مسوولان آموزش و پرورش گفته ام و حتی به معاون پارلمانی آموزش و پرورش نیز پیغام داده ام که توجه به دیدگاه نمایندگان منجر به توسعه روابط بین مجلس و آموزش و پرورش می شود."

وی با بیان اینکه من هنوز موافق استیضاح وزیر آموزش و پرورش نیستم، گفت: باید بررسی کرد که آیا با مذاکره می توان تعامل بین مجلس و آموزش و پرورش را بیشتر کرد یا نه؟ به زعم بنده بهتر است هر دو طرف حداکثر بردباری را داشته باشند تا بجای استفاده از ابزارهای قانونی مانند سؤال و استیضاح، فضای تعامل و گفتمان افزایش پیدا کند.

همچنین عبدالوحد فیاضی، سخنگوی همین کمیسیون با بیان اینکه استفاده از عناصر سیاسی در بدنه آموزش و پرورش از دلایلی است که طرح استیضاح فانی را موجب شده گفت: "این طرح به علت ناکارآمدی وزیر آموزش و پرورش در انجام کارهای محوله مورد استقبال نمایندگان قرار گرفته است."

تاخیر در پرداخت اضافه کاری سه ماه پایان سال معلمان

ایلنا، ۲۷ اسفند - یک فعال صنفی معلمان گفت پرداخت نشدن معوقات معلمان در سال ۹۲، وجهه عمومی وزیر آموزش و پرورش را نزد معلمان خدشه دار کرده است.

مهدی بهلولی در تشریح جزئیات معوقات معلمان گفت: "اگر چه اضافه کاری عقب افتاده معلمان در ماههای مهر، آبان و آذر روز گذشته پرداخت شد، اما اضافه کاری آنان در ماههای دی، بهمن و اسفند هنوز پرداخت نشده است." این فعال صنفی معلمان همچنین از پرداخت نشدن حق الزحمه معلمان در امتحانات نهایی ماههای خرداد و دی خبر داد و گفت: "حق الزحمه تصحیح هر برگه امتحانی ۲۰۰ الی ۳۰۰ تومان است و معلمانی هستند که از تصحیح برگه های امتحانات نهایی ماه های خرداد و دی بیش از ۱ میلیون تومان طلبکارند." وی با اشاره به پرداخت نشدن سهم بیمه طلایی معلمان در سال ۹۱ که از دوره وزارت آقای حاجی بابایی باقی مانده، گفت: "میان معلمان شایعه شده است دولت قصد پرداخت بدهی بیمه طلایی فرهنگیان را ندارد." گفتنی است هر ماه مبلغی معادل ۱۲ هزار و ۵۰۰ تومان برای "بیمه طلایی" از حقوق معلمان کسر می شود که نصف این مبلغ (سهم وزارت آموزش و پرورش) بعد از حداکثر دو ماه به حساب آنان باید برگردانده شود اما آموزش و پرورش سهم خود را در سال ۹۱ به حساب معلمان باز نگردانده است. وی با اشاره به پرداخت نشدن کامل پاداش پایان خدمت بازنشستگان فرهنگی سال ۹۲ گفت: "پاداش پایان خدمت معلمان بازنشسته نزدیک به ۳۰ میلیون تومان می شود که فقط ۱۰ الی ۱۵ درصد این مبلغ به آنان پرداخت شده است."

اعتصاب ۵ روزه معلمان منطقه هفت تپه

مهر، ۱۹ اسفند - معلمان هفت تپه که در پی ارسال حکم تخلیه منازل از سوی شرکت کشت و صنعت هفت تپه از روز چهارشنبه ۱۴ اسفند تاکنون اعتصاب و کلاسها را تعطیل کردند، با مهلت جدید این شرکت برای تخلیه منازل مواجه شدند.

این معلمان نسبت به اخراج ناگهانی شان از منازل توسط شرکت کشت و صنعت هفت تپه شوکه شده و انتظار چنین اقدامی را نداشتند. پس از اعتراض معلمان، گفته می شود که اولیای دانش آموزان نیز برای حمایت از آنها به شرکت کشت و صنعت رفته و از مدیر عامل آن شرکت خواستند که با فرهنگیان مطابق شان آنها برخورد شود. مدیر آموزش و پرورش شهرستان شوش گفت: طبق قانون سال ۱۳۴۷ تاکنون هر معلمی که در منطقه هفت تپه مشغول به کار می شد در یکی از خانه های زیر نظر شرکت کشت و صنعت هفت تپه سکونت می کرد.

اخیراً شرکت کشت و صنعت گفته که فرهنگیان باید این خانه ها را خالی کنند و تا خرداد ماه آینده فرصت دارند تا منازل را تحویل شرکت دهند.

علی حیایوی از دبیران منطقه هفت تپه نیز به نمایندگی از فرهنگیان گفت: مدتی است تحت عنوان اجرای اصل ۴۴ در منطقه صنعتی هفت تپه با تعدادی از فرهنگیان به صورت توهین آمیز و بدور از شأن معلم برخورد می شود.

این دبیر یادآور شد: جالب این که از تعداد ۷۰ خانه ای که در اختیار افراد غیر شرکتی است، کمتر از ۱۰ منزل، آن هم از نوع خانه های کوچک فقط در اختیار فرهنگیان قرار داده شده و جالب تر این که برای هیچکدام از کارکنان دیگر نهادها، نامه یا حکم تخلیه صادر نشده است.

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در بهمن و اسفند ۱۳۹۲

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

بهمن ماه، ۶۳ حرکت اعتراضی

*روز دوشنبه ۳۰ دی، تعدادی از کارکنان کارخانه نساجی کاشان، بعد از به تعویق افتادن ۵۰ ماه معوقه و همچنین اجرایی نشدن وعده‌های مربوط به حق و حقوق بازنشستگی شان مقابل وزارت کار تجمع کردند. به گزارش چهره نیوز، به گفته برخی تجمع کنندگان، تعداد اندکی از مشمولان بازنشستگی، بازنشست شده اند اما بسیاری از آنها هنوز انتظار این اتفاق را می‌کشند.

*کارگران شرکت بین‌المللی کیسون روز دوشنبه ۳۰ دی دست به اعتصاب زدند. به گزارش کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری، کارگران اعتصابی جهت گرفتن پاسخ به دفتر مدیریت می‌روند و مدیران به حمایت از کارفرما کارگران را تهدید می‌کنند. کارگران نیز مدیران را گروگان می‌گیرند تا نماینده کارفرما در جمع شان حضور یابد. با پایان روز کارگران مدیران را رها می‌کنند.

روز سه شنبه ۱ بهمن در حالی که کارگران در اعتصاب به سر می‌بردند، پلیس در محل حاضر می‌شود و با تهدید از کارگران می‌خواهد که به اعتصاب خود پایان دهند. کارگران به پلیس اعلام می‌کنند تا دستمزد خود را دریافت نمایند به اعتصاب خود ادامه می‌دهند. ساعتی پس از آن محوطه تجمع کارگران توسط پلیس گارد ویژه به محاصره در می‌آید و شروع به دستگیری کارگران اعتصابی می‌کنند. کارگران نیز در دفاع از خود با گارد ویژه درگیر می‌شوند که این درگیری تا شب همچنان ادامه می‌یابد.

*کارگران پتروشیمی فجر در روز سه شنبه ۱ بهمن، در اعتراض به تصمیم پیمانکار مبنی بر جلوگیری از ورود یکی از نمایندگان صنفی کارگران به کارخانه دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایلنا، آقای رضایی به دلیل مصاحبه با رسانه‌های رسمی کشور و اطلاع رسانی در خصوص شرایط نامناسب کارگران ممنوع‌الورود شده است. اعتصاب کارگران پتروشیمی فجر برای دومین روز متوالی ادامه پیدا کرد.

*به گزارش ایلنا، روز سه شنبه ۱ بهمن، بیش از ۴۰۰ کارگر کارخانه ایران تیر در اعتراض به اخراج ۸۰ تن از همکاران شان تولید را متوقف کرده و در مقابل درب ورودی کارخانه (واقع در کیلومتر ۵ جاده مخصوص کرج) تجمع کردند. این حرکت اعتراضی کارگران در روز چهارشنبه ۲ بهمن ادامه پیدا کرد.

*به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران پلی‌اکریل اصفهان در اعتراض به ادامه اجرای سیاست کوچک سازی کارخانه و بازداشت موقت همکاران شان، عصر روز چهارشنبه ۲ بهمن در محوطه کارخانه تجمع کردند. عمده سهام کارخانه ایران تیر (جنرال تیر سابق) متعلق به بنیاد مستضعفان است.

*به گزارش سازمان مجاهدین خلق، کارگران ساختمانی پروژه مسکن مهر در شهرستان سقز در استان کردستان، روز پنجشنبه ۳ بهمن در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق عقب افتاده تجمع کردند و خساراتی به آپارتمانهای مسکن مهر (فاز ۱ و فاز ۲) وارد کردند.

*کارگران پتروشیمی فجر برای چهارمین روز متوالی در اعتراض به جلوگیری از ورود نماینده شان در روز شنبه ۵ بهمن دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایلنا، کارگران پیمانی این شرکت معتقدند کارفرما و پیمانکار پتروشیمی فجر تلاش می‌کنند با فشار به نماینده صنفی شان، از اطلاع رسانی سایر کارگران پیرامون مشکلات صنفی شان جلوگیری کنند.

*تعدادی از کارگران سیمان لوشان روز شنبه ۵ بهمن در مقابل درب این کارخانه اجتماع کردند و با آتش زدن لاستیک مراتب اعتراض خود رو به مسئولان شهرستان ابراز کردند. در این حرکت اعتراضی ۵ تن از کارگران بازداشت شدند. به گزارش فیس بوک سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، کارگران در روز یکشنبه ۶ بهمن در مقابل فرمانداری شهرستان رودبار تحصن کردند.

۶۷ درصد سهام سیمان لوشان متعلق به بنیاد مستضعفان و ۲۳ درصد متعلق به بیمه سلامت (خدمات درمانی) است.

*روز شنبه ۵ بهمن، دو هزار تن از کارگران بیکار در اصفهان در مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند. به گزارش سایت دانشجوی، این کارگران در پی تعطیلی کارخانه‌ها به خاطر آلودگی هوای اصفهان بیکار شده‌اند.

*اعتراض کارگران ایران تایر (لاستیک سازی البرز) به اخراج همکاران شان در روز شنبه ۵ بهمن وارد ششمین روز شد. به گزارش ایلنا، مدیران کارخانه به بهانه کمبود منابع مالی و مواد اولیه تولید تصمیم گرفته‌اند تا پایان سال در چندین مرحله تعداد زیادی از کارگران خود را اخراج کند. کارگران با برپایی چند تجمع تمام تلاش خود را برای منصرف کردن کارفرما از اخراج همکاران خود انجام دادند و این تلاش همچنان ادامه دارد.

*به گزارش خبرگزاری مجلس، جمعی از کارگران رسمی گروه مادیران که به دلیل اخراج غیر قانونی بیکار شده‌اند روز صبح یکشنبه ۶ بهمن ماه مقابل درب مجلس تجمع کردند و خواستار رسیدگی مسئولان به این امر شدند.

*به گزارش ایلنا، روز یکشنبه ۶ بهمن، جمعی از بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش تهران در اعتراض به اجرا نشدن بخشی از مواد حمایتی فصل دهم قانون خدمات کشوری در مورد افزایش حقوق و مزایا، در مقابل درب شمالی ساختمان مجلس تجمع کردند.

*به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، به دنبال اعتصاب کارگران پتروشیمی فراورش در مجتمع پتروشیمی بندر امام در روز شنبه ۵ بهمن که با خواست افزایش ۲۲ درصدی مزد (قبل از اعلام حداقل مزد سال آینده) صورت گرفت و روز یکشنبه ۶ بهمن نیز ادامه داشت، صبح روز یکشنبه کارگران موفق به دستیابی به خواسته‌های خود شدند و متن توافقنامه به طور رسمی به امضای طرفین رسید.

*جمعی از کارگران قرار دادی و روز مزد کارخانه ایران تایر در اعتراض به تصمیم کارفرما مبنی بر اخراج کارگران روزمزدی، روز یکشنبه ۶ بهمن برای هفتمین روز متوالی دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، کارگران سه شیفت شاغل در خطوط تولید این کارخانه در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و اخراج همکاران شان دست از کار کشیده‌اند که این اعتراضات از صبح روز یکشنبه با اخراج ۱۳۰ کارگر دیگر وارد مرحله جدیدی شد.

*روز یکشنبه ۶ بهمن تعداد زیادی از کارگران شرکتهای سایا و قطران و نسوز از ذوب آهن اصفهان با دادن شعار؛ روحانی روحانی خجالت، در مقابل اداره کار اصفهان تجمع کردند. به گزارش ایران کارگر، این کارگران در حال حاضر بیش از ۲۲ سال سابقه

کار دارند در حالیکه طبق قانون، چون کارشان سخت و زیان آور است باید با ۲۰ سال سابقه کار بازنشسته شوند.

*روز دوشنبه ۷ بهمن جمعی از کارگران کارخانه یخچال سازی «ایران پویا» در اعتراض به مشخص نبودن ۳ درصد از سهام ۲ هزار کارگر این کارخانه در مقابل درب ورودی این کارخانه دست به تجمع زدند.
*به گزارش ایلنا، ایران پویا دارای دو بخش تولیدی شامل تولید لوازم خانگی و سازنده پروفیل‌های آلومینیومی است که کارخانه آلومینیوم آن هم اکنون با ۱۰۰ کارگر فعال است.

*جمعی از کارگران سیمان آبیگ در روز دوشنبه ۷ بهمن در اعتراض به عدم توجه کارفرمای کارخانه به اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل و بازنگری حقوق و سایر مزایای قانونی در مقابل ساختمان اداری کارخانه تجمع کردند.
به گزارش ایلنا، تعداد کارگران شاغل در این کارخانه حدود ۴۰۰ تن است.

*روز دوشنبه ۷ بهمن، کارگران ماشین آلات صنعتی تراکتور سازی ایران با تجمع در مقابل استانداری آذربایجان شرقی خواستار پاسخگویی مسئولان ارشد استانی برای رفع مشکلات کارگران این واحد تولیدی شدند.
به گزارش ایلنا، پیش از این و طی ۸ ماه گذشته کارگران این واحد تولیدی برای تحقق مطالبات و عدم پرداخت حقوق، چهار بار در مقابل استانداری آذربایجان شرقی، یک بار مقابل دفتر امام جمعه تبریز، یک بار مقابل سازمان تجارت، صنعت و معدن، یک بار هم مقابل دروازه شماره سه مجتمع تراکتور سازی ایران تجمع کرده بودند.

*اعتصاب روز سه شنبه ۸ بهمن کارگران معدن چادرملو در اعتراض به حکم هیات تشخیص اداره کار اردکان مبنی بر اخراج همکار شان به دلیل تحریک کارگران به اعتصاب و بی نظمی، دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایلنا، کارگران پیمانی معدن چادرملو در اعتراض به حکم هیات تشخیص اداره کار اردکان مبنی بر اخراج بهرام حسنی نژاد یکی از کارگران شرکت آسفالت طوس (پیمانکار معدن چادرملو) دست از کار کشیدند.

*روز سه شنبه ۸ بهمن، کارگران اخراجی معدن زغال سنگ ملج آرام (شرکت شمال شرق) در مقابل اداره کار و رفاه شهرستان رامیان دست به تجمع زدند. به گزارش ساجدنیوز، این کارگران خواستار احقاق حقوق و پرداخت مطالبات معوقه خود و پیگیری نحوه انعقاد قرارداد و همچنین تعیین تکلیف مبنی بر عدم درج عنوان شغلی در لیستهای بیمه تنظیمی از سوی شرکت شمال شرق و در خواست کارشناسی مجدد در خصوص مجوز بازگشایی دهانه تونل جدید جهت بهره برداری و ایجاد کار جدید جهت تنظیم آینده شغلی بودند.

*به گزارش برنا، روز سه شنبه ۸ بهمن، تعدادی از کارگران کارخانه قند لرستان در نامه ای به معاون وزیر کار و امور اجتماعی، خواستار رفع مشکلات خود از جمله نداشتن تعاونی، سرویس ایاب و ذهاب، سالن غذاخوری، عدم پرداخت حق اضافه تولید، نداشتن آمبولانس و... شدند.

*تعدادی از کارگران فولاد زاگرس صبح روز چهارشنبه ۹ بهمن در اعتراض به تعویق هفت ماهه در پرداخت حقوق شان در مقابل فرمانداری شهرستان قروه تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، مدیر روابط عمومی فرمانداری قروه، علت تجمع کارگران فولاد زاگرس را معوقات چندین ماهه آنها عنوان کرد. بخشی از سهام معدن سنگ آهن «یاسوکند» به سهامداران فولاد زاگرس تعلق دارد و آنها ترجیح می‌دهند به جای راه اندازی مجدد کارخانه، مواد خام اولیه را بفروشند.

*روز چهارشنبه ۹ بهمن، تعدادی از کارگران معدن چادرملو به دلیل شکایت کارفرما بازداشت شدند. به گزارش ایلنا، مدیرعامل مجتمع سنگ آهن چادرملو از طریق قوه قضاییه علیه تعدادی از کارگران شکایت کرده است. تعدادی از نمایندگان کارگری در انجمن صنفی کارگران شرکت آسفالت طوس (پیمانکار نیروی انسانی معدن چادرملو) از جمله آقایان «علی همت چراغی»، «مهدی مظفری»، «ناصر شیخی»، «مسلم غنی‌زاده»، «بهرام حسنی‌نژاد» و «احمدپور جنائی» در میان بازداشتیها قرار دارند.

چهار تن دیگر از کارگران با نامهای «رامین حیدر جان»، «بهزاد طالب‌پور»، «محمود دهقان» و «احمد نصیرپور» نیز در محل کارخانه و در جمع کارگران متحصن بازداشت شدند.

*روز شنبه ۱۲ بهمن دهها تن از کارگران کارخانه روغن نباتی جهان در مقابل ساختمان استانداری رژیم در شهر زنجان تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش سایت پیام، این کارگران به نحوه اداره کارخانه و همچنین عدم پرداخت حقوق و مزایای خود توسط مالک جدید این کارخانه اعتراض داشتند. به گفته یکی از کارگران معترض پس از واگذاری این کارخانه به بخش خصوصی، وضعیت کاری کارگران از نظر حقوق و مزایا بدتر شده است.

*بعد از ظهر روز شنبه ۱۲ بهمن تعدادی از کارگران روغن نباتی جهان که تازگی به بخش خصوصی واگذار شده است، مقابل استانداری زنجان تجمع کردند. به گزارش فارس، این کارگران به نحوه اداره کارخانه و همچنین پرداخت حقوق و مزایای خود توسط مالک جدید این کارخانه اعتراض داشتند.

*روز شنبه ۱۲ بهمن جمعی از کارگران شرکت کوله‌پیم سقز در اعتراض به ۶ ماه حقوق معوقه خود به تجمع اعتراضی مقابل دفتر شرکت در سقز پرداختند. به گزارش ایران کارگر، مدیریت این شرکت تاکنون ۱۶ تن از کارگران معترض این شرکت را به خاطر اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق از کار اخراج کرده است. شرکت کوله‌پیم از شرکتهای وابسته به سپاه پاسداران است که در چند سال گذشته پروژه سد سازی را در منطقه مریوان و سقز در دست دارد.

*روز یکشنبه ۱۳ بهمن، برای دومین روز متوالی کارگران نساجی کاشان در مقابل وزارت کار تجمع کردند. به گزارش ایلنا، بخش قابل توجهی از کارگران این واحد تولیدی به دلیل سخت‌گیری‌های سازمان تامین اجتماعی نمی‌توانند از بازنشستگی تحت قانون مشاغل سخت و زیان‌آور استفاده کنند. اجتماع دو روزه کارگران نساجی کاشان در مقابل وزارت کار، یکشنبه شب با قول مساعد وزیر کار و مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی خاتمه یافت.

*تجمع و اعتراض کارگران معدن چادرملو یزد در روز دوشنبه ۱۴ بهمن ادامه یافت. به گزارش ایران کارگر، کارگران در تجمع اعتراضی خود خواستار توقف دستگیری کارگران معترض و نیز آزادی کارگران دستگیر شده شدند. یک فعال کارگری در این خصوص گفت؛ از شنبه ۱۲ تا دوشنبه ۱۴ بهمن ۴ تن دیگر از کارگران معترض و زحمتکش را دستگیر کردند. به این ترتیب تعداد کارگران دستگیر شده تا کنون به ۲۸ نفر رسیده است.

*کارگران شرکت تبریز کف روز دوشنبه ۱۴ بهمن در مقابل ساختمان استانداری آذربایجان شرقی در اعتراض به عدم پرداخت ۲۸ ماه حقوق خود تجمع کردند. به گزارش ایسنا، این کارگران با حمل پلاکاردهایی خواستار رسیدگی مسئولان ارشد استانی به مشکلات خود شدند. کارگران این کارخانه در ادامه حرکت اعتراضی خود روز پنجشنبه ۱۷ بهمن برای چندمین بار مقابل استانداری اجتماع کردند. نیروهای انتظامی به تجمع این کارگران معترض حمله کرده و چند کارگر زخمی شدند.

*عصر روز دو شنبه ۱۴ بهمن، ۲۷ تن از کارگران معدن چادرملو آزاد شدند. به گزارش ایلنا، از مجموع ۲۸ کارگر بازداشتی معدن چادرملو که به تدریج از روز چهارشنبه ۹ بهمن تا شنبه ۱۲ بهمن به پلیس امنیت اردکان احضار و سپس بازداشت شده بودند، ۲۷ تن عصر روز دوشنبه آزاد شدند. براساس این گزارش، ۲ هزار کارگر معدن چادرملو که روز دوشنبه ۱۴ بهمن نیز همچون روزهای گذشته دست از کار کشیده بودند، همزمان با آزادی کارگران و وعده آزادی یکی دیگر از همکاران شان به اعتصاب شان پایان دادند.

*کارگران آگاهان نیرو در اعتراض به تاخیر در پرداخت مطالبات قانونی خود در روز یکشنبه ۱۳ بهمن در مقابل دفتر مجموعه برق تهران در میدان شهدا تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران شرکت پیمانکاری آگاهان نیرو (طرف همکاری شرکت برق تهران) از تاخیر در پرداخت مطالبات قانونی شان خبر دادند و یکی از کارگران شرکت آگاهان نیرو گفت؛ این مجموعه ۴۵ کارگر دارد که حقوق و دستمزد همگی آنها از آذر ماه سال گذشته به صورت نامرتب پرداخت شده است.



*به گزارش سازمان مجاهدین خلق ایران، کارگران متروی اهواز در اعتراض به پرداخت نشدن ۴ ماه حقوق عقب افتاده روز سه شنبه ۱۵ بهمن اعتصاب کردند.

*جمعی از کارگران شرکت متانول کاوه دیر در روز پنجشنبه ۱۷ بهمن با حضور دسته جمعی در جلسه پرسش و پاسخ اعضای شورای شهر نسبت به عدم حمایت شرکت و اداره کار

دیر از نیروی بومی، کم بودن دستمزد خود و رعایت نکردن قانون کار اعتراض کردند. به گزارش فارس، نماینده این کارگران گفت؛ اداره کار دیر هیچ گونه حمایتی از ما نمی کند و در شرکت ما قانون کار رعایت نمی شود. شرکت متانول کاوه ۹ سال پیش توسط موسوی لاری وزیر وقت کشور کلنگ زنی شد و متعلق به بخش خصوصی است که با گذشت سالها از کلنگ زنی هنوز به بهره برداری نرسیده است.

*روز پنجشنبه ۱۷ بهمن کارگران سد گتوند در شهرستان شوشتر به علت عدم پرداخت حقوق و حق بیمه شان دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایران کارگر، کارگران در ساعت ۸ صبح در محل پروژه تجمع کردند و خواستار پرداخت حقوق و حق بیمه عقب افتاده خود شدند ولی هیچ مسئولی پاسخگوی آنها نبود و کارگران اعلام کردند که تا پرداخت حقوقشان به اعتصاب خود ادامه می دهند.

*به گزارش ایران کارگر، کارگران شرکت حفاری دانا ژئوفیزیک ۲ در شهر گرگان در استان گلستان صبح روز یکشنبه ۲۰ بهمن در اعتراض به پرداخت نشدن حقوقشان دست به اعتصاب زدند.

*کارکنان شرکت کیسون در روز دوشنبه ۲۱ بهمن در برابر ساختمان مدیریت این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش سایت پیام، به دنبال عدم پرداخت حقوق کارکنان و پیمانکاران کوچک از تیرماه تاکنون و پس از چند تجمع و اعتراض کوتاه و بی نتیجه پیمانکاران فوق، بار دیگر در روز دوشنبه تجمع اعتراض آمیزی با همکاری و هماهنگی کارکنان شرکت کیسون، مجری پروژه ساخت ۱۶ هزار واحد مسکونی شهر جدید پرند و کارگران پیمانکار برگزار شد. در پی این تجمع، رئیس جدید پروژه، تجمع کنندگان را تهدید کرد چنانچه پراکنده نشوند، همه را اخراج خواهد کرد. اما وی وقتی با ایستادگی کارکنان و پیمانکاران روبرو شد، مجبور گردید قول پرداخت بخشی از حقوق معوقه را تا پایان بهمن ۹۲ دهد. با این عقب نشینی، کارکنان جان به لب رسیده به محل کار خود بازگشتند.

*روز دوشنبه ۲۱ بهمن جمعی از کشاورزان منطقه شوش در مقابل اداره خدمات کشاورزی تجمع کرده و نسبت به کمبود کود شیمیایی اعتراض داشتند. به گزارش ایران کارگر، این اعتراض کشاورزان باعث شد که رئیس خدمات کشاورزی شخصاً در جمع معترضان حضور پیدا کرده و اعلام کند که به علت تحریم، کشور با کمبود کود شیمیایی مواجه شده است.

*صبح روز چهارشنبه ۲۳ بهمن بیش تعدادی از رفتگران شهرداری تهران به دلیل پرداختن نشدن اضافه کاریهای عقب افتاده و عدم تعلق بن کارگری به آنها در مقابل شهرداریهای مناطق ۱، ۵ و ۲۲ تجمع کردند. به گزارش ایران کارگر، مسئولان شهرداریها در پاسخ به این رفتگران شهرداری گفتند موارد عقب افتاده کارگران همراه با عیدی تا پایان بهمن ماه و اوایل اسفند پرداخت خواهد شد ولی کارگران قبول نکردند و اعلام کردند که تاکنون وعده و وعیدهای زیادی به ما شده و عمل نشده است و ما تا زمان پرداخت معوقه مان به اعتصاب خود ادامه خواهیم داد.

*تعدادی از کارگران شرکت «سانا» که در حال احداث سد «داریان» هستند در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای ۸ ماه گذشته دست به اعتصاب زدند.

به گزارش روز سه شنبه ۲۲ بهمن گردپا، کارگران این شرکت ضمن ابراز نارضایتی به شرایط بوجود آمده، در مقابل دفتر شرکت تجمع کرده و خواهان رسیدگی ب ۵ وضعیت مالی خود شدند.

ساخت سد داریان از سوی فعالان محیط زیست نیز مورد انتقاد شدید قرار گرفته و نسبت به عواقب آبیگری سد هشدار می دهند.

در صورت آبیگری سد داریان ۴۴٪ از مراتع طبیعی پشت سد و چندین روستای تاریخی - مذهبی و گردشگری نظیر «هجیج» نابود خواهد شد.

سد انحرافی «هیروی» روی رودخانه سیروان و در ۱۰ کیلومتری شهر نوسود قرار دارد.

*روز چهارشنبه ۲۳ بهمن کارگران شرکت کیا احسان سازنده ماشین آلات محصولات غذایی در شهرک صنعتی ارومیه دست به اعتصاب و اعتراض زدند. به گزارش ایران کارگر، کارگران این کارخانه به دلیل عدم پرداخت حقوق شان و نداشتن سرویس برای رفت و آمد اعتراض داشتند. در سال ۱۳۹۲ این چندمین بار است که کارگران نسبت به عدم پرداخت حقوق خود دست به اعتصاب زدند.

*صبح روز چهارشنبه ۲۳ بهمن کارگران کارخانه سیمان دهلران نسبت به عدم پرداخت حقوق معوقه و پرداخت نشدن حق بیمه شان در مقابل اداره کار دهلران تجمع اعتراضی کردند. به گزارش ایران کارگر، کارگران کارخانه سیمان دهلران به دنبال اعصابهای مکرری که در ماههای گذشته داشتند به بی اعتنایی مسئولان امر و عدم رسیدگی به خواسته هایشان اعتراض داشتند.

*روز پنجشنبه ۲۴ بهمن کارگران شرکت ملی نفت مسجد سلیمان و شرکت نفت گچساران در داخل شرکت تجمع برگزار کردند. به گزارش ایران کارگر، کارگران نسبت به پخش فیلم سرزمین کهن که توهین به ایل بختیاری است به صدا و سیما اعتراض داشتند و یک روز کار را تعطیل کردند. به دنبال اقدام شجاعانه کارگران، مدیر پروژه در شرکت، کارگران را به سه روز کسری حقوق جریمه کرد.

*روز شنبه ۲۶ بهمن کارگران کارخانه سیمان لوشان در مقابل ساختمان این شرکت تجمع کرده و خواهان مطالبات معوقه و بازگشت به کار خود شدند.

به گزارش وبسایت همبستگی ملی، کارخانه سیمان لوشان اخیراً به طور کامل تعطیل و بیش از ۵۰۰ کارگر آن اخراج شدند.

*روز شنبه ۲۶ بهمن، تعدادی از کارگران مجموعه ورزشی آزادی به دلیل مطالبات شان مقابل وزارت ورزش و جوانان تحسن کردند. به گزارش فارس، این در حالی است که توفیق کابلی مدیر مجموعه ورزشی آزادی در گفت و گو با خبرنگار ورزشی خبرگزاری فارس، این موضوع را تکذیب کرد و گفت؛ هیچ مشکلی در این زمینه وجود ندارد و من نمی دانم این حرفها از کجا آمده است و من هیچ اطلاعی در این خصوص ندارم.

*روز یکشنبه ۲۷ بهمن جمعی از کارگران اخراجی «ال ان جی» شهر کنگان با مراجعه به فرمانداری رژیم نسبت به اخراج سازهها در این شرکت اعتراض نمودند.
به گزارش پیام، فرمانداری رژیم در شهرستان زیر فشار اعتراض کارگران ناچار شد تا با بالاترین مقام اجرایی شرکت مزبور که مدیرعامل آن در تهران است مکاتبه نموده و خواهان بازگشت این کارگران به کار شود.

*روز یکشنبه ۲۷ بهمن کارگران «شرکت دی» واقع در «شورآباد کهریزک» در تهران در اعتراض به دستمزدهای معوقه خود دست به اعتصاب زدند. به گزارش سایت پیام این اعتصاب که روز شنبه ۲۶ بهمن شروع شد. قبل از این حرکت اعتراضی مسئولان مربوطه با دادن وعده های توخالی تلاش کردند تا کارگران را از انجام اعتصاب باز دارند،

*تعدادی از کارکنان شرکت مترو در روز یکشنبه ۲۷ بهمن در مقابل درب ساختمان اداری این شرکت تجمع کردند. به گزارش دانا، تجمع کنندگان که روی سکوهای مقابل ساختمان مترو در چهارراه کالج ایستاده بودند دقایقی بعد از شروع تجمع متفرق شدند.

*روز سه شنبه ۲۹ بهمن کارگران مترو به دلیل پرداخت نشدن حقوق و حق بیمه خود در مقابل ساختمان مرکزی شرکت راه آهن شهری تهران و حومه تجمع کردند.
به گزارش ایرنا، این تجمع از ساعت ۱۱ صبح به مدت ۲ ساعت در مقابل ساختمان مرکزی شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) به طول انجامید.

*صبح روز چهارشنبه ۳۰ بهمن، تعدادی از پرستاران بیمارستان خمینی به دلیل بی توجهی مسئولان بیمارستان نسبت به مطالبات صنفی شان، در حیات این بیمارستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، خواسته پرستاران بیمارستان خمینی اصلاح سیستم پرداخت کارانه و اجرای تعرفه گذاری خدمات پرستاری توسط وزارت بهداشت است.

اسفند ماه ۱۳۹۲، ۵۳ حرکت اعتراضی

*صبح روز پنجشنبه ۱ اسفند، کارگران شهرداری قلعه گنج در پی عقب افتادن حقوق آنها به مدت ۹ ماه در محل موتورخانه شهرداری این شهر تجمع کردند. به گزارش فارس، یکی از کارگران شهرداری قلعه گنج به گفت: از اردیبهشت سال ۹۲ حقوق نگرفته و در طول این مدت فقط ۳۰۰ هزار تومان علی الحساب گرفته ام، سه سال است کار می کنم، اما هنوز بیمه نیستم و این سرگردانی موجب مشکلات خانوادگی شدیدی برایم شده و گاهی فرزندانم سر گرسنه بر زمین می گذارند.

*روز شنبه ۳ اسفند، تعدادی از بانوان آرایشگر کامیارانی نسبت به عدم حداقلی حمایت دولتی از این صنف و کم توجهی به بیمه آنان تجمع اعتراض آمیزی برگزار کردند. به گزارش فارس، در کامیاران بالغ بر ۹۷ آرایشگاه دارای جواز کسب و بیش از ۱۵ آرایشگاه فاقد جواز کسب در حال فعالیت هستند. اکثر آرایشگران این شهر یا سرپرست خانوار بوده و یا مطلقه هستند که این شغل منبع درآمدی آنها است. از میان ۹۷ آرایشگر در حال فعالیت، تنها ۳ تن بیمه هستند.

*تعدادی از کارکنان رسمی راه آهن در روز یکشنبه ۴ اسفند با تجمع مقابل مجلس خواستار انتقال به شرکت راه آهن که به صورت اجباری به جای دیگری منتقل شده بودند، شدند. به گزارش ایسنا، این افراد با تجمع مقابل مجلس درخواست داشتند که به محل اصلی خدمتشان منتقل شوند.

*روز یکشنبه ۴ اسفند، هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی همراه با جمعی از کارگران با تجمع در محل وزارت کار خواهان پاسخ وزیر کار به خواسته‌های شان شدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی چهل هزار نفری کارگران پیش از این در سوم آذر سال جاری نیز تلاش کردند با برگزاری تجمع با مشارکت صدها کارگر از کارخانه های مختلف تهران نسبت به بی توجهی وزارت کار به خواسته‌های شان اعتراض کنند اما با تعرض پلیس امنیت که پیشاپیش در محل مستقر شده بود مواجه شدند.

*روز یکشنبه ۴ اسفند، دهها تن از کارگزاران مخابرات روستایی استان کرمانشاه مقابل استانداری کرمانشاه تجمع کردند. به گزارش کرمانشاه پست، نماینده تجمع کنندگان گفت؛ ما تاکنون از مزایای یک کارگر ساده نیز برخوردار نبوده ایم. ما خواستار بیمه مطابق قانون کار و انعقاد قرارداد مستقیم مطابق قانون مصوب مجلس شورای اسلامی هستیم.

*شماری از کارگزاران دفاتر «آی سی تی» روستایی خراسان شمالی روز یکشنبه ۴ اسفند در مقابل شرکت مخابرات این استان در بجنورد تجمع کردند. به گزارش ایرنا، تجمع کنندگان معترض درخواست اجرای مصوبه سال ۸۶ مجلس شورای اسلامی در خصوص قراردادی شدن و پوشش بیمه ای خود را داشتند.

*به گزارش روز یکشنبه ۴ اسفند خبرگزاری مجلس، تعدادی از اهالی شهرک زیتون در حوالی منطقه سرخه حصار تهران در اعتراض به عدم صدور مجوز ساخت و ساز در این منطقه پس از سی سال، در برابر مجلس تجمع کردند. این تجمع منجر به بسته شدن خیابان مقابل درب شمالی مجلس و ایجاد ترافیک سنگین شد.

*روز یکشنبه ۴ اسفند، رانندگان تاکسی در اشنویه به دلیل بی توجهی شهرداری، دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش گُردپا، یکی از رانندگان تاکسی گفت؛ جایگاه گاز «سی.ان.جی» علاوه بر اینکه روزانه با مشکل مواجه است، هر روز نیز شاهد افزایش نرخ چنین گازی در سطح شهر و جایگاههای آن هستیم.

*به گزارش سازمان مجاهدین خلق، جمعی از کارگران کارخانه راهان پارس در سَنَدج در روز یکشنبه ۴ اسفند در اعتراض به اخراج از این کارخانه در مقابل استانداری تجمع کردند.

*تعدادی از کارکنان باسابقه پتروشیمی اصفهان در اعتراض به مبهم بودن رابطه استخدامی خود با وزارت نفت پس از خصوصی سازی و پرداختهای آنها به صندوق بازنشستگی نفت، روز دوشنبه ۵ اسفند در مقابل وزارت نفت تجمع کردند. به گزارش فارس، نمایندگان این کارکنان می گویند علیرغم آنکه رابطه استخدامی آنها پیش از خصوصی سازی با وزارت نفت رابطه استخدامی مستقیم بوده است و کارکنان رسمی نفت محسوب می شده اند، اما پس از خصوصی سازی این شرکت،

به دلیل آنکه این خصوصی سازی پیش از اجرای قانون سیاستهای کلی اصل ۴۴ انجام شده است، وضعیت استخدامی آنها در حال حاضر در ابهام و نامشخص است و کسی مسئولیت این مساله را بر عهده نمی گیرد.

*به گزارش ایران کارگر، شماری از کارگران و کارمندان بازنشسته صنایع فولاد سنگرود در رودبار روز دوشنبه ۵ اسفند در مقابل اداره بازنشستگی و سپس فرمانداری رژیم در رودبار تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواهان مطالبات عقب افتاده خود شدند.

*به گزارش ایران کارگر، روز دوشنبه ۵ اسفند، جمعی از کارگران اخراجی شرکت پونل در اعتراض به اخراج از کار و عدم پرداخت مطالبات خود از طرف شرکت و همچنین سردوانده شدن بین ارگانهای مختلف، مقابل شرکت و سپس در مقابل دادسرای پاکدشت واقع در خیابان معلم در تهران تجمع و اعتراض کردند.

*به گزارش سایت بهار ایران، کارگران شهرداری کرمانشاه روز دوشنبه ۵ اسفند در مقابل شهرداری مرکزی در میدان غدیر تجمع کردند و به پرداخت نشدن حقوق عقب افتاده اعتراض کردند.

*به گزارش فارس، جمع زیادی از کارمندان انتقالی از کلانشهرها به گیلان به دلیل اجرایی نشدن مصوبه سال ۸۶ دولت در روز سه شنبه ۶ اسفند، در مقابل استانداری این استان تجمع کردند. نماینده این کارکنان گفت؛ امروز در مقابل استانداری گیلان تجمع کردیم تا به تراژدی تلخ این استان که کارمندان انتقالی را تحقیر کردند و پاسخ نمی دهند، پایان دهیم.

*روز چهارشنبه ۷ اسفند کارگران سازمان مدیریت پسماند شهرداری قزوین در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای شان در مقابل شهرداری قزوین تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، در این تجمع، کارگران معترض که دستمزد مربوط به چهار ماه سال جاری و دو ماه از دستمزد سال گذشته آنان از سوی پیمانکاران پرداخت نشده، خواستار دخالت شهرداری در بازپس گیری حقوق ماهانه خود از پیمانکار شدند.

*به گزارش سایت همبستگی ملی، کارگران کارخانه آجر سازی سرمیل گرمسار که از دی ماه تاکنون حقوق پایه خود را دریافت نکرده اند در روز سه شنبه ۷ اسفند، دست به تجمع اعتراضی زده و خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شدند.

*کارگران شرکت جهاد نصر در چالوس در روز پنجشنبه ۸ اسفند، در اعتراض به عدم دریافت ۶ ماه حقوق دست به اعتصاب زده و در جلوی درب کارخانه به نشانه اعتراض تجمع کردند. به گزارش بلاغ، کارگران معترض با قرار دادن خودروهای خود مقابل درهای شرکت، راههای ورودی و خروجی شرکت را مسدود نمودند. یکی از کارگران در اعتراض قصد آتش زدن خود را داشت که سایر کارگران مانع این اقدام وی شدند.

*طلبکاران نمایندگی شرکت سایپا در همدان به منظور پیگیری کلاهبرداری نمایندگی شرکت سایپا در روز پنجشنبه ۸ اسفند در مقابل استانداری همدان تجمع کردند. به گزارش همدان پرس، یکی از این شاکیان گفت؛ افراد کلاهبردار این شرکت دستگیر شدند، اما هنوز پول ماشینهای ما بازگردانده نشده است.



*جمعی از بازنشستگان شرکتهای فولاد و ذوب آهن صبح روز یکشنبه ۱۱ اسفند در اعتراض به عدم پرداخت معوقات خود مقابل ریاست جمهوری تجمع کردند. به گزارش دانا، بازنشستگان نسبت به عدم پرداخت معوقات خود به مسئولان صندوق بازنشستگی اعتراض دارند.

*به گزارش ایسنا، تعدادی از بازنشستگان کارخانه آونگان به خاطر عدم دریافت مطالبات حقوق و سنوات خدمات خود به مدت بیش از سه سال و به مبلغ یک و نیم میلیارد تومان، روز یکشنبه ۱۱ اسفند در مقابل این کارخانه تجمع و اعتراض خود را اعلام کردند.

*تعدادی از کارگران شرکت تعاونی آبداران دشتستان در روز یکشنبه ۱۱ اسفند، در دفتر نماینده دشتستان تجمع کرده و خواستار پرداخت حق و حقوق عقب مانده ی خود شدند. به گزارش اتحاد جنوب، یکی از کارگران ضمن انتقاد از روند پرداخت حق و حقوق کارگران شرکت تعاونی آبداران دشتستان گفت؛ وضعیت پرداخت حقوق شرکت به نحوی است که هر چند ماه یکبار و بعد از تجمعهای اعتراضی که از سوی کارگران صورت می گیرد، مسئولان شرکت مذکور به خود آمده و مقداری از حقوق به تعویق افتاده ی کارگران را پرداخت می نمایند.

*کارکنان آبفای سوسنگرد در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق در روز یکشنبه ۱۱ اسفند در مقابل آب و فاضلاب خوزستان تجمع کردند. به گزارش ایسنا، یکی از کارکنان اداره آب و فاضلاب سوسنگرد گفت؛ بیش از ۱.۵ سال است که شرکت آب و فاضلاب حقوق ما را قطره چکانی می دهد. در چنین شرایطی دیگر انگیزه ای برای کار کردن نداریم. به دنبال این امر مشکلات فراوانی به خصوص در زندگی شخصی ما پیش آمده است.

*روز یکشنبه ۱۱ اسفند، کارگران «آلدا» در دامغان در واکنش به بی توجهی کارفرما به پرداخت معوقات حقوقی کارگران، به نشانه هشدار بیش از نیم ساعت دست از کار کشیده و در محل کار خود تجمع کردند. به گزارش ایلنا، پس از حضور کارفرما در جمع کارگران متحصن و طرح وعده هایی برای حل مشکلات صنفی کارگران، اعتراض صنفی خاتمه یافت.

*روز دوشنبه ۱۲ اسفند، کارگران شرکت راه سازی جهاد نصر واقع در محور سقز -بانه به علت نگرفتن ۶ ماه حقوق معوقه ی خود در محوطه کارگاه دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، این کارگران که طی مراجعات متعدد به دفتر کارفرما برای دریافت حقوق معوقه شان هیچ جوابی دریافت نکرده بودند به شکل دسته جمعی دست به اعتصاب زدند.

*به گزارش سایت همبستگی ملی، روز دوشنبه ۱۲ اسفند جمعی از کارگران کارخانه اطلس گیلان در رشت در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق عقب افتاده در مقابل دفتر کارخانه تجمع کردند.

*حدود ۶۰۰ تن از ناظران گندم در روز دوشنبه ۱۲ اسفند با تجمع در جلوی دفتر معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به عدم اجرای قانون استخدام ناظران گندم اعتراض کردند. به گزارش فارس، بر اساس قانون، ۱۰ هزار ناظر

گندم باید تا سال ۹۳ استخدام شوند، این قانون در ۱۰ اسفند ۸۹ به تصویب رسید و در ۱۲ بهمن سال ۹۰، با اصلاحیه ای مهلت این استخدام تا پایان سال ۹۳ شد.

*روز سه شنبه ۱۳ اسفند، کارگران جهاد نصر شهرهای مختلف خوزستان دست از کار کشیدند و به اهواز رفتند و برای احقاق حقوق خود دست به تجمع اعتراض آمیز زدند. این کارگران ۹ ماه حقوق نگرفته اند. به گزارش ایسنا، یکی از کارگران به نمایندگی از سایرین، اظهار کرد؛ کسانی که اینجا تجمع کرده اند همگی از نیروهای زحمتکش شرکت خدمات مهندسی آب و خاک کشور به کارفرمایی موسسه جهاد نصر هستند که از تیرماه سال ۹۲ تاکنون هیچ‌گونه حقوقی دریافت نکرده اند.

*به گزارش تیتراک، روز سه شنبه ۱۳ اسفند، تعدادی از کارگران یک شرکت مهندسی در ساوجبلاغ به دلیل عدم پرداخت حقوق در مقابل این شرکت تجمع کردند و خواستار پرداخت حقوق عقب افتاده خود شدند.

*روز سه شنبه ۱۳ اسفند، تجمع اعتراض آمیز مردم روستای اسفندان و چندین روستای همجوار کارخانه آراین سینا به دلیل اعتراض به آلودگی زیست محیطی این کارخانه، سبب شد تا جاده فرح آباد به ساری مسدود شود. به گزارش بلاغ، علیرغم مخالفت‌های سازمان محیط زیست و پیگیری‌های مردم ۱۱ روستای مجاور در بخش رودپی شمالی و جنوبی به دلیل گاز ساعت از فعالیت این کارخانه که بنا به گزارش‌های رسمی سازمان محیط زیست ۱۰ هزار برابر خطرناک تر از سم سیانور ارزیابی شده است، فعالیت این کارخانه ادامه دارد. شرکت آراین سینا کارخانه تولید «ام دی اف» در ۱۷ کیلومتری مرکز استان مازندران در منطقه فرح آباد در سال ۸۲ در زمینی به مساحت ۲۴ هکتار احداث شده است که برای ۵۰۰ نیروی بومی و غیربومی در سه شیفت کاری اشتغال ایجاد کرده است.

*به گزارش ایسنا، روز سه شنبه ۱۳ اسفند، دهها تن از مالباختگان پرونده کلاهبرداری ورمی کمپوست که گفته می‌شد تعداد مالباختگان آن به بیش از ۱۲ هزار نفر و حجم کلاهبرداری پرونده به حدود ۴ هزار میلیارد تومان می‌رسد، مقابل وزارت جهاد کشاورزی تجمع کردند و با شعارهایی مانند «مرگ بر دستهای پشت پرده» و «شریفی دزدی می‌کند جهاد حمایت می‌کند» نسبت به پیگیری نشدن پرونده های شان اعتراض و نیز وزارت جهاد کشاورزی را متهم کردند.

*روز چهارشنبه ۱۴ اسفند جمعی از ماماها در مقابل وزارت بهداشت رژیم در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش سایت پیام، این افراد در واکنش به طرح بکارگیری ماماها به جای پرستاران با گذراندن یک دوره یکساله، با در دست داشتن پلاکاردهایی که روی آنها عباراتی همچون «ما ماما هستیم، پرستار نیستیم» و «مامایی پاینده باد» در مقابل ساختمان وزارت بهداشت تجمع کردند.

*بیش از دو هزار تن از کارگران شرکت پتروشیمی گاما که بخشی از فاز ۱۲ عسلویه را شامل می‌شوند، در روزهای چهارشنبه ۱۴ و پنجشنبه ۱۵ اسفند دست به اعتصاب زدند. به گزارش سازمان مجاهدین خلق، این کارگران در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق عقب افتاده خود اعتراض کردند.

*به گزارش ایسنا، کارگران شرکت ساختمان و نصب صنایع پتروشیمی (ECC) که در فاز سه پالایشگاه آبان مسئولیت ساخت سازه های پروژه های صنایع نفت را به عهده دارند، روز شنبه ۱۷ اسفند، در اعتراض به پرداخت نشدن سه ماه حقوق عقب افتاده خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

*کارگر شرکت صابون سازی خرمشهر در روز شنبه ۱۷ اسفند برای چهارمین روز متوالی تجمع کردند و به پرداخت نشدن مطالبات عقب افتاده خود اعتراض کردند. به گزارش سازمان مجاهدین خلق ایران، کارگران می گویند به رغم این مطالبات بیش از یک سال است که در دفترچه بیمه آنها هیچ واریزی انجام نمی شود.

*صبح روز یکشنبه ۱۸ اسفند، تعدادی از کارگران کارخانه شیشه آبگینه قزوین در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق بهمن ماه و حق عیدی در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، بی توجهی به مشکلات معیشتی کارگران در آستانه سال نو، باعث تجمع کارگران شده است.

بنابه همین گزارش، مدیر عامل کارخانه آبگینه، ضمن تایید تعویق حقوق کارگران شاغل در این واحد صنعتی، بدهیهای انباشته این کارخانه را عامل اصلی کمبود منابع مالی و همچنین پرداخت نشدن حقوق کارگران دانست.

*روز یکشنبه ۱۸ اسفند، تعدادی از زارعان، باغداران و دامداران روستای خاکینه از توابع نیارک طارم سفلی در استان قزوین در محوطه دادگستری کل استان قزوین تجمع اعتراض آمیز کردند. به گزارش ایسنا، اعتراض ساکنان این روستا به احکامی بود که توسط دستگاه قضایی استان قزوین علیه کشاورزان صادر شده که منجر به خلع ید آنان از اراضی و مراتع و باغات آنان می شود. یکی از معترضان گفت؛ بیش از ۴۰۰ سال است اجداد ما در مراتع و اراضی این روستا کار کرده اند و هیچ شغلی به جز دامداری، کشاورزی و باغداری نداریم اما چند سالی است فردی به نام (غ - ر) از خوانین منطقه به دستگاه قضایی شکایت کرده و با اخذ رأی خلع ید نسبت به اراضی این روستا ساکنان سالخورده را زندانی می کند و اعتراض و شکوائیه این جمع تاکنون راه به جایی نبرده است. اراضی مورد شکوائیه این روستا حدود دو هزار هکتار است که ۲۳۰ هکتار آن باغات و کشاورزی و الباقی آن مرتع است.

*به گزارش ایران کارگر، جمعی از کارگران کارخانه تراکتور سازی تبریز روز دوشنبه ۱۹ اسفند در اعتراض به حقوق معوقه و پایین بودن دستمزد خود در مقابل این کارخانه تجمع کردند. در این تجمع جمعی از زنان کارگر نیز حضور داشتند و به پایین بودن دستمزد خود اعتراض کرده و خواستار افزایش حقوق پایه کارگران شدند.

*روز چهارشنبه ۲۱ اسفند حدود ۵۰۰ تن از کارگران شاغل و بازنشسته تهرانی در مقابل مجلس رژیم دست به تجمع و اعتراض زدند. به گزارش ایلنا، کارگران دخالت دولت در امور صندوقی که متعلق به کارگران بیمه شده است را عامل ضعف خدمات درمانی این سازمان می دانند. این در حالی است که دولت قصد دارد مداخلات خود را به صورت قانون در آورد.



*روز چهارشنبه ۲۱ اسفند، جمعی از رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با تجمع در مقابل وزارت کار خواستار افزایش واقعی دستمزد بر اساس نرخ تورم شدند. به گزارش سایت سندیکای شرکت واحد، تجمع کنندگان پلاکاردهای مبنی بر «دستمزد عادلانه حق مسلم ماست» را بروی دست بلند کرده بودند. در این تجمع ماموران امنیتی و پلیس مستقر در وزارت کار از همان ابتدا حضور داشتند و در حالی که باران شدیدی می بارید، این تجمع با سخنرانی ابراهیم مددی بدون خشونت پایان یافت.

*به گزارش ایران کارگر، روز چهارشنبه ۲۱ اسفند کارگران کارخانه سیمان ایلام به علت پرداخت نشدن حقوق شان دست به اعتصاب زدند. این کارگران ۴ ماه حقوق

نگرفته اند و به گفته چند نفر از کارگران در شرایط بد مالی هستند و با توجه به نزدیک شدن به عید نوروز هیچ گونه عیدی برای این کارگران در نظر گرفته نشده است.

*به گزارش ایرنا، کارگران شهرداری منطقه یک کرمانشاه (شرکت پیمانکاری نوین) از روز چهارشنبه ۲۱ اسفند تا روز شنبه ۲۴ اسفند، اعتصاب کرده و ماشینهای ویژه حمل زباله به محله باغ نی نرفتند و زباله های این محله جمع آوری نشد.

*کارکنان پتروشیمی ایلام روز شنبه ۲۴ اسفند به علت عدم رعایت حق و حقوق و پرداخت نشدن مطالبات شان تحصن کرده و این تحصن روز یکشنبه ۲۵ اسفند نیز ادامه داشت. به گزارش تابناک، مدیر عامل پتروشیمی ایلام در این مجتمع حضور نداشته و در تهران به سر می برد و تاکنون پاسخگوی اعتراضات کارکنان این مجتمع نبوده است.

*کارگران فولاد زاگرس صبح روز یکشنبه ۲۵ اسفند، در مقابل وزارت کار تجمع اعتراضی برپا کردند. طبق گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران فولاد زاگرس با وجود رای هیات تشخیص و حل اختلاف اداره کار قروه بیش از هشت ماه حقوق معوقه طلب دارند. در این تجمع کارگران شعار می دادند که؛ گرسنه ایم، گرسنه ایم. به گزارش ایلنا، در روز دوشنبه ۲۶ اسفند، ۴ ماه از مجموع ۸ ماه معوقات حقوقی ۲۲۴ کارگر کارخانه «فولاد زاگرس» پرداخت شد.

*به گزارش ایران کارگر، روز دوشنبه ۲۶ اسفند جمعی از کارگران و کارمندان بازنشسته صنایع فولاد سنگرود در مقابل کانون بازنشستگی رودبار دست به تجمع اعتراضی زدند و اعلام کردند که در آستانه عید حتی توان خرید آجیل و یا شیرینی برای سفره هفت سین را ندارند.

پیش به سوی تجمعات خیابانی بر علیه مصوبه مزد شورای عالی کار

دولت تدبیر و امید، میلیونها خانواده کارگری را به فقر مطلق محکوم کرد

امروز جمعه ۲۳ اسفند ماه حداقل مزد کارگران برای سال آینده به میزان بسیار ناچیز ۲۵ درصد افزایش پیدا کرد و وزیر کار طی صحبت‌هایی در جلسه شورای عالی کار تصویب این میزان از حداقل مزد را حاصل اجماع و رای مطلق اعضا و ناظران تشکلهای به اصطلاح کارگری خواند و پیروزمندانه تا آنجا که توانست به مدح بند و بست نماینده های دست ساز کارگری و دولت و کارفرمایان پرداخت. تصویب چنین میزانی از حداقل مزد در شرایطی صورت گرفته است که علاوه بر خالی شدن هر روزه سفره های ما کارگران در طول سالهای گذشته، همین امروز میزان تورم رسمی ۳۶ درصد است و بهای آب و برق به میزان ۲۴ درصد افزایش پیدا کرده است و قرار است از ۱۵ فروردین ماه سال آینده قیمت حاملهای انرژی نزدیک به ۵۰ درصد افزایش پیدا کند که بی تردید باعث افزایش هزینه های زندگی تا صد در صد خواهد شد. تمامی این واقعیات و تحمیل افزایش حداقل مزد به میزان ناچیز ۲۵ درصد، بیش از هر چیزی بیانگر این است که دولت تدبیر و امید نه دولتی برای رفع مشکلات معیشتی ما کارگران و مردم ایران، بلکه تدبیر و امیدی برای حفظ و تضمین سودهای نجومی اقلیت ناچیز سرمایه داران و دولت به عنوان بزرگترین کارفرماست.

هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران هم سال گذشته در بازجویی مقامات امنیتی و هم طی هفته های گذشته در جلسه ای با شرکت معاونین وزارت کار و در جلسه بزرگتری در ۱۹ اسفند ماه که با شرکت نماینده های کارفرمایان و دولت برگزار شد ضمن صحبت‌های کارشناسی اعلام کرده بودند که ما کارگران تن به افزایش چندین درصدی حداقل مزد نخواهیم داد و نسبت به تبعات تصویب چنین حداقل مزدی هشدار داده بودند.

اما با اینهمه و دو سال تلاش ما کارگران حول طومار چهل هزار نفری برای افزایش حداقل مزد، شورای عالی کار چشم در چشم ما کارگران با تصویب افزایش بسیار ناچیز ۲۵ درصدی حداقل مزد، دوشادوش رئیس کانون کارفرمایان ایران قرار

گرفت و همچون وی به ما کارگران اعلام کرد معیشت شما ربطی به ما ندارد و بروید برای گذران زندگی تان به هر درجه بردگی که لازم است تن در دهید.

اما ما کارگران مطابق میل دولت و کارفرمایان تن به هر بردگی و حقارتی نخواهیم داد، ما مبشر زندگی و حیات در جامعه بشری هستیم و با مقاومت و اعتراضات قدرتمندمان نشان خواهیم داد که آوارگی و حقارت شایسته کسانی است که زندگی میلیونها خانواده کارگری را به روز سیاه نشانده اند. بر این اساس، اتحادیه آزاد کارگران ایران همدوش با طومار اعتراضی چهل هزار نفری کارگران اعلام می دارد چنانچه به فوریت و حداکثر تا آخر فروردین ماه سال آینده تجدید نظری در حداقل مزد صورت نگیرد و حداقل مزد بر اساس اجرای بی چون و چرای ماده ۴۱ قانون کار تعیین نشود اقدام به فراخوان تجمعات خیابانی کارگری خواهد کرد و بدیهی است که تبعات امنیتی چنین رویکردی از سوی ما کارگران مستقیماً بر عهده رئیس جمهور به عنوان رئیس دولت و وزیر کار به عنوان رئیس شورایی عالی کار خواهد بود.

اتحادیه آزاد کارگران ایران، هماهنگ کنندگان طومار چهل هزار نفری کارگران، ۲۳ اسفند ماه ۱۳۹۲

گزارش کارگر فلز کار مکانیک از کارخانه نختاب فیروزان تبریز

کارخانه نختاب فیروزان تبریز در سال ۱۳۴۸ تاسیس شد و در حال حاضر در جاده تبریز - تهران واقع است. مالک اولیه شخصی به نام مرتضا خویی که تا شروع انقلاب صاحبش بوده از آن موقع سابقه قطع بیمه کارگران سابقه داشته و بعد از فرار حاج آقا خویی کارخانه بین بانکهای صنعت و معدن و ملی و سپه تقسیم شد که با مدیر عاملی اصلان زاده و بعد هم به مهندس رفوگر شرکت به فعالیت خود ادامه داد و حق و حقوق کارگران را به موقع پرداخت می کردند. بدبختانه به مدیران فوق انگ کمونیستی چسباندند و اخراج شدند. بعد مهندس حبیبی آمد که قبلاً راننده بونکر در قزوین بود و مدیر عامل شد و کارخانه تبدیل به شرکتی ورشکسته شد که همین موضوع منجر به اعتصاب و اعتراض کارگران را برانگیخت. مهندس حبیبی با کارهای عجیب خود منجر به ورشکسته شدن کارخانه گردید. به عنوان نمونه با پولهای بدست آمده از زحمت کارگران به عوض اینکه برای کارخانه خرج کند در آذرشهر مسجد ساخت و برای خودش کارخانه خرید و یا با پرواز ۷ صبح تبریز به تهران برای کلیه هیات مدیره شرکت کله پاچه برای صبحانه می فرستاد. وقتی با اعتراض کارگران مواجه شد با انگ شورش باعث زندانی شدن جمع کثیری از کارگران گردید. بعد از این موضوع یازده شبانه روز کارگران کارخانه اقدام به آتش زدن لاستیک و تجمع در جلوی شرکت کردند. بعد از این حوادث شخصی به نام نیکخواه به همراه شخصی دیگر بنام طبابایی در قبال چهار میلیون پول نقد و بقیه نسبه کارخانه فیروزان را خریدند. آنها مبلغ چهار میلیون را همان اول با فروش چند دستگاه خودرو شرکت پرداخت کردند. در حالی که می توانستند شرکت را به صورت سهام در اختیار کارگران از بابت طلب شان قرار دهند. در همان موقع چندین تن نخ آماده و حوله آماده در انبار موجود بود که فروختند و یک باب حیاط در خیابان ولی عصر بنام شرکت بود که آن را هم فروختند. از آن پس ۹ میلیون یورو وام گرفتند و بعد هم خرد خرد چندین بار میلیاردی وام گرفتند و یک ریال باز پرداخت ندادند. دستگاههای آلمانی را که فعال و سالم بودند به کیلویی صد تومان با تمام تجهیزات به اضافه سه عدد ژنراتور عظیم الجثه و الکترو موتورهی آماده و سیم لاکهای قرقره ای و یک انبار پر از قطعات را به قیمت اندک فروختند و حیف و میل کردند. از بیچاره کارگران از روزی شش هزار تومان حقوق کار کشیدند و حدود سیصد ساعت اضافه کاری کارگران زحمتکش را ندادند و با کمک کارگران دستگاههای لهستانی وارد کردند که اکبند هم نبود. ۱۳ دستگاه آپن انه از چکسلواکی آوردند و حدود ۱۲ دستگاه گرد باف از کره وارد کردند که حدود یکسال است که فعال شده است. از زمان ورود به کارخانه بهره وری - پاداش یک روز شیر و بسیاری از حق و حقوق کارگران را قطع کردند، حتا به یک نمره حمام هم رحم نکردند و از دست کارگران گرفتند. این همه مزایا را قطع کردند تا همه کارگران به آسم و تنگی نفس مبتلا شوند. روزهای محرم را زیارت عاشورا برگزار می کنند و صبحانه و احسان می دهند و هر ماه زیارت امام رضا می روند و ادعا می کنند که امام رضا این شرکت را به من بخشیده . اگر چنین است امام رضا نظری بکند و حق و حقوق کارگران را به موقع بدهد. همین الان بیش از دو ماه است که حقوق ماهانه کارگران عقب افتاده است و پاداش و عیدی را در چند قسط پرداخت می کنند. کار اصلی این آقایان پارچه فروشی است

که بعد از گرفتن وام‌های مربوط به شرکت چندین کارخانه را که حال و روزشان مثل نختاب فیروزان بوده تصرف کرده و خریداری نموده‌اند. الان حدود سه میلیارد به بیمه تامین اجتماعی بدهکارند و حدود یک میلیارد به اداره برق بدهکارند. مبلغ چهار درصد کارگران را پرداخت نمی‌کنند که منجر به تاخیر بازنشستگان می‌شود. خلاصه از بیکاری کارگران سو استفاده کرده با کارگران قرار دادهای غیرقانونی می‌بندند و با اجبار از کارگران امضا می‌گیرند. به کارگران قراردادی حق اولاد، حق غذا، پاداش، سنوات نمی‌دهند و شرایطی می‌بندند که اگر روزی اضافه کاری یک روز غیبت کنید سه روز را از حقوقشان کم می‌کنند و هیچ اضافه کاری را در لیست و فیش حقوق درج نمی‌کنند. آن کسی که انگ کمیونستی گذاشتند، موقع شب کاری با خرما و هندوانه به خط تولید می‌آمد. سود ویژه و بهره وری کارگران قطع نمی‌شد، در حالی که آقایان زیارت عاشورا بخوان، حقوق و مزایای کارگران را به موقع پرداخت نمی‌کنند. حدود سال ۱۳۸۰ که شرکت ورشکسته اعلام گردید و بسته شد کارگران در سالن اجتماعات اداره کار تجمع کردند و تا ساعت ۱۲ شب کلیه کارگران با زن و بچه در سالن بودند که با تهدید و کتک توسط مسوولان اطلاعات و نیروی انتظامی همه را به بیرون هدایت کردند. آقای ژاله رجبی مسؤل وقت اداره کار تبریز قول داد که شما به بیمه بیکاری بروید و ما همه مشکلات شما را حل می‌کنیم. که بعدا زیر قول شان زدند و باعث حق کشی و تاخیر بازنشستگی و اُفت حقوق کارگران گردید. اول سه ماهه اعلام کردند که بعد از ۳۶ ماه به شرکت بازگشتیم. قول داده بودند که ۳ ماه را از بودجه دولت به شما پرداخت می‌کنند که با این حيله ما از بیمه بیکاری سر درآوردیم. در ضمن اداره کار استانداری و فرمانداری و صاحبان و مدیران کارخانه قول داده بودند که هفتاد درصد حقوق کارگران و کارکنان را بیمه اجتماعی پرداخت کند و سی درصد مابقی را کارخانه پرداخت کند.

برادران کارگر بدانید این حال و روز کارگران نختاب فیروزان تبریز است.

گزارشی کوتاه درباره مشکلات زنان کارگر

منبع: ایسنا، شنبه ۵ بهمن ۱۳۹۲

یک آسیب‌شناس گفت؛ ۷۰ درصد از زنان کارگر دچار افسردگی، استرس و اضطراب هستند و دچار پیری زودرس می‌شوند. دکتر مجید ابهری با اشاره به مسائل و مشکلات زنان کارگر، افزود: بسیاری از زنان کارگر سرپرست خانوار نیز هستند، بنابراین باید علاوه بر تربیت فرزندان، مخارج خانواده را هم تامین کنند که در این شرایط با مشکلات آموزشی، بهداشتی و درمانی از سویی، و تورم و گرانی از سوی دیگر روبرو می‌شوند. وی با اشاره به عوارض جسمانی که زنان کارگر به آنها مبتلا می‌شوند، اظهار کرد: بر اساس پژوهش انجمن دفاع از حقوق زنان در سال ۹۰، زنان کارگر دچار پیری زودرس، بیماریهای گوارشی، ریزش مو، بدخوابی، یائسگی زودرس و بیماریهای عصبی می‌شوند.

ابهری با بیان اینکه نوع استخدام بسیاری از زنان کارگر قراردادی یا روزمزد است، تصریح کرد: برخی از کارفرمایان در کارگاهها با پرداخت نکردن حق بیمه، پوشش درمانی را از این زنان دریغ می‌کنند، بنابراین آنان آینده روشنی ندارند؛ چرا که مزایای بازنشستگی و از کارافتادگی شامل حالشان نمی‌شود و در صورت وقوع حادثه، معلوم نیست که چه سرنوشتی پیدا می‌کنند. این پژوهشگر اجتماعی به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیشنهاد داد تا با ایجاد مرکزی مشخص، به وضعیت زنان کارگر و تبدیل امور استخدامی آنان به وضعیت قانونی، بررسی وضعیت بیمه و بازنشستگی این زنان و رسیدگی به فرزندانشان بپردازد.

وی با بیان این که ۲۰ درصد از نیروی کار را زنان کارگر تشکیل می‌دهند، اظهار کرد: این دسته از زنان به علت مسائل فرهنگی توانایی دفاع از حقوق خود را ندارند و مورد تهدید قرار می‌گیرند. آنان در صورت اجرا نشدن قوانین و مقررات مربوط به اشتغال به علت ترس از اخراج درصدد احقاق حقوق خود بر نمی‌آیند و گرنه در قوانین موارد لازم پیش بینی شده است. ابهری در پایان اظهار کرد: متأسفانه بسیاری از کارگاهها مانند کارگاههای قالبیافی قوانین را درست اجرا نمی‌کنند و بر چگونگی اجرای قوانین نظارت نمی‌شود.

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

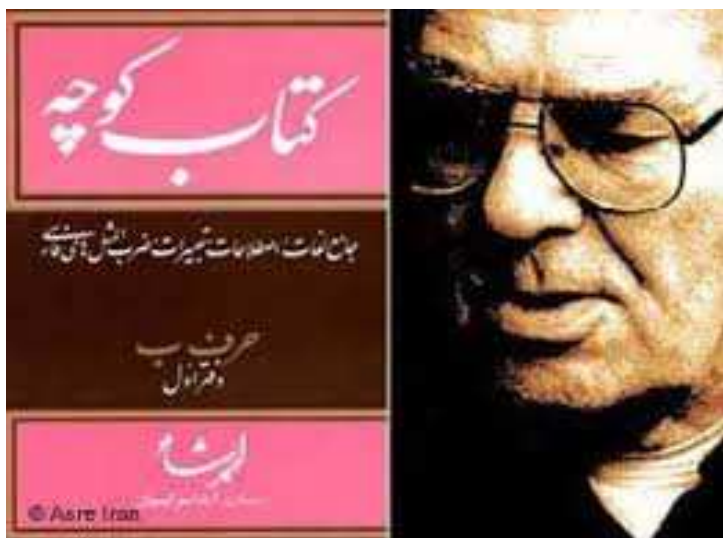
- "اگر روشن نیست کدام گروه، نیرو یا افراد ذی نفوذ در پس پیشنهادات و تدبیرهای مشخصی قرار دارند، باید همیشه این سوال را مطرح کرد که آن پیشنهادات و تدبیرها به چه کسی سود می رسانند" (لنین، ۱۸۷۰ - ۱۹۲۴ - ۱۸۷۰، نظریه پرداز برجسته مارکسیسم، رهبر انقلاب اکتبر روسیه و بنیانگذار نخستین دولت شوراهای)

- "ما در کارخانه هایمان لوازم آرایش تولید می کنیم، روی پیشخوان مغازه اما امید به زیبایی می فروشیم" (چارلز رولون، ۱۹۷۵ - ۱۹۰۶، تولید کننده آمریکایی لوازم آرایشی که بزرگترین شرکت (رولون) در این رشته را در جهان تاسیس کرد)

- "انتقام تاریخ بسا سهمناک تر از هر دبیرکل قدرتمند است. من به جرات می گویم که این حقیقتی تسکین دهنده است" (لئو تروتسکی، ۱۹۴۰ - ۱۸۷۹، نظریه پرداز برجسته مارکسیسم، سازمان دهنده قیام اکتبر، فرمانده ارتش سرخ و جدی ترین مخالف استالین و دیکتاتوری حزبی در صفوف بلشویکها)

کتاب

برای مجوز انتشار " کتاب کوچه " باید بخشهایی حذف شود



مدیر "انتشارات مازیار" می گوید: "جلد دوازدهم "کتاب کوچه" شامل حرف "چ" در ۶۰۰ صفحه تدوین شده و تیرماه سال ۹۱ برای گرفتن مجوز نشر به اداره کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رفته، اما مسوولان وقت اداره کتاب وزارت ارشاد از ما خواستند بخشهایی از کتاب برداشته شود تا مجوزش صادر شود، که ما نپذیرفتیم و کتاب هم منتشر نشد."

بابک کاظمزاده در ادامه افزود: "در پاسخ به مسوولان گفتیم که کتاب "کتاب کوچه" از نامش معلوم است درباره چه چیزهایی است."

وی همچنین گفت، با تغییر مدیریت در وزارت ارشاد هم پس از ماهها هنوز پاسخی به او داده نشده است.

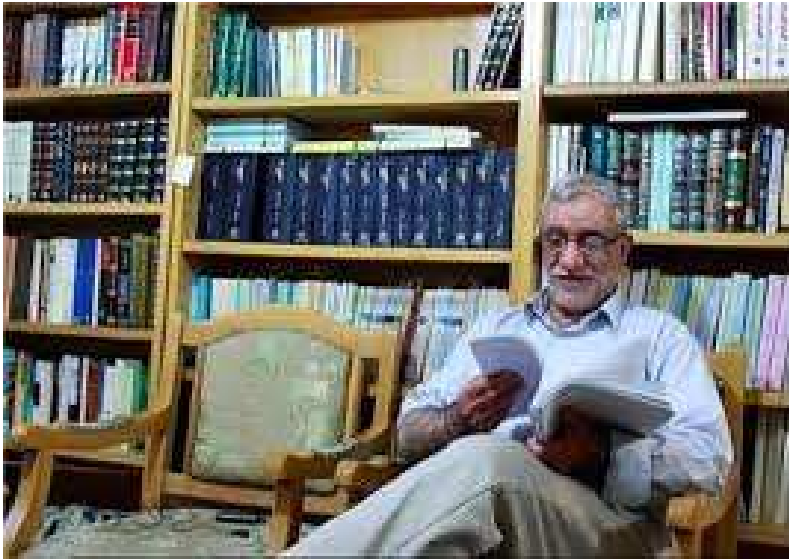
انتشار "کتاب پروسه" ویژه ۸ مارس

"گروه پروسه" ویژه نامه ای به مناسبت ۸ مارس منتشر کرده است که شامل پنج نوشته با تیتراهای زیر می باشد:

- حدیث بی قراری آنان! - مانا هدایت
- فمینیسم سیاه و تقاطع باوری [اینترسکشنالیتی] - شارون اسمیت، برگردان: نیما کوشیار
- پرولترهای پرولترها - سیلوی برایبان، برگردان: مارال س.
- زنان در انقلاب روسیه - لوییز اوشی، برگردان: رها اسدزاده
- رز پزوتا؛ آنارشویست و سازمانده جنبش کارگری در آمریکا - الاین لیدر، برگردان آساره بختیاری

برای دریافت این ویژه نامه، به سایت "گروه پروسه" (www.processgroup.org) مراجعه کنید.

۱۲۰ کتابفروشی کابل به خاطر قانون جدید تعطیل شد



اجمل عازم، رییس اتحادیه ناشران و کتابفروشان افغانستان از تعطیلی بیش از ۱۲۰ کتابفروشی در کابل خبر داد و گفت این کتابفروشیها در پی قانون پرداخت مالیات در تولید، توزیع و فروش کتاب که هفته گذشته تصویب شده است، تعطیل شده اند. در این رابطه، تظاهراتی در یک بازار کابل و ۳۰ کتابفروشی دیگر در نقاط مختلف این شهر صورت گرفته است.

این در حالی است که در اکثر کشورهای دنیا منجمله افغانستان، برای کتاب مالیات گرفته نمی شود، در افغانستان نیز تا یک هفته پیش این چنین بود.

اجمل عازم با اشاره به پایین بودن سرانه مطالعه در افغانستان گفت: "یکی از مشکلات فرهنگ مطالعه در افغانستان، عدم دسترسی مردم به کتاب است، دولت جدید باید در زمینه توزیع کتابهای خوب اقدام کند."

شعر

"ستاره"

سروده ای از شهناز غلامی برای دوستان هممفلس در زندان تبریز در سالهای ۱۳۶۸-۱۳۷۲ برای ستاره تمیزی

بغضی در گلویم.

خنجری در قلبم.

باری توان فرسا بر دوشم.

اشکی بر دیده ام.

و امیدی

همچون سپیده ی سپید

در دلم.

سینما

اسکار بهترین فیلم به "۱۲ سال بردگی" داده شد

شد

در هشتاد و ششمین مراسم دوره اسکار، فیلم "۱۲ سال بردگی" با بازی "برد پیت" و کارگردانی "استیو مک کویین" جایزه اسکار بهترین فیلم را کسب کرد. این فیلم ۲۰ میلیون دلار هزینه داشته است.



"۱۲ سال بردگی" درباره موضوع بردگی در دوره قبل از جنگ داخلی آمریکا است. داستان فیلم نیز برگرفته از قصه واقعی مردی است که برای کار در مزارع ایالت لوئیزیانا، فروخته می شود. فیلم "جاذبه" به کارگردانی "آلفونسو کوارون" نیز بیشترین تعداد از جوایز اسکار را به خود اختصاص داد.

مهمترین جوایز اسکار ۲۰۱۴

- جایزه اسکار برای بهترین فیلم: "استیو مک کوین" (۴۳ ساله و اهل انگلیس) برای فیلم "۱۲ سال بردگی"
- جایزه اسکار برای بهترین بازیگر مرد: "متیو مک کوناهی" برای فیلم "کلوب مشتریان دالاس" (Dallas Bayers Club)
- جایزه اسکار برای بهترین بازیگر زن: "کیت بلانشت" (۴۳ ساله متولد استرالیا) برای فیلم "یاسمن آبی" (Blue Jasmine)
- جایزه اسکار برای بهترین کارگردانی: اهدا شد به "آلفونسو کوارون" (۵۳ ساله و اهل مکزیک) برای فیلم "جاذبه" (Gravity)
- جایزه اسکار برای بهترین بازیگر نقش مکمل زن: "لوپیتا نیونگو" (۳۱ ساله و اهل کنیا) برای فیلم "۱۲ سال بردگی" (12 years a slave)
- جایزه اسکار برای بهترین بازیگر نقش مکمل مرد: "جرد لتو" (۴۲ ساله و اهل آمریکا) برای فیلم "دالاس بایرز کلوب" (Dallas Bayers Club)
- جایزه اسکار برای بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان: "پائولو سورنتینو" (۴۳ ساله و اهل ایتالیا) برای کارگردانی فیلم "زیبایی بزرگ" (The Great Beauty)
- جایزه اسکار برای بهترین انیمیشن: فیلم "یخ زده"، (Frozen) (معروف به ملکه برفی)
- جایزه اسکار برای بهترین مستند بلند: "مورگان نوپل" برای فیلم "۲۰ پا تا ستاره شدن" (20 Feet from Stardom)
- جایزه اسکار برای بهترین موسیقی متن ارجینال: "استیون پرایس" برای فیلم "جاذبه" (Gravity)

موسیقی

نامه سرگشاده به روحانی: شادی حق مسلم همه ایرانیان است

در ادامه ی لغو کنسرتها و برخی از برنامه های فرهنگی در استان خوزستان و شهر آبادان، چند نفر از فعالان گرایشهای فرهنگی طی نامه ای سرگشاده به روحانی دست به اعتراض زدند. در این نامه از جمله آمده است: "آقای رییس جمهور، ما امیدواریم با کلید حکمت و معرفت قفل بسته تندرویهها همزمان در سطوح ملی و محلی گشوده شود، کینه ها به دوستی، نفرت به همراهی و همدلی و تنگ نظری به وسع دید مبدل شود ... بزرگترین دفاع از ارزشها، ارزش دادن به نفس زندگی است. به مردم این شهرها چه داده اند که نداده های دیگر را نیز از آنها دریغ می کنند؟ ما تهیه کنندگان این نامه تاکید می کنیم که شادی حق مسلم هر ایرانی است چه در تهران و اهواز و چه در آبادان و خرمشهر."

نقاشی

تابلو سرقت شده رامبراند پیدا شد

یک تابلو نقاشی اثر "رامبراند"، نقاش بزرگ هلندی، پانزده سال پس از سرقت در فرانسه پیدا شد.

"کودک با حباب صابون" که ارزشش ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار پوند تخمین زده می شود، از موزه ای در شهر "دراگونیان" در جنوب فرانسه در سال ۱۹۹۹ ربوده شد. این تابلو هنگام جشن روز باستیل در ژوئیه ۱۹۹۹ به سرقت رفته بود. در آن زمان پلیس گفت که سارقان از در پشتی موزه وارد شده بودند و پس از به صدا در آمدن آژیر، پیش از اینکه مامورها خود را برسانند، گریخته بودند. وضعیت این تابلو خوب توصیف شده است.



مجسمه سازی

"با آثار تناولی مثل لاشه گوسفند رفتار شد"

وکیل پرویز تناولی، مجسمه ساز ایرانی، در باره شکستن قفل در خانه موکل اش و خارج کردن چند مجسمه از آن توسط شهرداری گفت: "بردن آثار تناولی برخلاف قانون بوده و پس از تعطیلات نوروز، شکایت کیفری خود را برای بازگرداندن آثار به دادگاه ارایه می کنیم."

این هنرمند، یازده مجسمه از ۵۷ اثری را که در حدود ۱۰ سال در اختیار شهرداری بوده، دو هفته پیش از آن با حکم دادگاه به خانه اش منتقل کرده بود، اما روز یکشنبه ۲۶ اسفند شهرداری تهران دوباره این آثار را با هجوم به خانه در اختیار گرفت.

در میان این یازده اثر که از ۹ مجسمه حجمی برنز و دو مجسمه حجمی سرامیک تشکیل شده، آثاری با عنوان "دیوارهای ایرانی"، "نفس هیچ"، "نفس هیچ" و "یادبودی برای فرهاد کوهکن" وجود داشته است.

وکیل پرویز تناولی، صدرالدین ماحوزی افزود: "نحوه بردن آثار و صدماتی که به آنها وارد شده از نظر اخلاقی



پذیرفتنی نیست و با آثار ارزشمند آقای تناولی مثل لاشه گوسفند رفتار شد."

تیاتر

دوستی و دعوای ایرانی - اسرائیلی در تیاتر "پادشاهی سفال و آتش"

سهند از آمستردام و رافائل از لندن با هم نمایشنامه "پادشاهی سفال و آتش" را آفریدند. "سفال" به روایتیهای منتسب به دانیال، پیامبر قوم بنی اسرائیل اشاره دارد و "آتش" به یکی از نمادهای فرهنگ باستانی ایران.

در این نمایشنامه دو نفر از ایران و اسرائیل نخست از در شوخی صحبتی با هم رد و بدل می کنند. شوخیهای دوستانه سهند و رافائل اما ناخودآگاه به خط قرمزهای میهنی هر دویشان می رسد و کار به داد و فریاد می کشد. در این بین ناخودآگاه هر دو به آنجا می رسند که زندگی شان از یک جنبه به هم شباهت دارد: هر دو قربانی خشونت و تنش در کشورشان شده اند و خانواده های شان از این بابت بسیار آسیب دیده اند. هر دو آرام می گیرند و تصمیم می گیرند داستانهایی اساطیری از فرهنگ شان را برای یکدیگر تعریف کنند.



در نمایش "پادشاهی سفال و آتش"، دو نوازنده یونانی و هلندی نیز سه‌پند صاحب دیوانی و رافائل رودان را همراهی می‌کنند. در بخشهایی از تیاتر، بازیگران ترانه‌هایی مردمی از کشورشان را برای مردم می‌خوانند و گاه ترانه‌های ایرانی و اسرائیلی را به هم پیوند می‌زنند.

این نمایش در حال اجرا در

شهرهای هلند است و قرار است به زودی در برخی دیگر از کشورهای اروپایی و همچنین اسرائیل به روی صحنه برود.

طنز

پاسخ هادی خرسندی به تبریک نوروزی اباما

دوباره زر زر نکن باراک - برو به دنبال کار خویش
 پیام نوروزی ترا - زدم به گل منارِ خویش!
 دوباره دلخوشکنک شدی - برای یک عده ساده لوح
 که چرت و پرت ترا کنند - ترید آبدوغ خیابِ خویش
 دوباره خالی نبند عمو - مگر کجایی تمام سال؟
 که روز عید میرسی ز راه - به ما رسانی شعارِ خویش
 که داده ماموریت به تو - که "پیک نوروز: ما شوی؟
 تو نفت می‌خواهی و غمی - نباشدت جز دلارِ خویش
 نه حمله ای کن به خاک ما - نه از خلائق دفاع کن
 که ما بدون تو قادریم - به حفظ شهر و دیارِ خویش
 شریک دزدی تمام سال - رفیق نوروز قافله
 دو-دوزه-بازِ سیاستی - موفقی در قمارِ خویش
 اگرچه شعرم شود غلط - ز حیث لفظی، گرامری
 ولی تو ای مرد مهربان - برو درش را بذارِ خویش

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

کنفرانس بین‌المللی فوریت حفاظت از پناهجویان کمپ لیبرتی در عراق در مقر ملل متحد در ژنو

وخامت حقوق بشر در دوران روحانی و ضرورت ارجاع پرونده به شورای امنیت،
فراخوان به تحقیقات مستقل ملل متحد در باره قتل عام در اشرف و تامین حفاظت ساکنان

روز جمعه ۱۴ مارس ۲۰۱۴ به ابتکار پنج ارگان غیر دولتی شامل جنبش علیه نژادپرستی و برای دوستی میان خلقها (مراپ)، حزب رادیکال فراملی، انجمن بین‌المللی حقوق بشر زنان، بنیاد فرانس لیبرته و توسعه آموزش بین‌المللی جلسه‌ای تحت عنوان «فوریت حفاظت از پناهجویان کمپ لیبرتی در عراق» در ژنو برگزار شد در این جلسه که در یکی از سالنهای مقر ملل متحد در ژنو تشکیل شد، مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران؛ برنارد کوشنر، وزیر خارجه سابق فرانسه و بنیانگذار بزشکان بدون مرز؛ لیندا چاوز، متخصص سابق حقوق بشر در سو کامیسیون حقوق بشر ملل متحد؛ پروفسور ژان زیگلر، عضو کمیته مشورتی شورای حقوق بشر ملل متحد؛ پروفسور آلفرد زایاس، متخصص مستقل ملل متحد در مورد ارتقاء یک نظم بین‌المللی دموکراتیک و متساوی؛ دکتر ژان شارل ری آل، عضو پارلمان ژنو و شورای شهر؛ کریستینا پره‌گو، رئیس مشترک شورای قانونگذاری در ژنو؛ نجات بوبکر، عضو پارلمان فلسطین؛ دکتر طاهر بومدرا، معاون سابق نماینده ویژه دبیرکل ملل متحد؛ و آنتونیو استانگو، رئیس هلسینکی واچ و عضو حزب رادیکال ایتالیا، سخنرانی کردند.

سخنرانان بر نکات زیر تاکید کردند:

۱- کنفرانس وخامت وضعیت حقوق بشر در دوران ریاست جمهوری روحانی را قویاً محکوم کرد. بنا بر گزارشهای دقیق از ابتدای سال ۲۰۱۴ دست کم ۱۷۶ تن اعدام شده‌اند. در همین فاصله به طور مستمر صدور احکام اعدام و مجازاتهای وحشیانه چون درآوردن چشم، قطع دست و پای، بریدن گوش و بینی ادامه یافته است. اعدامهای جمعی و در ملاعام در شهرهای مختلف ایران بیوقفه انجام شده است. اعدامهای اقلیتهای قومی و دینی و زندانی‌های سیاسی روندی فزاینده یافته است.

۲- کنفرانس با توجه به اطلاعیه گزارشگران حقوق بشر تحت عنوان: «کارشناسان حقوق بشر ملل متحد ایران را به توقف موج اعدامها که در جریان است، فرامی‌خوانند» و با توجه به گزارش دبیرکل به شورای حقوق بشر ملل متحد در ۱۱ مارس مبنی بر این که «حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران در تحقق وعده‌های انتخاباتی خود برای مجاز بودن آزادی بیان بیشتر شکست خورده است و از زمان انتخاب شدن او افزایش شدیدی در اعدامها بوده است» خواستار اقدام عملی و موثر سازمان ملل و بویژه شورای امنیت ملل متحد علیه حکومت ایران برای متوقف کردن روند فرایندهای اعدامهای خود سرانه و دستجمعی شد.

۳- کنفرانس بر این باور است که چشم پوشیدن بر نقض فاحش حقوق بشر در ایران که دست کم در دو دهه گذشته بیسابقه بوده، به بهانه مذاکرات اتمی و یا هر دلیل و بهانه دیگری نه تنها موجب شده که مقامهای رژیم ایران هیچ نگرانی برای پاسخگویی به مجامع بین‌المللی و ارگانهای ذیربط نداشته باشند، بلکه برعکس آنها «افزایش اعدامها را خدمت بزرگ به بشریت» می‌خوانند و خواستار تقدیر از رژیم به این خاطر هستند (محمد جواد لاریجانی، مسئول ستاد حقوق بشر قوه قضاییه ایران - ۴ مارس ۲۰۱۴) و وزارت خارجه این رژیم گزارشگر ویژه ملل متحد را وابسته به صهیونیسم معرفی می‌کند و مشاور خامنه‌ای پس از ابراز نگرانی دبیرکل در شورای حقوق بشر در باره ایران می‌گوید «هر آنچه که دبیرکل انجام می‌دهد و می‌گوید در راستای اهداف استکبار است».

۴- کنفرانس حملات دولت عراق به دستور رژیم ایران علیه پناهندگان ایرانی در اشرف و لیبرتی در عراق و محاصره لجستیکی و پزشکی و ... آنها را قویاً محکوم نمود. و خواستار توقف فوری این حملات و محدودیتها که تا کنون باعث کشته شدن ۱۱۶ تن از آنها، زجر کش کردن ۱۸ تن از آنها و به گروگان گرفتن ۷ تن دیگر شده است، گردید. یکی از

تکانه‌دهنده ترین این حملات قتل عام ساکنان اشرف در روز اول سپتامبر بود. اقدامات رذیلانه ای مانند کارشکنی در تخلیه سپتیکها، جلوگیری از ورود مواد غذایی، کارشکنی در دسترسی آزادانه ساکنان به خدمات پزشکی، از مصادیق بارز شکنجه است.

۵- ما به طور مشخص خواهان یک تحقیقات مستقل، همه جانبه و عمیق، در باره این جنایات، از سوی ارگانهای ذیربط ملل متحد هستیم. در روز ۹ سپتامبر خانم پیلای، با اشاره به گزارش یونامی در روز ۳ سپتامبر مبنی بر این که «همه کشته شده ها از زخمهای شلیک رنج برده اند اکثر آنها در سر و قسمت بالای بدن و چندین تن از آنها با دستهایی بسته شده بودند» خواستار تحقیقاتی کاملا مستقل، کامل و شفاف در این باره شد. اما ۶ ماه و نیم پس از این کشتار همه شواهد نشان می دهد دولت عراق در صدد از بین بردن آثار جرم است دهن مخفیانه کشته شدگان این تراژدی یک نمونه بسیار روشن است. در روز ۹ دسامبر ۲۰۱۳ یک گروه گزارشگر مستقل سازمان ملل متحد در یک بیانیه مشترک درباره کشتار اشرف نوشتند: «جنایتی که با مصونیت صورت گرفته است که جرائم و مدارک، حاکی از درگیر بودن نیروهای عراقی در ارتکاب جرم فاحش است» از این رو دولت عراق نه می خواهد و نه می تواند تحقیقاتی در این باره انجام دهد. اگر یک تحقیق شفاف در مورد حملات پیشین به اشرف صورت گرفته بود، احتمال کشتارهای بعدی بسیار کمتر بود و یا دست کم جنایتکاران باید قیمت بسیاری بیشتری می پرداختند. بنابراین ما از پرسودوره‌های ویژه ذیربط شورای حقوق بشر می خواهیم که یک تحقیقات کامل و جامع را در رابطه با کشتار کمپ اشرف هدایت کند.

۶- کمپ لیبرتی که ساکنان از خانه ۲۶ ساله شان به زور به آنجا منتقل شدند، بنا به دو نظریه گروه کار بازداشتیهای خودسرانه یک زندان است در عین حال ساکنان، از زمان انتقال اجباری به این کمپ مورد ۴ حمله موشکی قرار گرفته اند که منجر به کشته شدن ۱۴ تن و مجروح شدن شمار زیادی شد. ملل متحد چه به خاطر تعهدات عام بین المللی و چه به خاطر تعهداتی که به طور مشخص در مورد این پناهجویان به طور مکتوب به عهده گرفته است، باید پاسخگوی تأمین حفاظت و امنیت و سلامت آنها باشد و به طور مشخص:

الف - نقل مکان همه ساکنان، البته به طور موقت، به اروپا و آمریکا قبل از انتقال به کشور اصلی.

ب - اصرار به دولت عراق برای ارائه الزامهای مبرم امنیتی در مقابل حملات موشکی همچون برگرداندن تی والها، انتقال پناهگاه، انتقال کلاه و جلیقه های حفاظتی و تجهیزات پزشکی از اشرف، اجازه ساختمان سازی و گسترش منطقه اردوگاه.

ج - حضور دائمی سازمان ملل متحد نظارت همراه با تیم کلاه آبی در داخل کمپ لیبرتی.

د - آزادی هفت گروگان

ه - پایان دادن به تحریمهای وحشیانه علیه کمپ به ویژه تحریمهای پزشکی

خانم رجوی در این جلسه از جامعه جهانی به ویژه آمریکا و اتحادیه اروپا و از سازمان ملل خواست که پرونده وضعیت خطیر ساکنان کمپ لیبرتی، را که هر لحظه در معرض یک قتل عام شدیدتر هستند، به شورای امنیت ملل متحد ارجاع دهند و برای تحقق خواستههای فوق تلاش کنند.

منبع: سایت همبستگی ملی

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com

فراسوی خبرها.....

از تلاشهای کارگران، نمایندگان و تشکلهای مستقل آنان حمایت کنیم

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۱۰ اسفند

همچنان که هزینه زندگی روز به روز در حال افزایش است، رژیم جمهوری اسلامی نیز با دستگیری و آزار فعالان کارگری، هراس خود را از بالا گرفتن اعتراضهای کارگری نشان می دهد. آنچه که در این میان چشمگیر تر بوده و حکومت را به دستپاچگی و حرکتهای حساب نشده کشانده، مقاومت و همبستگی روزافزون کارگران است.

علی طیب نیا، وزیر اقتصاد رژیم درحالی برآیند صندوق بین المللی پول مبنی بر نرخ تورم ۱۵ تا ۲۰ درصدی و برآیند ۲۵ درصدی کارشناسان را تکذیب می کند و از "آرامش و ثبات اقتصادی" سخن می گوید که مردم، به ویژه اقشار کم درآمد، زیر فشار اقتصادی و سیر صعودی بهای اقلام مورد نیاز کمر خم کرده اند. خبر صدور نجومی قبوض برق در نوروز ۹۳، بالا رفتن قیمت نان، متزلزل بودن وضع پرداخت یارانه ها و غیره از تازه ترین نشانه های این "آرامش و ثبات اقتصادی" است. در این میان، نتایج بررسی کمیته مزد شوراهای اسلامی، یک تشکل دولت ساخته، پیرامون هزینه و مزد، مشقت و سختی زندگی کارگران را آشکار تر کرده است. بنا بر گزارش مذکور، هر خانوار چهار نفره در تهران برای گذران زندگی خود حداقل به یک میلیون و ۷۶۰ هزار تومان نیاز دارد. این رقم ۳.۵ برابر حداقل دستمزد مشمولان قانون کار است که از ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومان فراتر نمی رود.

در برابر این بی عدالتی اقتصادی، کارگران از فعالیتهای حق طلبانه خود دست بر نداشته اند. اما رژیم جمهوری اسلامی برای جلوگیری از فعالیت متشکل کارگران، اقدام به دستگیری، زندانی کردن و آزار و اذیت کارگران کرده و با نقض آشکار حقوق بشر، از رسیدگی به کارگران زندانی و بیمار خودداری می کند.

از جمله نمونه های تلاش در سرکوب حرکتهای کارگری، دستگیری ۲۰ کارگر معدن چادرملو در پی یک حرکت اعتراضی و اعتصاب ۸۰۰ کارگر این معدن، بازداشت هشت کارگر پلی اکریل و اخراج بهرام حسنی نژاد، دبیر نهاد کارگری این معدن، اخراج نمایندگان کارگران ذوب آهن اردبیل به دلیل پیگیری مطالبات صنفی کارگران، دستگیری و محاکمه سه کارگر پتروشیمی رازی به اتهام "اخلال در نظم" و... را می توان نام برد. آخرین نمونه، دستگیری حسن سعیدی و مرتضی کمساری به علت روشنگری و مقاومت در برابر برگزاری انتخابات فرمایشی و تقلبی شورای اسلامی و تحمیل عوامل دولتی بر آنها می باشد.

در اکثر این رویدادها، مقاومت و همبستگی کارگران رژیم را وادار به عقب نشینی و آزاد کردن کارگران بازداشتی کرده است.

سندیکای کارگران فلز کار و مکانیک در پیام همبستگی به سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه می گوید: "روشنگری و وظیفه تعطیل ناپذیر کارگران سندیکایی است."

از تلاشهای کارگران، تشکلهای مستقل و نمایندگان آنان حمایت کنیم و در کمک رسانی به آنان بکوشیم.

تعیین حداقل دستمزد بدون حضور نمایندگان کارگران

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر دوشنبه ۱۲ اسفند

مذاکرات برای تعیین سرنوشت معیشت و زندگی حدود ۱۲ میلیون نیروی کار مشمول قانون کار بدون حضور نمایندگان انتخابی کارگران جریان دارد. پیش بینی می شود که نتیجه مذاکرات در شورای عالی کار تا ۱۰ روز دیگر اعلام شود. از لابلای نظرات کارگزاران رژیم چنین بر می آید که مدل تعیین مزد برای سال ۹۳ مدلی ابتکاری دولت حسن روحانی خواهد بود. این سناریو چگونه سناریویی خواهد بود؟

معاون تنظیم و نظارت بر روابط کار، روز یکشنبه ۱۱ اسفند در رابطه با تعیین مزد برای ۹۳ مطرح کرد که «باید در ساختار کنونی پرداخت دستمزدها بازنگری شود». وی از چگونه بازنگری صحبتی نکرد. اما ادامه صحبت‌های او محتوای بازنگری را بیشتر روشن می‌کند. «سید حسن هفده تن» گفت: «در تلاش هستیم تا راستای تعیین مزد منطقی بخشی از وظایف و حمایت‌های محول شده به کارفرمایان را بر دوش حمایت‌های اجتماعی قرار دهیم». سیاستی که وی مطرح می‌کند همان سیاست غیر واقعی کردن هر چه بیشتر دستمزد نیروی کار با سیاست صدقه پروری با عنوان کمک‌های اجتماعی، بسته‌های حمایتی و پرداخت یارانه‌ها است. این سیاست ادامه همان سیاست گدا پروری احمدی نژاد است.

این سیاست حمایت از کارفرمایان و تضمین سود دولت به عنوان کارفرمای بزرگ است. این سیاست با طرح هدفمند کردن یارانه‌ها آغاز و با محدودتر کردن هر چه بیشتر دریافت کنندگان ادامه پیدا کرد. همزمان با اجرایی شدن این سیاست، قیمت‌ها چندین برابر افزایش یافت. در نتیجه قدرت خرید نیروی کار کاهش یافت. دریافت یارانه به اضافه دستمزد غیر متناسب، قدرت خرید نیروهای کار را کاهش داده است. یکی از علت‌های چنین سیاست، شکل اقتصاد و ویژگی صاحبان وسایل تولید در ایران است. اقتصاد شبه دولتی، رانت خواری و ویژه خواری منافی برای واقعی کردن دستمزد ندارد. بر همین منظر دولت به عنوان حافظ منافع سرمایه داری انگلی مردم را با بسته‌های حمایتی فریب می‌دهند و این در حالی است که توزیع این گونه بسته‌ها پایدار نخواهد بود. مهم تر این که اقتصادی که به صادرات نفت وابسته است نمی‌تواند حمایت‌های اجتماعی تثبیت شده‌ای را برای قشر کم درآمد تضمین کند.

فقدان تشکلهای مستقل کارگری برای ساماندهی مبارزه نیروی کار برای واقعی کردن دستمزد به پیشبرد این سیاست بی رحمانه کمک می‌کند.

معاون وزیر کار آماری در مورد سهم مزد در تولید داد که تفاوت ارزش کار و سود و وضعیت تولید را نشان می‌دهد. وی گفت: «هر چند در فاصله سالهای ۷۶ تا ۹۰ سهم مزد در هزینه تمام شده تولید از حدود ۱۳ درصد به حدود ۵ درصد کاهش یافته است اما این کاهش باعث ارتقاء بهره‌وری و خلاقیت در محیط کار نشده است». در رویدادی دیگر وزیر کار و تعاون دولت روحانی مطرح می‌کند که «مزد باید به گونه‌ای تعریف شود که به کاهش شغل منجر نشود». مدل تعیین مزد اگر بر این دیدگاه تعیین شود به ضرر نیروی کار خواهد بود. این دیدگاه افزایش دستمزد را برابر با کاهش شغل می‌داند.

چرا قوه قهر هر چه بیشتر به بازیگر اصلی تبدیل می‌شود؟

منصور امان

فراسوی خبر... چهارشنبه ۱۴ اسفند

همانگونه که روند عقب نشینی "نظام" در برابر طرفهای خارجی خود به جلو می‌رود، تلاش آن در جهت گریز از آثار سیاسی جام زهر نیز شدت و حرارت بیشتری می‌یابد. در این مسیر دستگاه قهر مُتشکل از قوه قضاییه، نیروهای نظامی، شبه نظامی، امنیتی و زیرمجموعه‌های آنها در بخشهای گوناگون بوروکراسی اداری و زندگی مدنی، نقش پُر رنگ تر و سنگین تری را عهده دار می‌شوند.

نمود عینی این فرایند را می‌توان در پیگرد و سرکوب فزاینده کوشندگان سیاسی، مدنی و صنفی، فشار بیشتر بر اقلیتهای دینی، ملی و دیگرباوران یا اعدامهای افسارگسیخته در سطح کشور مشاهده کرد. در این پهنه، دادگاه‌ها، آرگانهای امنیتی و مراکزی که به گونه غیرمستقیم در کنترل قوه قهر است، هر چه بیشتر به میدان دار و بازیگر اصلی تبدیل می‌شوند. آیت الله خامنه‌ای و شُرکایش به این ترتیب کوشش می‌کنند با گذاشتن وزنه سرکوب مُستمر و همه جا حاضر، شاهین مُوازنه‌ی قُدرت را پس از عقب نشینی خارجی که همراه با از دست دادن هنگفت اقتدار داخلی شان بوده، به تعادل برسانند.

از این زاویه، تمرکز سرکوب در ساختارهای مستقیم و غریبان قهر حکومتی فقط تغییر در آرایش دیوانسالارانه حکومت به زیان "رهبر" را متجلی نمی کند، بلکه پروژه ای به شمار می رود که به وسیله ابزارهای نظامی و امنیتی در پی ایجاد یک قطب سیاسی جایگزین و حفظ جایگاه انحصاری باند حاکم است.

باند رفسنجانی - روحانی در حالی که هر روز بیشتر از پیش از این زاویه با باند رقیب در اصطکاک قرار می گیرد، همزمان به دلیل هراس از پیامدهای خسارت باری که "باز شدن فضا" برای "نظام" در مجموع می تواند داشته باشد، قادر به نشان دادن واکنش موثر در برابر حملات آن نیست.

جناح میانه حکومت با نگاه و رویکرد ناهمگون و تبعیض گرایانه به حقوق شهروندی و آزادیهای مدنی، چاره ای جز پناه گرفتن در زمین حریف و بازی طبق قواعدی که او دیکته می کند، ندارد. بدقابالی آنها در این واقعیت نهفته است که به هر میزان که حقوق شهروندان را قربانی "مصلح نظام" می کنند یا تلاش می کنند مفهومی دست ساز و مطیع از آن ارایه دهند، تیغ باند رقیب را تیز تر و خود را بی دفاع تر می کنند.

با توجه به جایگاه سیاسی سرکوب در اقتدار باند حاکم در دوران کنونی، درگیری بر سر نموده های آن همچون انتقادات آقای جنتی از فیلتر فیس بوک، وزن و تاثیر بیشتری از یک اقدام انحصار شکنانه صرف می یابد. با این حال تا هنگامی که "دولت اعتدال" ریسمان دستگاه قهر را بر گردن دارد، جدال در حاشیه نیز کشمکش است که در انتها به سود آنکه ریسمان را در دست دارد، تعیین تکلیف می شود.

خبرگان رهبری در نقش ابزار فشار "رهبر"

منصور امان

فراسو خبر... آدینه ۱۶ اسفند

مجلس خبرگان در پایان نشست دو روزه خود به جای گزارش از چگونگی عمل به وظیفه اصلی خود یعنی "نظارت بر رهبری"، خواهان برطرف کردن "دغدغه های فرهنگی توده مردم مسلمان و نگرانی رهبر معظم انقلاب" شده است. تاکید چند باره مجلس تشریفاتی مزبور بر "تهاجم شدید فرهنگی دشمن" و هشدار به وزارت ارشاد و "مسوولان فرهنگی کشور"، در امتداد خط حمله از این زاویه به جناح میانه حکومت قرار دارد و نشانگر کاهش نفوذ هر چه بیشتر جناح مزبور در آن است. چنین می نماید پروسه ای که با برکناری آقای اکبر رفسنجانی از ریاست مجلس خبرگان آغاز گردید، نفوذ و تاثیر سیاسی این بخش از حکومت را در آن به مرز بی اهمیتی رسانده باشد.

از این نظر، استفاده آقای خامنه ای و باند او از مجلس خبرگان برای مهار و در اختیار گرفتن رقبای چندان غیرمنتظره نیست. او که با گذاشتن فیلتر نظارت استصوابی شورای نگهبان و دست چین کردن ناظران بر کارکرد خویش، سهم به سزایی در بی اعتبار کردن "مجلس خبرگان رهبری" داشته، اینک نیز پروایی در کشاندن آن به حوزه های آشکارا ناسازگار با وظایف قانونی اش ندارد.

با این حال "مقام معظم" به گونه مضحکی تلاش می کند ظاهر قضیه را حفظ کند و نیات خود را از زبان طوطیان سخنگوی خبرگان، بیان دارد. او در دیدار با آنها می گوید که در نگرانی امر شده شان در باره "مسایل فرهنگی سهیم است" و خطاب به "دولت محترم" می گوید "باید به این مساله توجه کند".

در این میان بر کسی پنهان نمانده که "نگرانی فرهنگی" آقای خامنه ای بیشتر تشویش خاطر سیاسی است. او و همدستانش هراس دارند که جناح رقیب با دادن فضای مانور برای تحرک مطبوعاتی، سیاسی و مدنی وابستگان خود و نیز "اصلاح طلبان"، آنها را زیر نقد ببرد و به تصفیه حساب دوران "یکدست سازی" بپردازد.

پیشانی حالی "آقا" و دوستان چندان هم بی دلیل نیست. آنان در جریان هشت سال یکه تازی، چندان نقاط آسیب پذیری در اختیار رقبایشان گذاشته اند که دفاع در برابر تهاجم را به قلمرو ناممکنها رانده است. واکنش سراسیمه باند ولایت به انتقادات آقای رضوی فقیه، یک فعال "اصلاح طلب" از "رهبر" که در هیچیک از رسانه های "اصلاح طلبان" نیز بازتاب نیافت، سطح ضربه پذیری باند مزبور را به خوبی قابل اندازه گیری می کند.

دستکاری مجلس خبرگان از سوی آقای علی خامنه ای نه فقط پرده دیگری از نمایش آلت دست بودن این موسسه ارتجاعی است، بلکه یک بار بیشتر ناهمگونی ساختاری رژیم ولایت فقیه و بُن بست اصلاح بر پایه مُناسبات و تنظیمهای درونی آن را به رُخ می کشد.

سرکوب دراویش و پیروان دیگر ادیان محکوم است

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر یکشنبه ۱۸ اسفند

دراویش گنابادی بخشی از جامعه ایران هستند که اعتقادات خاص خود را دارند. آنان از سرکوب رژیم ولایت فقیه در امان



نمانده اند. تعداد زیادی از پیروان این اعتقاد در سیاهچالهای جمهوری اسلامی و در شرایط بد درمانی و بهداشتی به سر می برند.

بنا به اخبار منتشر شده، ۹ زندانی وابسته به این جریان در اعتراض به وضعیت خود در زندان دست به اعتصاب غذا زده اند. تا کنون هیچ رسیدگی به وضعیت زندانیان اعتصاب کننده انجام نشده است. حمایت دو هزار تن از دراویش از زندانیان اعتصاب کننده و خانواده های آنان، باعث وحشت رژیم شده است. روز شنبه ۱۷ اسفند، تحصن دراویش در حمایت از زندانیان در برابر دادستانی مورد یورش ماموران قرار گرفت. بنا به گزارشهای منتشر شده حدود ۲۰۰ تن از معترضان بازداشت شدند. پایوران رژیم در برابر این همبستگی گسترده در حمایت از دراویش زندانی، قول بازگرداندن دو زندانی تبعیدی به زندان اوین و مداوای سه بیمار دیگر را داده اند.

در رویدادی دیگر روز چهارشنبه ۱۴ اسفند، ماموران رژیم به یک جمع خانوادگی مسیحیان در کنار رودخانه شوش دانیال یورش برده و آنها را دستگیر کردند.

سرکوب دراویش و همه اقلیتهای دینی محکوم است. بنیاد گرایی مذهبی و رژیم ولایت فقیه گونه های دیگر اعتقادی را بر نمی تابد. بر همین منظر اقلیتهای دینی به صورت مضاعف مورد سرکوب قرار می گیرند. عدم درمان زندانیان بیمار و کمک به تشدید بیماری، یکی از شیوه های رژیم برای حذف زندانی است.

گزارش بانکی مون؛ چک سفیدی که صادر نشد

منصور امان

فراسوی خبر... آدینه ۲۳ اسفند

گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد به شورای حقوق بشر پیرامون تداوم پایداری گسترده حقوق شهروندان ایران، یک مسابقه‌ی ناسزاگویی بین رهبران و پایوران رژیم جمهوری اسلامی علیه او به راه انداخته است.

اگر چه واکنش عصبی و برآشفته حاکمان ایران به ورق زده شدن کارنامه خود در سطح بین المللی یک رفتار شناخته شده است، با این حال از آنجا که گزارش سازمان ملل از وضعیت حقوق بشر در ایران به موازات عقب نشینی اتمی "نظام" تدوین و ارایه گردیده، حساسیت و آشفتگی هیات حاکمه را به دو چندان افزایش داده است. "مزدور"، "بی سروپا"، "آلت دست" یا "سخیف" فقط بخشی از واژه هایی است که دستگاه سیاسی رژیم ولایت فقیه، دبیرکل سازمان ملل را با آنها توصیف می کند.

گزارش آقای بانکی مون که دلیل روشنی از توجه بین المللی به موضوع سیاست و رفتار رژیم مَلاها با شهروندان ایران است، از دید حکومت یک فاکتور برهم زننده مُعادلاتی محسوب می شود که پس از تن دادن به عقب نشینی هسته ای چیده است. "نظام" به گونه خوش بینانه مایل است کنار گذاشتن اجباری پروژه بمب اش با چک سفید طرفهای خارجی برای برچیدن تحریمها و بایگانی پرونده سیاه حقوق بشری آن پاداش داده شود.

بنابراین شگفت آور نیست که در میان صدای اُرکستر بدآهنگ علیه آقای بانکی مون، زیر - نوای تهدید به برهم زدن معامله هسته ای نیز شنیده می شود؛ یک ژست توخالی که کمترین آسیب آن برای حکومت، تایید مُرتبط بودن کشمکش اتمی با موضوع حقوق بشر است.

در همین حال برای باند ولی فقیه، کارزار تبلیغاتی علیه دبیرکل سازمان ملل متحد کارکردی داخلی نیز دارد و آن کوتاه نگه داشتن ریسمان پای جناح میانه و حفظ فشار روی آن است. آقای خامنه ای و شرکا به این وسیله رقم هزینه ای که حاضرند برای توافق هسته ای بپردازند را به "مذاکره کنندگان" یادآور می شوند.

چنین می نماید که دولت حُجت الاسلام روحانی نیز حملات جناح رقیب از این زاویه را خالی از فایده برای پیشبرد موفقیت آمیز مذاکرات اتمی و از این راه تقویت جایگاه خود در ساختار قدرت نمی داند. ماندن "مُحافظه کاران" و در نتیجه باطل شدن توافقات، بهانه خوبی برای درخواست مسکوت نگه داشتن محورهای غیرهسته ای اختلافها است و این فقط موضوع حقوق بشر را در بر نمی گیرد. هم نوایی وزارت خارجه آقای روحانی با باند رقیب علیه آقای بان کی مون، ارزیابی مزبور را تقویت می کند.

حقوق بشر؛ ضربات پیاپی بر سر "آقای" که به گدایی افتاده

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۲۴ اسفند

حجت الاسلام ناطق نوری، رییس دفتر بیکار "رهبر" در توجیه ضربه های پیاپی که در روزهای اخیر به خاطر نقض حقوق بشر بر سر حکومت وارد آمده، بهترین تصویر را ارایه داده است. او نخست می گوید، "جمهوری اسلامی تنها حکومتی است که خود آقای می کند و هزینه اش را نیز می پردازد" و سپس یادآور می شود، همه حرکتها با اذن "مقام معظم رهبری و با نرمش قهرمانه و هوشدانه" او صورت می گیرد.

بهای سنگینی که "هزینه آقای" جمهوری اسلامی شده، با سرکشیدن جام زهر هسته ای توسط "مقام معظم رهبری" و قرار گرفتن نقض حقوق شهروندان ایرانی روی میز، دست اندرکاران حکومت را اکنون به جای "آقای" به گدایی کشانده است.

رییس جمهور نظام فریاد سر می دهد، "ایران بهشت سرمایه گذاری است" و در این راستا "دولت توسعه روابط بین المللی" را در دستور کار خود قرار داده است. اما او ناچار می شود، البته با "اذن" رهبر، برخی از درهای دیگر را نیز با احتیاط یک لایه باز کند.

ملاقات خانم اشتون با گوهر عشقی، مادر ستار بهشتی که اکنون به نماد دیگری از ستم و سرکوب جامعه ایرانی توسط رژیم تبدیل شده، گوشه ای از این امر است. با این حال گزارش سالانه بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد و گزارش احمد شهید، گزارشگر ویژه این سازمان پیرامون وضعیت وخیم حقوق بشر در ایران، خبرهای خوشی برای آرامش و اینکه ایران "جزیره ثبات" و آماده برای سرمایه گذاری است، نمی باشد.

احمد شهید در تازه ترین گزارش خود به افزایش ۱۶۵ درصدی شمار اعدام در سال گذشته، نقض حقوق اساسی زنان، کنشگران مدنی، اقلیتهای مذهبی و تداوم بازداشتهای خودسرانه اشاره می کند. وی تبعیض مذهبی یا جنسیتی و مجازاتهای بیرحمانه مثل شلاق و سنگسار را نیز یادآوری کرده است. احمد شهید خواستار آزادی بی قید و شرط زندانیانی شده که برای فعالیتهای مدنی و عقیدتی مسالمت جویانه یا ابراز عقیده به زندان افتاده اند.

از نکات قابل توجه در گزارش وی، طرح موضوع ساختاری نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی با توجه به بافت قوانین و سازمان بوروکراسی قوه قضاییه است. اشاره به این مساله، کلیت دستگاه قضایی را مورد هدف قرار داده است. گزارش به صراحت از اینکه آیت الله خامنه ای، رهبر ایران نفوذ زیادی بر قوه قضاییه دارد و رای او مقدم بر رای قضات است، یاد کرده است.

مدافعان حقوق بشر که با تلاشهای پیگیر خود نقض حقوق شهروندان ایرانی را به صحنه جهانی برده اند و اجازه نداده اند زیر سایه مذاکرات هسته ای نادیده گرفته شود، اکنون باید هر چه پیگیرانه تر از همه فرصتها سود جسته و هر گونه اقدام در این زمینه را تبلیغ و از آن حمایت کنند.

بردگی برای کارگران به برکت اقتصاد مقاومتی

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر یکشنبه ۲۵ اسفند

شورای عالی کار روز آدینه ۲۳ اسفند، دستمزد پایه کارگران برای سال ۹۳ را ۶۰۸ هزار و ۹۰۰ تومان تعیین کرد. علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در توجیه مبلغ تعیین شده گفت: «مصوبات مزد با "اجماع تمام" و "رای مطلق اعضا" و ناظران تشکلهای کارگری و کارفرمایی، برای دستمزد سال آینده» تصویب شد.

علی ربیعی افزایش ۲۵ درصد مزد کارگران را «تصمیم مناسب» و محصول «درک متقابل کارگران از وضعیت صاحبان صنایع و تولید» دانست. این کارگزار رژیم، نتیجه جلسه تعیین مزد و در نهایت افزایش ۲۵ درصد را در راستای اجرای «برنامه اقتصاد مقاومتی» ولی فقیه دانست.

تعیین حداقل مزد زیر نرخ تورم اعلام شده اگر چه در رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی تبدیل به امری عادی شده، اما ویژه گی امسال در این است که پوچی شعارهای دهن پر کن حسن روحانی در هنگام تبلیغات انتخاباتی اش را خیلی زود بر ملا کرد. یکی از وعده های حسن روحانی تعیین مزد پایه بر اساس نرخ تورم بود. اگر چه آمار دولت حسن روحانی در پایین آوردن نرخ تورم از ۴۵ درصد به ۳۵ درصد هیچ اعتباری ندارد، اما آنها حتا حاضر نشدند که حقوق کارگران را با نرخ تورم ۳۵ تا ۳۷ درصد که از طرف بانک مرکزی اعلام شده، همسان کنند.

سخن پراکنی علی ربیعی در مورد چگونگی تعیین دستمزد پایه همچنین ماهیت و ترکیب شورای عالی کار را نشان می دهد. کسانی که در این شورا به این مقدار مزد پایه به قول علی ربیعی «رای مطلق» دادند نه نمایندگان کارگران که از طرف دولت به اسم نمایندگان کارگران چینش شدند. همچنین علی ربیعی به درستی معنای اقتصاد مقاومتی دیکته شده از طرف علی خامنه ای را بیان می کند. تعیین این مقدار مزد پایه که حداقل یک ملیون و دویست هزار تومان کمتر از

خط فقر و حداقل ۱۰ درصد کمتر از نرخ تورم اعلام شده از طرف بانگ مرکزی است، به معنای تشدید فقر، بردگی و محتاج کردن نیروهای کار به سبد کالاهای حمایتی است. مزد پایه باید بر اساس نرخ تورم، بهای مسکن، مواد خوراکی و انرژی تعیین شود، در حالی که قیمت همه این کالاهای پایه ای بسیار بیشتر از ۲۵ درصد افزایش پیدا کرده و همچنان رشد صعودی خواهد داشت.

تعیین مزد پایه از طرف نهاد دولتی شورای عالی کار بدون مشارکت نمایندگان منتخب کارگران، خشم کارگران و مزدبگیران را برانگیخته است. تنها اتحاد و عمل مشترک میلیونها کارگری که با اقتصاد مقاومتی ولی فقیه به بردگی کشیده می شوند می تواند از سقوط آنها به فقر مطلق و بردگی جلوگیری کند.

آغاز دور دُوم مذاکرات هسته ای با ژستهای بی ثمر

منصور امان

فراسوی خبر... چهارشنبه ۲۸ اسفند

دُومین دور مذاکرات گروه شش کشور و جمهوری اسلامی در وین، با یک ژست سیاسی از سوی فرستاده شدگان از تهران آغاز شد. آقای محمد جواد ظریف، وزیر خارجه مَلاها دیدار غیررسمی شام با خانم اشتون را لغو کرد تا تلاش کند نارضایتی دولت خویش و داشتن موضع سخت آن را به تماشا بگذارد.

خبرگزاری رسمی دولت (ایرنا) بهانه لغو دیدار مزبور را "دیدارهای خلاف عُرْف دیپلماتیک مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در تهران" عنوان کرده است. با این حال چنین می نماید که علت اصلی، دستور کار سخت مذاکرات باشد که رژیم مَلاها گریزی از پرداختن به آن ندارد و لازم می بیند برای تحت تاثیر قرار دادن طرفهای مذاکره، به داشتن ادعانه ای در دست وانمود کند.

فرستادگان رژیم مَلاها برای دریافت بی ثمری این تاکتیک، تمام طول سه روزه ی مذاکرات را فرصت دارند؛ جایی که بنا به تاکید طرفهای خارجی شان، "همه" مسایل مورد اختلاف باید برای توافق نهایی در تیرماه حل شود. موارد مزبور فهرستی طولانی را در بر می گیرد که بی تردید رفع نگرانی حاکمان جمهوری اسلامی از پرداخته شدن به مساله پیمالی حقوق شهروندان ایران، شامل آن نمی شود.

جهتی که مذاکرات به سمت آن در حرکت است را مجلس مَلاها دو روز پیش از اعتصاب غذایی آقای ظریف در پایتخت اتریش با علامت هُشدار نشانه گذاری کرده بود. ارگان مزبور در این رابطه به "مسایل دفاعی و موشکی" اشاره کرده و به طور اکید خواستار مطرح نشدن آن در "مباحثات هسته ای" شده بود.

کمی پیش تر از آن نیز آقای لاریجانی، یکی از پایوران ارشد حکومت، بخت خود برای دستکاری در دستور مذاکرات وین را به این صورت آزمود که با اشاره به گزارش دبیرکل سازمان ملل در باره وضعیت وخیم حقوق بشر در ایران، طرح مساله حقوق بشر را مُترادف "ترک میز مذاکرات" و "برهم زدن" آن از سوی جمهوری اسلامی معرفی کرد.

با این حال، از آنجا که دینامیزم به حرکت درآمده از توافق ژنو، نیروی مُحَرک خود را نه از لفاظی، صندلی چرحدار یا رژیم غذایی این یا آن پایور حکومت، بلکه از عقب نشینی "نظام" می گیرد، بنابراین دستور کار خود را نیز سازگار با آن تحمیل می کند. در مُلاقات آقای اخضر ابراهیمی، نماینده سازمان ملل در امور سوریه با آقای ظریف یک روز پیش از آغاز دور دُوم مذاکرات و به همین گونه مُلاقات وزیر خارجه مَلاها با مدیر اجرایی سازمان ملل در امر مُبارزه با مواد مُخدر در وین، خُطوط این موقعیت تعقیب پذیر است.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در

ایران را به شدت محکوم می کنیم.

شهدای فدایی در فروردین ماه



زنده یاد رفیق منوچهر کلانتری

رفقا: جواد سلاحی - حسین الهیاری - حبیب مؤمنی - خشایار سنجری - منصور فرشیدی - محمد معصوم خانی - بیژن جزنی - حسن ضیاء ظریفی - عباس سورکی - مشعوف (سعید) کلانتری - محمد چوپان زاده - عزیز سرمدی - احمد جلیل افشار - حمید اکرامی - محمدرضا کامیابی - غزال (پریدخت) آیتی - سیمین پنجه شاهی - عباس هوشمند - علی میرابیون - یدالله سلسبیلی - ناصر توفیقیان - جلیل اراضی - بهرام آق اتابای - عطا خانجانی - محمدآراز (بهرروز) - آراز محمد وردی پور - غفور عمادی - عبدالله صوفی زاده - بردی محمدکوسه غراوی - قربانعلی پورنوروز - سعید جوان مولایی - علی محمد خوجه - فیروز شکری - آنه بردی سرافراز - قربان (آرقا) شفیع - محمد ابراهیم مفتاح - فیروز صدیقی - نور محمد شفیع - محمد رسول عزیزیان - پروین افروزه - محمد حرمتی پور - منوچهر کلانتری - صدیق دیده ور - احسان الله ایمانی - فریدون آشوری - غلام حسین خاکباز - مسعود دانیالی - محسن رفعتی - رویا علی پناه فرد - فرشته گل عنبریان - صدیق دیده ور - بهنام و ... در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

- ۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُنن - آلمان،
 - ۲-چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک
- ۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

در همبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظریا سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

NABARD - E - KHALGH

No : 339 23 sept. 2013 / Price: \$ 1 – 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org